عکس قلمی نسخہ

مجمع الانساب ۱۳۵۱ھ

جلد سوم

از

غلام محمد ملتانی

قلمی کتاب کی فوٹو اسٹیٹ

مجمع الانساب

سنہ ۱۳۰۱ھ

حصہ اول / سوم

یہ کتاب تین جلد میں ہے ۔

از غلام محمد ملتانی

نوٹ:

یہ کتاب سید منصور علی شاہ ایڈووکیٹ سے لے کر مورخہ 31، جنوری 2006

بمطابق یکم محرم الحرام 1427 ہجری کو فوٹو اسٹیٹ کر کے اس کو محفوظ کر لیا گیا ہے۔

28/2/2006

ملک سیاد معصوم شاہ

موضع خواجہ خضر

کوہاٹ

800/2 روپے

marfat.com

Marfat.com

ملک سید معصوم شاہ ولد سید احمد شاہ
ساکنہ عیادل نگر بنڈی روڈ کوہاٹ
فون نمبر 518074

معصوم

28/2/2006

ملک سید معصوم شاہ
موضع خواجہ خضر
بہاولنگر کوہاٹ

marfat.com
Marfat.com

بهادر کنگر کوهاٹ

۱

دره را گویند و گازه خان را سه پسران بودند میران خان و امیر خان و جمشید خان و میرانخان را سه پسران بودند بدا خان و حسن خان و عمر خان اولاد بدا خان بدا خیل اند و اولاد حسن خان حسنزی اند و عمر خان اولاد ندارد بی خلف بود و امیر خان را دو پسران بودند عمر خان و بای خان و عمر خان را سه پسران بودند میر احمد خان و علیشیر خان و ولیشیر خان اولاد میر احمد خان میر احمد خیل اند و اولاد علیشیر خان علیشیرزی اند و اولاد ولیشیر خان مزرو خیل اند و اولاد جمشید خان کرمانی و سودیری و مامونزی و درسمند و بائیزی اند و اولاد گوژه خان شانزده خانه در قوم سامل زی و در قوم علیشیرزی میباشند و اولاد سامل خان شامونزان و یوسف خیل و زیران خیل و سلطان خیل و حسنزی خیل و تنبه خیل و حاجی خیل و کاغذی خیل و بودی خیل و علیزی خیل و اوستر زی خیل و نصرت خیل و ممزی خیل و کچی خیل و مری خیل و احمد زی خیل و ماخیز خیل و شادیزی خیل و حاجی زی خیل و موسی خیل و لنڈی خیل در موضع کرم میباشند و بایخان را یک پسر بود دولت خان و دولت خان را سه پسران بودند الله داد خان دویم

marfat.com
Marfat.com

بهزاد خان سویم ملکمیرخان اولاد الله داد خان الله دادی
اند و اولاد بهزاد خان بهزادی اند و اولاد آمیرخان تیمور
باقری میروزی اند و ملکمیرخان را دو پسران بودند فخرخان و فتح خان
اولاد فتح خان قوم فتح خانخیل اند و فخرخان را سه پسران بودند
شاه ولیخان و رحمعلی خان و دریا خان و خالفاحب شاه ولیخان
را چهار پسران بودند اسمعیل خان و مهرعلی خان و شمعلی خان
و سکندرخان و اسمعیل خان بی خلف اندست و اولاد رحمعلی خان
رحمعلی اند و اولاد دریاخان دریاخیل اند و اولاد مهرعلی خان
مهرت خیل اند و اولاد خالفاحب شمعلی خان قوم شمنوخیل اند
و اولاد خالفاحب سکندرخان قوم سوجت خیل اند
و عمرخان را یک پسر بود عزت خان بدانکه عزت خان را هفت
پسران بودند سعادت خان بی خلف و عظمت خان و خالفاحب
صاحب رنرمست خان و زبردست خان این هر چهار برادران
از یک مادر بودند و مصاحب خان و کاظم خان و مجیب خان
این هر سه برادران از یک مادر بودند [redacted]
[redacted] والاشان عظمت خان - نجابت خان و ... خان
و سعادتمند خان و معزالدین خان و غازیخان و عظیم الله خان
و منصورخان

marfat.com
Marfat.com

و منصور خان آسامیها بناتوی دور بی بی و مهر بی بی و مصری بی بی و
فیض زنان و زیب زنان و کرم زنان و بی بی بیگم و بی بی خانم و بی بی جان
[redacted] ه قدردان فیض سال خان صاحب
رنگ همت خان و باز جنگ خان و لشکری خان و همت خان و
فتح خان و سعد الله خان و فیض الله خان و عزیز الله خان و نصر الله خان

آسامیها بناتوی لعل بی بی و نور بی بی و دیدار بی بی و گلزار بی بی
و نور جهان بیگم و دردانه بیگم و بی بی فاطمه و بی بی بیگم و زمرد بیگم و دنیا بیگم
[redacted] کلی خان و نواب خان
و ذو القدر خان و ناصر خان و مقرب خان و سربلند خان و جعفر خان
و سمند خان و منور خان و شاهنواز خان و مقرب خان و عرب خان
و سید علی خان و مور خان و منصور خان و شکوه خان و انور خان و میر باز خان

آسامیها بناتوی گل بی بی و لعل بی بی و نور خانم و ورمن جی
و بیگم جی و بی بی روشنائی و بی بی جی و بی بی نصرت و بی بی جان و
مصری خانم و بسنده خانم و نور بیگم و جان بیگم و سید بیگم و نوران
[redacted] ف میران خان
[redacted] را نه پسران بودند بهادر خان و باز گل خان
این هر دو از یک مادر و اسمعیل خان و شاهو خان این هر دو از یک

Marfat.com

مادر و قادر خان و درسله خان این هر دو از یک مادر و تراباز خان و عزیز الله خان
و سعادت خان این هرسه از یک مادر بودند

بیان اولاد
عالیجاه رفیع الجایگاه مشفق مهربان خان صاحب ذوالقدر خان را دو فرزند
بودند جهانگیر خان و قائم خان لا خلف بود

[redacted] را دو پسران بودند و یک دختر
اصالت خان و عزت خان و لعل بی بی مادر نواب خان بنگش
نواسه خان صاحب اصالت خان بود

شجره عزت خیل

عزت خان بن عمر خان بن بازگل خان بن خدر خان بن ایوب خان بن
نصر والله خان بن محمد علی خان بن شاهولی خان بن ملکیر خان بن دولت خان
بن بائی خان بن آمیر خان بن گاژه خان بن اسمعیل خان بنگش
سلیمان بن هشام بن عبدالرحمن بن سفیان بن [illegible]ـد بن
خالد بن ولید بن عبدالملک بن مروان بن حکم بن ابی العاص
بن امیه بن عبدالشمس بن عبدالمناف بن قصاب بن
کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک
بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس ع بن مضر بن
نزار بن معد بن عدنان بن اد بن ادد بن ادو بن بن الیسع
بن همیع بن یعرب بن یشجب بن قیدار بن اسمعیل ع بن

ابراهیم

شجره عزت خیل
حضرت آدم ع
احمد شاه

ابراهیم ع بن آزر قیل بن تارخ بن ناحور بن اشرم بن فسیح بن
ارعف بن قانع بن شالخ بن عامر بن ارفخشد بن سام بن نوح ع
بن لمک بن مادر بن مهلائیل بن قینان بن انوش بن شیث ع
[redacted] ابن حضرت آدم علیه السلام بن ابو تراب
[redacted] پنج پسران بودند
کریم داد خان و خواجه محمد خان این هر دو از یک مادر بودند و دراب خان
و زبیدین خان و جورا خان این هر سه از یک مادر بودند بدانکه اولاد
کریمداد خان را کریم داد خیل خوانند و اولاد خواجه محمد خان را خوزه خیل گویند
و اولاد دراب خان را دراب خیل خوانند و اولاد زبیدین خان را [illegible]
خیل گویند و اولاد جورا خان را جورا خیل گویند [redacted]
[redacted] دو پسران
بودند شهباز خان و نواز خان و مظهر الطاف پسران نائب شهباز خان
راسته پسران بودند سیف الله خان و میر نواز خان و ترابا ز خان و [illegible]
و مولائی و دوعا کرمان نائب نواز خان را نیز سه پسران بودند حبیب الله خان
و میر قاسم خان و آزاد خان رستم خان و دراوه خان بن قاسم خان بن
اصالت خان بن سرور خان بن حسن خان بن جهانگیر خان بن سر بلند خان
بن عظمت خان بن کاظم خان بن محمد علی خان بن شمشیر خان به مشهور
به پنج کلدان اند کاظم خان بن رستم خان و عنایت خان و افضل خان
ابنای سعادت خان و نور محمد خان بن تغل خان و ترابا ز خان بن سرفراز خان
و حسن خان و احمد خان ابنای سر بلند خان و سعدالله خان بن عبدالله خان

Marfat.com

و شرافت خان بن رحمت خان و سربلند خان و موزن خان ابنا رحمت خان

[redacted] منصور خان بن سمند خان بن معظم خان

بعد ملک امان

بن افضل خان بن اظهر خان بن باقی خان بن شیر محمد خان بن سکندر خان
ابن شهولی خان بن فاکر خان بن ملکیر خان بن دولت خان بن آدم خان بن
عمر خان بن اسمعیل نیکش بن سلیمان بن هشام بن عبد الرحمن
بن سفیان بن عبد الله بن خالد بن ولید بن عبد الملک بن
مروان بن حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد الشمس
بن عبد المناف بدانکه سردار خان و پردل خان هردو برادران
حقیقی اند ابن محمد خان بن قاسم خان بن شریف خان بن لطیف خان
بن قابل خان و عبد الله خان پسران بای خان ملکیری رحل خیل اند

[redacted] را سه پسران بودند
کلان الله داد خان بهره که مادرش جدا بود و بهداد خان از دیگر مادر بود و
ملکیر خان از دیگر مادر بود و آنچه کریمداد خان را برادر الله داد خان قرار داده
بود اند در هیچ کتب مرقوم نیست خلاف میگویند الله داد خان
مادر کریمداد خان را - از ضلع هشنا ور از قوم مطربان بفرار ری در کوهات
آورده بود از آن واسطه از دفتر های آبای و اجدای خود بی نصیب کردید و مادر
مربای خان نیز از ضلع هشنا ور زنی از قوم مطربان فرار نموده در کوهات
آورده بود

marfat.com
Marfat.com

آورده بود دولت خان از بطن آن زن علاقه‌ها در بوجود آمده بودند

[redacted] سعادت خان و عظمت خان و باز جنگ خان یعنی

زبردست خان و نواز جنگ خان یعنی زبردست خان و نواب خان

و مصائب خان و کاظم خان و نجیب خان [redacted]

[redacted] و معز الدین خان و غازی خان و عظیم الله خان

و منور خان و شرف الدین و کریم الدین خان و انور خان و اکرم خان

آسامیها بانو بی و دری بی و فیض النسا و زیب النسا و بی

بی خانم و مهر بی بی — و بی بی پاشیر همشیره شیر محمد خان و دختری سکندر خان

سکندر خان بود که اولادش تا حال در عزت خیل اند همت خان

برادرش شیر محمد خان

و باز گل خان پسران اصالت خان بودند اول همراه

[redacted] قدس الله سره العزیز شادی

بوقت هم بستر از وجود

بی بی شیر نام کرده بودند چونکه از وجود بی بی صاحبه بوی ظلم دا ند جد

هستم جد بزرگوار مایان گفته ای بی بی ملال خاطر مشو که تو لائق حاکمان خواهی

میباشی و من فقیر ام در حق شما دعای خیر کرده ام اکنون اولاد شما

تا یوم الحشر حکومت خواهند کرد ببرکت دعای آنحضرت در

خاندان عزت خیلان تا الحال حکومت میکنند و علی الصباح

Marfat.com

چوپان را والپس بخانه پدر فرستادند از آن روز شیر محمد خان همراه جد
بزرگوار بابایان عداوت میکرد و بلکه نقصان رسانی کرده بود به سبب عیث
آن عنقریب هلاک گردیدند — بدانکه قوم بابزی بنگش اند
خصوصاً دولت خیل و شینو خیل و سکندر خیل و رمل خیل و فتح خان
خیل و شهولی خیل و دودل خیل و عزت خیل و باجنک خیل ملکیری گفته میشوند
اند و دودل خیل و شینو خیل هردو برادر حقیقی اند و آمیر خان بن
بای خان را عوام الناس میرو میگفتند مردمان تپی و میروزی
از آمیر خان جدا شده اند و بنام جد خود مشهور اند اصالت خان
و عزت خان هردو برادر حقیقی بودند پسران عمر خان اند و
بازکل خان و سعادت خان پسران اصالت خان بودند رستم خان
ابن محمد خان شینو خیل زریف خان بهدادی و نور محمد خان احمدادی
و الله یار خان بن شریف خان الله دادی و لشکری خان بن شادی خان
باجنک خیل ملکری و شیر خان بن باقی خان بن فتح خان دریا خیل
[redacted] - بن
مجید خان بن مبت خان بن صالح محمد خان بن محمد خان بن بن عبد الکریم
خان بن محمد عظیم خان بن ترمکن خان بن سلیمان خان واضح باد که
محمد شریف خان و محمد خان پسران عبد الکریم خان هردو حقیقی برادران بودند بدانکه
زبدة السالکین و عمدة العارفین غوث زمان حضرت [redacted]

قدس الله

دشمنان آنحضرت زود به هلاکت رسیده بوده

شجره خیل پایندی محمد شاه فقیر

marfat.com

Marfat.com

قدس الله سره العزیز محمد شریف خان و محمد خان پسران عبد الکریم خان را از موضع
خوست برداشته همراه خود در لوهانات آورده بودند و حصه برادر
خود زمین مبلغ [illegible] واقع محمد جونه جهة مدد معاش عیال محمد شریف خان
و محمد خان نوشته با نهایت رحمت فرمودند و محمد شریف خان منقریب
فوت شد بلا خلف بود اولاد محمد خان تا الحال قابض (بر آن زمین) اند از آن ایام
سید علی محمود خیل شده بزرگان خاندان ما یان برای یاد بقا در کتاب
زیب ارقام نموده اند که بوقت ضرورت بکار خواهد آمد

[redacted]

[redacted] اختیار پسران بودند اسمعیل خان و میر علی خان
و شمس علی خان و سکندر خان — و خان صاحب والا شان عمر خان
را در پی [illegible] یک دختر بود اصالت خان و عزت خان و مسماة
لعل بی بی مادر نوزب خان ابن زبردست خان نورسته خان
صاحب اصالت خان بودند [redacted] بن
عمر خان بن خدر خان بن ایوب خان بن نصر الله خان بن
شهولی خان بن ملکمیر خان بن دولت خان بن امیر خان بن
گاژه خان بن اسمعیل تکش بن سلیمان بن عبد الرحمن بن
هشام بن ابراهیم بن عبد الملک بن مروان بن حکم بن ابی
العاص بن امیه بن عبد الشمس بن عبد المناف قریش
و کاظم خان بن رستم خان و عنایت خان و افضل خان ابناء

Marfat.com

خانقجب والاشان سعادت خان و نور محمد خان بن غزل خان و شهباز
و شهباز خان و موزز خان ابنای خان بهادر خان و ترابازخان
ابن سرفراز خان و حسن خان و اسد خان ابنای سربلندخان و سعدالله
خان بن عبدالله خان و شرافت خان بن رحمت خان و سربلندخان
و موزز خان پسران همت خان ایشان شنوخیل اند

شنو خیل

راویان اخبار و ناقلان روزگار چنان در کتب توریخ بنگش تحریر نموده
اند اسمعیل بنگش را سه پسران بودند کلان کاره خان و گوزه خان
و سامل خان باز کاره خان را سه پسران بودند میران خان و امیر خان
و جمشید خان و باز میران خان را سه پسران بودند کلان بدا خان
و علیشیر خان و حسن خان چنانچه اولاد بدا خان را بداخیل گویند
و اولاد علیشیر خان را علیشیرزی گویند و اولاد حسن خان را حسنزی
گویند و اولاد امیر خان را قوم بابزی گویند دولت خیل اند که آنها
ملمری گفته می شوند و گوزه خان در اصل ظالم و قاهر بود هفت
خانه در عهد اورنگ زیب بادشاه در قوم حسنزی ساکن بودند آن
همه بدرجه بلاغت رسیدند برای نام از آنها کسی نماند و اولاد سامل خان
که برادر اعیانی کاره خان بود مردمان ده شالوزان و ایسف خیل و
زیران خیل و تنبه خیل و حاجی خیل و لودی خیل که در تپه ملک سلطان علی

marfat.com
Marfat.com

ملک حسن علی سکنهٔ دیار کرم سکونت پذیر اند و مردمان سکنهٔ دهه بحی و دهه
مری نیز میباشند (ازان در) و مردمان دهه تهی و دهه مروزی و دهه باقیزی این هرسه
قوم داخل اولاد امیر خان اند و جمشید خان را سه پسران بودند
سمند خان و بلند خان و محمد خان و اولاد سمند خان ساکنان دهه در سمند
اند و اولاد بلند خان ساکنان دهه بلند خیل اند و اولاد محمد خان ساکنان
ده ماموزی اند که متصل کناره کرم روبروی بلند خیل واقع ست
واضح باد که حسن خان و بدا خان این هردو از یک مادر بودند و
عمر خان از دیگر مادر بود و میر احمد خان برادر کلان علی شیر خان بود بدانکه
میر احمد خان را دو پسران بودند کامل خان و ملک خان و ازین هردو
برادر چهار خیل پیدا شده اند مندر خیل حسن خیل و چندر خیل و اسماعیل
خیل سه خیل بالا ساکن اند و یک خیل در ولایت میباشند
بدانکه اولاد کامل خان سکنهٔ قریهٔ متحونه اند اولاد ملک خان
سکنهٔ قریهٔ راغه اند عبدالله خان بن الله یار خان بن سرور خان
بن محمود خان بن کامل خان بدانکه عبدالله خان را سه زن
بودند از یک زوجه میر طاوس خان و از دیگر زوجه میر جاجو خان و
از سوم زوجه میر سلیمان متولد شده اند بدانکه کامل خان را چهار فرزند
بودند محمد یار خان که اولادش را مندر خیل گویند و حسن خان که اولادش
را حسن خیل گویند و نیل خان که اولادش را نیلا خیل گویند و بنی

marfat.com
Marfat.com

خان که اولادش را بنی خیل گویند بدالله کامل خان آراسته [illegible] بودند

محمد امین خان و شهباز خان و آصف خان بن سعد خان بن صالح خان

بن آدم خان بن اختیار خان بن صاحب خان بن شاد خان بن ابراهیم خان

ابن محبت خان ابن جانی خان بن کل محمد خان بن [illegible] خان بن دلیل خان

بن میر احمد خان بهادر خان بن شریف خان بن کاظم خان بن

ایوب خان بن عمر خان بن [illegible] والله خان بن آزاد خان بن [illegible] خان

بن شیر محمد خان بن رستم خان بن قاسم خان بن عمر خان

سعادت خان بن قائم خان بن آصف خان بن محمد اباز خان

مندر خیل اند نجیب خان بن جان خان بن احمد خان بن ولایت

خان بن منور خان بن آصف خان بن عزت خان بن غلام خان بن

حکیم خان بن [illegible] والله خان بن خوشحال خان بن سعد والله بن آصف خان

رحمت خان

بن عبدالله خان [illegible] مندر خیل اند محمد خان بن سمند خان بن لعل خان بن سعادت خان

بن یوسف خان بن نجیب خان بن عظیم خان بن نجابت خان بن

[illegible] خان بن معز الدین خان بن شربت خان بن کریم خان

بن مجید خان بن حسن خان بن محمد امین خان حسن خیل اند

زمان شاه بن سید شاه بن محمد خان بن احمد خان بن کمال خان

بن غفار خان بن [illegible] خان بن شیر محمد خان بن لطیف خان بن قمر علی خان [illegible]

بن آزاد خان

marfat.com
Marfat.com

بن ترا باز خان بن منور خان بن شہباز خان بن حسن خان

حسن خیل اند و اصف خان برادر کلان محمد یار خان بود

حسن خان بن زمان خان بن سعد گل بن احمد گل بن احمد خان

خان بن کمال خان بن آزاد خان بن حیدر خان بن نسیم خان بن

شجره مبارک نوشته

غلام خان بن جان خان بن نیل خان نیما خیل اند بن ترا باز خان

بن میر باز خان بن ایاز خان بن گل باز خان بن شہباز خان بن

میر نواز خان بن موار خان بن دوران خان بن شیر زاد خان بن احمد

داود خان بن مراد خان بن نیل خان نیما خیل اند ملک

غلام حسین بن شیر خان بن الله داد خان بن ولایت خان بن

بن ہر مست خان بن عارف خان بن محمد خان بن صدیق خان

بن قاسم خان بن رحیم خان بن صدر الله خان بن حسن خان

در چهارم پشت حسین خان میباشند و ملک عظمت خان بن رحمت خان

ابن میان خان بن فتح خان بن نواب خان بن بای خان بن

مشرف خان بن اشرف خان بن حسین خان در پنجم پشت حسن خان

شجره مبارک عبد الر...

میباشند ملک سعد گل بن شہولی خان بن الله داد خان

بن مهدی خان بن الله یار خان بن لطیف خان بن زر لف خان بن

... خان بن اصالت خان بن مجید خان بن محبوب خان بن بنی خان

marfat.com

Marfat.com

بنی خیل اند   ملک عباس خان بن الیاس خان بن جلال خان - بن
جمال خان بن عزیز الله خان بن شیر واسد خان بن شریف خان بن
لطیف خان بن سعید خان بن حمید خان بن کریم خان بن [illegible]
خان بن بنی خان بنی خیل اند   ملک [illegible] خان دوازدهم [illegible]
ملک [illegible] احمد خان و سمند خان و ممند خان و [illegible]
و جلال خان و الم خان و ارم خان و یار محمد خان و اسد خان و مشرف
و اشرف خان ایشان راتی خیل اند   [illegible] خان بن محبوب خان
بن مصری خان بن [illegible] بن شیر [illegible] خان بن
عنایت خان بن شرافت خان بن حمید خان بن مجید خان - بن
حریف خان ایشان جرا خیل اند   کمال خان و جمال خان و [illegible]
خان و عنایت خان [illegible] و شرافت خان و عزیز الله خان
و محب الله خان و کریم الله خان و نظر الله خان [illegible] و میرا
خان ایشان جرا خیل اند این هرسه حقیقی برادران میباشند
ملک الله داد خان و ملک [illegible] زاد خان و ملک [illegible] خان
این هرسه تی خیل اند   ملک محمد بن ملک محمد خان بن ملک
کمال خان بن ملک جمال خان بن ملک عالم خان بن ملک
کاظم خان [illegible] اولاد هم برادران اند   بهادر خان بن شریف خان
خان بن زریف خان بن کاظم خان در عهد [illegible] صاحب مظفر خان +

گذشته
مردو خیل بودند

marfat.com
Marfat.com

مرو وخیل بود و اند تیه مدخیل از قوم براهیکان اند در عملداری جهانگیر بادشاه

شاه از علاقه خوست توجیده بجای ماتون سکونت داشتند و

بعد ازین [illegible] بمعرفت قوم میر احمد خیل ملک آمد جان

بن بهادر خان بن صفدر خان بن حیدر خان بن مشرف خان بن

اشرف خان بن عبد الله خان بن رحمت الله خان بن عزیز الله

خان بن عزیز الله خان بن فاور بخش بن الله بخش بن فضل احمد

بن فضل محمد خان بن عبد الکریم خان بن عبد الرحیم خان بن حفیظ

الله خان بن نعمت الله خان در اینجا آمده بودند ملک

جلفر خان بن غضنفر خان بن سرمست خان بن

مظفر خان بن ظفر خان بن ایاز خان بن بیاز خان بن کریمداد خان

بن حیدداد خان بن حکم خان بن سلیم خان بن ستار خان بن غفار

خان بن ابراهیم خان بن حلیم خان بن شرف الدین خان بن

کالمدین خان از علاقه خوست در اینجا آمده بود ملک محمد

گل بن احمد گل بن دستان خان بن بستان خان بن فتح خان بن

محمد خان بن عجیب الله خان بن حمید الله خان بن امیر والله خان

بن نجیب الله خان بن عزیز والله خان بن فقیر والله خان - بن

شکر والله خان بن نصر والله خان بن احمد خان بن محمد خان بن

در علاقه بنگو آمده بودند

marfat.com
Marfat.com

کوچیده در کاث — بلند محمد انوث

سرفراز خان بن میر باز خان بن محمد غوث از ملک خوست آمده

بودند — نالم خان بن

بن [redacted] خیل ملک کاظم خان بن اسماعیل خان بن

بن عالم شیر خان بن شمشیر خان بن الف خان بن ازاد خان بن

بن بهادر خان بن اشرف خان بن شرف خان بن اسمعیل خان بن

حضرت نور بن محمد نور بن محبت خان بن عنایت خان بن ملک خان

بن میر احمد خان بن عمر خان بن میران خان بن کاره خان بن

اسمعیل نهاکش بن سلیمان بن هشام بن عبدالرحمن بن سفیان

بن عبدالله بن خالد بن ولید بن عبدالملک بن مروان بن

حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف

و خیل ملک خان از قوم پراچکان اند غلام خان بن شیر خان

و عظمت خان بن میان خان ایشان از خاندان ملک لعل خان

اند قوم میراحمد خیل سکنه قریه متخوزه اند ملک ترا باز خان در اصل

میراحمد خیل نبود بلکه از قوم راعه بودند اسماعیل خان بن عالم شیر خان

جد ملک کاظم خان میراحمد خیل در اصل از قوم پراچکان بود از ملک

غلام حسین سکنه متخوزه موجود است دریافت باید کرد این

احوال از ملک اسمعیل خان و ملک ترا باز خان از سفید ریش ملکان

میراحمد خیل دریافت کرده شده پراچکان اند این ملکان در عهد خان

مظفر خان بودند

شجره قوم
میراحمد خیل
در اصل قریه
متخوزه آمده
خدمت حضرت این
ملک
کاظم خان
میراحمد خیل

marfat.com
Marfat.com

ومحمد خان ا ولسوار خان

واله یار خان و گلزار خان و آیدخان و شهباز خان این اولاد میر
جاجو خان اند که برادر اعیانی میر طاوس خان بودند
و ارادت خان و سعادت خان و مجید خان و حمید خان و
مبت خان و عنایت خان و صالح خان و محمد خان این
اولاد میر [illegible] خان اند شجره ملک عظیم خان سکنه

بن اسد از او کمان

قریه درابه عظیم خان بن کریم خان بن ازاد خان بن علیار خان
بن دلاور خان بن سرفراز خان بن میر باز خان بن فتح خان بن
عالم خان بن [illegible] خان بن دلیل خان بن خلیل خان بن [illegible] خان

برادر

بدانکه یوسف خان و خلیل خان این هر دو حقیقی برادر
میباشند وانچه [illegible] گریست مکان قریه محمدزی که بر کناره
نالهٔ کرم آباد است برادر بلند خان بود که اولادش را بلند
خیل میگویند بدانکه در قریه نریاب که یوسف خیل مشهور
اند هفت تپه میباشند یکی تپه علی است که از همه کلان بودند و
دویم تپه مرجان خیل است که ملک اینها محمود خان است
سوم تپه [illegible] است که ملک اینها سمندر خان است چهارم تپه
[illegible] است که ملک اینها ارسله خان است پنجم تپه [illegible]
است که ملک اینها سمندر خان است ششم تپه مرد[illegible]

و عظیم خان و رحم خان و کریم خان
سلیم خان و حکیم خان

Marfat.com

Marfat.com

خیل است که ملک اینها موازخان است باقی تیره حسنزی اند

که ملک اینها زرین شاه است

ملک سمندخان بن داد

شیرخان بن یار محمد خان بن کریم خان بن حیات خان [illegible]

خان بن بازی خان بن جمال خان بن کمال خان بن مقرب

خان بن عرب خان بن ایاز خان بن [illegible] خان بن شیر خان بن [illegible]

بن میر خان بن [illegible] ادر خان بن [illegible] خان بن عباس خان بن اماس خان

برادران فرزند جمال خان و فرزند [illegible] خان ساکنان سیاه

کوت [illegible] و از آنجا کوچیده در [illegible] سکونت پذیر گردیدند

ال قریه
دوابه

برادران خلیل خان ساکنه دوابه و یوسف خان ساکنه [illegible]

این هر دو حقیقی برادران میباشند پسران [illegible] خان [illegible] جمال [illegible]

مردمان ساکنه زیرشت برآنها حمله کردند و بعد از ان توجه کرده

برادر بصلاح خود یوسف خان زریاب را آباد کرد و خلیل خان

توجهی و قریه دوابه آباد کرد چنانچه در محکمه بندوبست

این [illegible] الف و شجره [illegible] اقوام ۱۵ جمادی الاول سنه ۱۲۹۳

داخل در عدالت سرکار کرده شدند

ملک میرباز خان و

و ملک صفت خان میر احمد خیل و ملک عباس خان و ملک [illegible] خان

تونغوال

marfat.com

Marfat.com

توغوال در عهد خان صاحب نواب جان در شیر خان نایب بودند
ملک سعید خان ایبه دردی و ملک نور محمد خان کلاخیل و
ملک نصر الله خان پدر ملک عباس خان از توال و ملک
سلطان پدر ملک بیند و ملک سلیمان کلا صدی و ملک
صاحب خان سوجت خیل و ملک سعادت خان فتح خانخیل
این همه ملکان در عهد سردار شکور خان و سردار میر محمد خان و
سردار سلطان محمد خان و سردار خواجه محمد خان حاکمان تولت
لمغز دار بودند بلکه تا به عملداری هند در سیان صاحب بهادر زنده
بودند   بدانکه شمه حال که از آبا و اجداد و بزرگان خاندان
محمود خیل ها منقول است که جمله تولت را در دوازده نیم تپه مقرر نموده اند
است به تفصیل [illegible] دولت خیل دو تپه [illegible] خیل دو تپه و
میروزی و باقیزی و تپه سه تپه منصور خیل و شینواری
که به جنگل خیل مشهور اند دو تپه محمود خیل و میر احمد خیل یک
تپه و موده و شهدی خیل یک تپه توغ و شیخان یک
تپه لداخیل نیم تپه   بدانکه آنجا هفت چشمها
که از دامن بالا ساری [illegible] و در موضع انبار [illegible] ان
هفت چشمها شده اند در آنجا شیر محمد خان سلندر خیل [illegible]

Marfat.com

موریهای آب را تیار نموده برتبه جات تقسیم کرده اند چنانچه
شش موریهای آب جهت میروزی و باقیزی و [illegible] و پنج موریهای
آب برای ملمیری و دو موریهای آب جهت محمود خیل و احمد
خیل و از آن پنج موریهای آب خرماتو یک [illegible] برای
زمین میان واقعه شاه بخاری شب و روز جاری است و از آن
محمد جونه نیم [illegible] آب جهت توغ مقرر نموده اند و بالای [illegible]
نشستگاه ست هوا دار جائیست که بر چهار طرف [illegible]
واقعه اند و جمیع اراضی ملمیری که قابل زراعت است دو هزار و [illegible]
صد و پنجاه برضه ساخته اند و باقیمانده اراضی [illegible] و چراگاه
و کوه این هر سه را مشترک مانده اند بدانکه هر دو جهت
توغ همسایگان محمود خیل و میر احمد خیل اند و ادا خیل و چیچنه و [illegible]
همسایگان میروزی و بایزی و [illegible] اند و شیخان [illegible]
ملوخیل اند و دهوده و خرماتو و توت و شادی خیل [illegible] هر
چهار همسایگان دولت خیل اند بدانکه دولت خان را
سه پسران بودند الله داد خان و بهزاد خان و ملمیر خان — و
ملمیر خان را دو پسران بودند باقی خان و مهر علی خان که اولاد او

پنجم حصه

واقعه

[illegible] حصه و [illegible] ان
[illegible] ان همسایگان

[illegible] احوال بزرادی
[illegible] جا قدیم نوشته

شان

در وراثت پدری
نشان مشهور اند و [illegible] و قسمت فیما بین برادران
نصف نصف است [illegible] خود ها تقسیم نموده اند
زمین الله وردی [illegible] زمین هزاری [illegible] زمین سکندر جعفر
خیل [illegible] زمین دهوڈیوالا [illegible] زمین عزت خیلان
زمین شینو خیلان [illegible] زمین فتح خانخیل [illegible]
زمین باجنک خیل [illegible] شاملات اند
بدانکه زمین محمد جونه [illegible]
صد و شصت و هشت روپیه بود جمله رقم سوبه مبلغ هشتاد و [illegible] روپیه
قرار داده شده چراکه زمین [illegible] روپیه زیر [illegible] خورد و [illegible] آمده
است واضح باد که اراضی محمد جونه چهار وقت گفته می
شوند یک وقت حسین است شش برخه اند که به ملک
تراباز خان تعلق دارد دوم وقت اولیانه است شش
برخه سوم وقت اسمعیل خان است شش برخه اند چهارم
وقت بابو خان است شش برخه اند به زمین [illegible] نسیم
تعلق دارد و تراباز خان و حسن خان و صدالله خان
و فیض الله خان این هر چهار برادران حقیقی بودند و ملک
صفت خان بن قدیر خان میر احمد خیل شش برخه جمله اراضی
میر احمد خیل هشتاد و چهار روپیه قرار داده شده و آنچه وقتها

اسمٰعیل خان گفته میشود پدر ملک کاظم خان بود آن دیگر اسماعیل خان بود
است برای یاد و بقا نوشته شده که عند الحاجه بکار خواهد آمد

شجره عالیه [redacted] قدس الله اسرارهم

شجره حضرت

حضرت بنوری صاحب بن سید اسمٰعیل بن سید بابو بن سید حاجی محمد
یوسف بن سید محمد یعقوب بن سید محمد حسین بن سید دولت بن سید محمد ایوب بن
محمد بن سید اقبل بن سید اکمل بن سید محمد سعید بن سید محمد شهید
قلندر بن شیخ المشائخ حضرت سید محمد بن سید محمد علی بن سید احمد علی
محمد اسمٰعیل صاحب الاخبار بن سید محمد ابراهیم که برادر خورد
امام علی رضا بود بن امام حسن عسکری بن امام محمد تقی بن امام
محمد نقی بن امام موسی رضا بن امام موسی کاظم بن امام جعفر
صادق بن امام محمد باقر بن امام علی اصغر که لقبش زین
العابدین است بن امام حسین شهید کربلا بن امیر المومنین
حضرت علی کرم الله وجه بن ابی طالب رضی الله عنه بود
شیخ آدم بنوری صاحب رحمة الله علیه را چهار پسران بود فرزندان
سید خواجه محمد و سید خواجه محمد عیسٰی و سید محمد اولیا و سید
محمد محسن و یک دختر بی بی طیبه بود بد اعلیه سید جلال
بن سید کمال بن سید احمد بن سید کام بخش بن سید محمد نور

شیخ آدم بنوری

که مشهور

marfat.com

Marfat.com

که مشهور به میان نور بیت الله بن سید محمد سعید بن سید محمد قطب
بن سید خواجه سراج الدین بن سید میان برکت الله بن سید
فقیر الله بن سید محمد محسن بن بدانکه غلام سادات بن سید
غلام شاه بن سید معظم شاه بن سید محمد یوسف بن سید محمد یونس
بن سید محمد غوث بن سید محمد خواجه بن حضرت بنور صاحب رحمة الله
علیه بدانکه میان عبد النبی بن میان غلام نقشبند بن
میان ضیاء الله بن میان صبغة الله بن میان برکت الله بن میان
فقیر الله بن سید محمد محسن بدانکه سید محمد خواجه را دو
پسران بودند سید محمد غوث و سید محمد قطب الدین اولاد سید
محمد خواجه و سید محمد محسن این هر دو خورد برادران بودند که
در کوهات سکونت پذیر گردیدند اولاد سید محمد اولیا بنوری
در شهر پشاور سکونت پذیر اند اولاد سید محمد عیسی بنوری
در دیار صوابت سکونت پذیر اند بزرگان ما این جهت یاد
بقاء زیب ارقام نموده اند که عند الحاجه بکار خواهد آمد ۱۲
در تواریخ مسطور است که شب روز [illegible]
در ملازمت حضرت بنور صاحب رحمة الله علیه دست بسته حاضر
می بودند شاه جهان بادشاه بباعث ترس مخدوم مولانا بنور صاحب
را از شهر جلاوطن ساخت نباید که بادشاهی من خالف گردد.

این هر دو برادر از دیگر خورد بودند

و از شهر بنور که در هند واقع است

از آنجو ستم از ملک خود جلا وطن کرده شده از آن زمان دو سه
سال در هر ملک گذرانیده در مدینه منوره انتقال فرمودند و بعد از آنجا
مدفون اند از حد زیاده صاحب کرامات بودند و چندین کس را
در زندگی زمان بدرجه ولایت رسانیده بودند - فقط

شیخ [redacted] بن عبد الله بن ملا فیض الدین بن
حافظ محمد سعید بن ملا علی محمد بن ملا عبد الشکور بن ملا عبد الغفور بن
ملا عبد الحلیم بن ملا عبد الکریم بن شیخ صدر الدین بن شاه رکن
عالم بن بهاء الحق صاحب ملتانی بن شیخ بدر الدین بن شیخ
عابد الدین بن شیخ محمد عارف بن شیخ محمد صدیق بن شیخ
عبد الرحمن بن شیخ عبد الحنان بن شیخ سلیم بن شیخ
(شیخ نجیب بن — شیخ یعقوب)
علیم بن شیخ حبیب بن شیخ ایوب بن شیخ عمر بن شیخ
محمد اکبر بن شیخ حمید الدین بن شیخ برهان الدین بن شیخ (شیخ علم الدین)
کاظم دین بن شیخ مقیم الدین بن شیخ عظیم الدین قریشی

بیان [redacted] بترتیب که حاکمان کوهات بوده اند

اسمعیل خان بن شهولی خان در عهد شیر شاه بن حسن خان قوم نیازی
مورخه ۱۵ ماه محرم الحرام سنه ۹۰۹ هجری حاکم کوهات بود و بعد از
آن محمد علی خان بن شهولی خان در عهد همایون مورخه ۲ ربیع الثانی

حضرت در یکی مقامی شده اند سید
را ملک خود در ملک ... شیخ
... که عمر عزیز خود را در
... فرموده در مدینه منوره
... انتقال فرموده بودند و
... مدفون شدند آنحضرت
صاحب فیض بودند بسا طالبان را
بدرجه ولایت غوثیت و
... رسانیده بودند
... در عهد ... عبد الله
... از فرزندان خود زیاده
... شاگرد مهربانی پرورش
... فرمودند چنانچه از صدق و یقین
... فراوان در دل ... مراد خود
... در قصبه کوهات مقرر کرده بودند
... برکت آن صاحب در تمام جهان مشهور
... بجماعت ... زیاده
... مرده و ...
... چند مسلمان از حضرت
... ما ... خود را ... باشند

ربیع الثانی سنه ۹۴۳ هجری حاکم کوهات بوده و بعد ازوی اسکندر خان
بن شهباز خان در عهد اکبر شاه مورخه ۵ ذوالحجه سنه ۹۷۲ هجری حاکم کوهات بوده و بعد ازوی رحمت خان بن میر علی خان
(بعد ازوی ملک خان بن اسکندر خان ... در سنه ۹۸۰ حاکم کوهات)
در عهد جهانگیر شاه مورخه ۱۷ جمادی الثانی سنه ۱۰۰۸ هجری
حاکم کوهات بوده و بعد ازوی همت خان بن رحمت خان
در عهد شاهجهان مورخه ۲۱ صفر المظفر سنه ۱۰۳۹ هجری حاکم
کوهات بوده و بعد ازوی شیر محمد خان بن اسکندر خان ثانی
شیر خان مشهور ... حاکم کوهات بوده در عهد اورنگ زیب (بعده حاکم کوهات بودند)
و بعد ازوی ... خان عموی شیر محمد خان اسکندر خیل بمعرفت
امیر خان و خواجه بقا سید حاکم پشاور در عهد اورنگ زیب
مورخه ۲۴ شعبان سنه ۱۰۹۳ هجری بر مسند ایالت کوهات
سرفراز و ممتاز گردانیده شده چند و یکسال حکومت بنگش علیا
و سفلی و یازده سال حکومت علاقه خطک کرده بود و یازده
سال شیر محمد خان بصیغه مستاجری حکومتی علاقه خطک کرده (نموده بودند)
اند که تصدیق این امر از تواریخ مرصع تصنیف خوشحال بیگ خان
خان اورکزئی کرده شده [redacted] ابن سکندر خان (بعد ملک خان بن سکندر خان)
والد خان میر احمد خیل حاکم میرانزئی در تواریخ بنگش مسطور است.

Marfat.com

آن را ملاحظه باید کرد تا که تمام کوائف بخوبی معلوم خواهد شد

و بعد از وی عمر خان نواسه میر علی خان در عهد بهادر شاه

۱۵ شوال سنه ۱۱۲۱ هجری حاکم کوہات بود و بعد از وی

در عهد بهادر شاه

کابل خان زن خیل ۱۶ شعبان سنه ۱۱۰۰ هجری حاکم

در عهد [illegible]

کوہات بود بعد از گذشتن شش سال بصلاح عبدالله خان

و شمشیر خان و شریف خان کابل خان در مقدمه بقرال برادرزاده

اسمعیل خان را بیلناه کشته بود مورخه ۱۸ ربیع الاول

۱۱۲۷ هجری اصالت خان و عزت خان هر دو برادران

که خون وی در خاطر ایشان مانده بود همراه کابل خان مقدمه برپا

نموده و فرصت یافته کابل خان را در عین جنگ کشته بودند و بعد

از وی اصالت خان بابتدای عهد نادرشاه و انتهای محمد شاه

۹ ربیع الثانی سنه ۱۱۵۴ هجری بر سریر ایالت ملک

بنگش سرفراز و ممتاز گردیده بودند و بعد از وی همت خان برادر [illegible]

برادران اصالت خان در عهد نادرشاه مورخه ۹ جمادی الاول

۱۱۶۰ هجری بمعرفت نواب غلام ناصر خان حاکم پشاور

بحکومت ملک بنگش سرفراز و ممتاز گردیده بودند و بعد از وی

عزت خان بنگش کرمان

۷ عبدالله خان

عزت خان بن عمر خان در عهد نادر شاه مورخه ۸ شهر رجب
سنه ۱۱۶[illegible] هجری بمعرفت میرزا باقر بیک حاکم [illegible] در بر
سریر ایالت ملک بنگش سرفراز و ممتاز گردید عزت
در ابتدای احمد شاه حاکم کوهات بود و بعد از وی [illegible] جنگ
کلی خان یعنی زبردست خان در عهد احمد شاه مورخه ۱۱ شهر
محرم الحرام سنه ۱۱۶۳ هجری حاکم ملک بنگش بود و بعد از
وی در ابتدای تیمور شاهی و انتهای احمد شاهی نور [illegible] خان
یعنی زبردست خان بمعرفت شاهزاده سکندر شاه پسر
احمد شاه بحکومت ملک بنگش سرفراز و ممتاز گردیده بودند و
در حین حیات پدر عالیجاه معلی جایگاه مظهر الطاف
پدران زبردست خان عالیجاه رفیع جایگاه حشمت و شوکت
دستگاه مشفق مهربان قدردان نورب خان بقوت
بازوی خود از راه زبردستی در عهد تیمور شاه و شاهزمان و
و محمود شاه پسران احمد شاه درانی مورخه ۱۹ شهر ربیع الاول
سنه ۱۲۱۰ هجری بر حکومت ملک بنگش قابض گردیده بودند
و بعد از وی [illegible] در شب پنجشنبه مورخه ۱۶ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۱۸

از ملک گذرانیده بود و از فرزندش
جبر حکومت پکنا و والد خود را برادرش
رسانیده بجای پدر حاکم کوهات گ

marfat.com
Marfat.com

از دست مظفر خان که بخان بهادر مشهور بود و باز کل خان
و اسمعیل خان پسرانش با پدر خود را بدرجه شهادت
رسانیده و بعد از وفات وی کلان فرزندش خان بهادر
خان بجای والد بر سریر ایالت ولایت کامیاب گردیده
چون که شاه زمان پادشاه رونق افزای ولایت گردید خان
بهادر را گرفتار نموده مبلغ لکه روپیه خون بهای نواب خان
از نامبرده بطریقه جرمانه سرکار وصول کرده بعد از آن بجای پدر او
را مقرر فرمود شش سال بخوبی حکومت نمود و بعد از آن
در میان برادران نفاق واقع گردید و بعد از وی عزیز الله خان کشمیری
و اسمعیل خان برادرانش بطریقه اجاره ۳ سال بخوبی
حکمرانی ملک نیابتش نمود و بعد از وی مورخه ۱۸ ماه
جمادی الثانی سنه ۱۲۲۴ هجری خان بهادر مستاجری
ملک ولایت از پیشگاه فضل [illegible] شجاع الملک پادشاه
مقرر گردید و شش سال حکمرانی نمود و بعد از وی فتح خان
برادر عزیز الله خان کشمیری در عهد محمود شاه مورخه ۲۱ ماه
جمادی الاول سنه ۱۲۲۷ هجری بر سریر ایالت ولایت سرافراز
و ممتاز گردید

[illegible]

marfat.com
Marfat.com

نیاکش بودند

و ممتاز گردید و شش سال بخوبی حکمرانی نمود چون که نوبت

بغزنوی

شاه محمود رسید مورخه ۲۵ ربیع الاول سنه ۱۲۳۱

نموده

هجری حکومت ملک بنگش به کار و الاعتبار ضبط کرده جهت

را بدوسال

۲ جوانب بنگش

هر یک خانواده احسان حسب لیاقت تفصیل جاگیرات

نموده بودند

مقرر کرده شدند و بعد آن در عهد محمود شاه مورخه ۱۵

جمادی الاول سنه ۱۲۳۱ هجری مرزا گرامی خان بر سریر ایالت

بودند مبدل شده بودند

ملک بنگش مقرر گردید و یکسال حکمرانی نمود و بعد از وی

شاهزاده گان سلطان جان و شاهزاده تیمور شاه و شاهزاده

محمد علی خان حسب الحکم محمود شاه در ملک بنگش مقرر گردیده

بودند مبدل شدند

ند و شش سال حکمرانی نموده چون که نوبت وزیر

فتح خان رسید مورخه ۱۱ محرم سنه ۱۲۳۵ هجری سردار

به

یار محمد خان بارکزی در نوبت آمده شاهزاده گان را کشیده

۳

بر سریر ایالت خود قابض و متصرف گردید و دو سال بخوبی

در کابل

حکمرانی نموده واپس رفته و بعد از وی سردار شیر دل خان

مورخه ۱۵ محرم سنه ۱۲۳۷ هجری بر سریر ایالت ملک بنگش

کابل

رونق افروز گردید و چهار سال حکمرانی نموده واپس رفت

و بعد ازوی سردار نواب صمد خان بر سریر ایالت ملک بنگش زینت
افزا گردیده و سه سال گذرانیده و بعد ازوی سردار خیرالله خان
چهل سال حکمرانی نموده و بعد ازوی سردار محمد عثمان خان با زن و بچه
پسران هفت سال حکومت نموده و بعد از ایشان سردار پیر
محمد خان وارد کوهات گردیده و عثمان خان بوقت شب براه
هنگو بطرف کابل روانه شده و سردار پیر محمد خان هفت سال
حکومت نموده که سردار عطر سنگه سکه سند وارد کوهات
شده و پیر محمد خان بهمه عیال و اطفال براه هنگو جانب کابل کوچیده و بکتاب
در وزیره خان خانم هنگو راه دره تنگه بند نموده بودند موسم
تابستان بود بسیار تکلیف به سردار رسیده بود بمنت و
زاری راه داده بود عطر سنگه یکسال حکمرانی نموده بوده که
و بعد ازوی سردار سلطان محمد خان ۱۵ سال حکمرانی نموده که
و بعد ازوی سردار نور محمد خان سه سال حکمرانی نموده و آغا
میندی خان یکسال حکمرانی نموده و لاله [illegible] یکسال چولال یکسال و
بعد از سردار پیر محمد خان لعل سنگه یکسال حکمرانی نموده بعد [illegible]
به مرد و زن [illegible] زیر قلعه سستی شده بود بخاطر غرت خان ۲ ماه

و سردار قادر خان

marfat.com
Marfat.com

سردار بهادر خان ۶ ماه حکمرانی نموده و بعد از وی سردار خواجه محمد خان

۳ سال حکمرانی نموده و بعد از وی سردار نور محمد خان ۳ سال — حکمرانی نموده بودند

و بعد از وی نواب صاحب شیر علی خان والد نواب بهادر شیر خان ۳

سال حکمرانی نموده و نائب موسی خان یکسال حکمرانی نموده و بعد از — نائب شهباز خان [illegible]

وفات شان [illegible] پسرش فتح خان [illegible] سال حکمرانی نموده — بودند

و بعد از آن سردار محمد عظیم خان مورخه ۱۵ شعبان سنه ۱۲۹۸

هجری [illegible] بنوکری وارد ولایت شده بهمه [illegible] سردار نور محمد خان براه

شکوه [illegible] سردار [illegible] از جانب کابل روانه شده و بعد از عملداری

قوم [illegible] و عملداری انگریز در افغانستان شروع گردیده

بدانکه اول میرزا [illegible] خان بود و بعد از آن سردار [illegible] خان بود و بعد

از وی شاهزاده کامران بودند و بعد از آن سردار شکور خان بود و بعد از آن

نواب صمد خان پسر سردار محمد خان محمد عثمان خان بودند و بعد از آن سردار

پیر محمد خان بود و بعد از آن سردار عطا [illegible] بود و بعد از آن سردار

سلطان محمد خان بود و نواب صاحب شیر علی خان یکسال حاکم بود و بعد از وی — نائب شهباز خان [illegible] از وی

نائب موسی خان یکسال حاکم بود و بعد از وی نواب صاحب شیر علی خان دو سال

حاکم بود و بعد از وفات نواب صاحب فتح خان ۳ سال حاکم بود و بعد

از وی سردار خواجه محمد خان ۳ سال حاکم بود و بعد از آن سردار

نور محمد خان ۳ سال بود و بعد از آن لعل [illegible] قبر نور محمد خان [illegible] بودند

Marfat.com

اغا میدی خان و بعد از آن خواجه محمد خان سردار بود و بعد از آن ـ لاله
خان ... بودند و بعد از آن ناظر غوث خان بودند و بعد از آن سردار
قادر خان بودند و در این اثنا سردار محمد عظم خان از ... فرار شده
در کوهات آمده گفت که در بنو ... خان بهادر رسید سردار
خواجه محمد خان و سردار محمد عظم خان هر دو براه بنگو ... کابل
از کف ... شده بودند
[redacted]
عبد الله
بن نعمت الله بن صاحب عالم بن محمد اکرم بن محمد عظم بن حافظ
محمد سعید بن حافظ محمد حمید بن حافظ نعمت الله ثانی بن حافظ عنایت
الله بن ملا محمد حسین بن ملا داؤد بن شیخ محمد عمر بن شیخ ...
... بن شیخ ... بن ملا نظام الدین بن قاضی منصور الدین
بن قاضی محمد یوسف بن شیخ احمد بن شیخ محمد بن شیخ ابو الحسن
بن شیخ عبد الصغور بن شیخ عبد الشکور بن شیخ فتح الدین
بن شیخ طاهر الدین بن شیخ خواجه علی بن امیر المومنین حضرت
ابابکر صدیق رض بن عبد الرحیم بن امیه بن عبد الله بن امیر المو‌ـ
منین حضرت عباس بن عبد المطلب بن عبد الهاشم بن
عبد المناف اهل قریش اند در تواریخ مسطور است
چون که عالیجاه معلی جایگاه فیض ... صاحب زبردست خان ...

... امید

شجره نسب عبدالله ولد نعمت الله

marfat.com
Marfat.com

بیان وقوعه ... جمعلی خیل ...

چار محل ... دیدند در آن وقت عالیجاه رفیع الجایگاه قدردان خان
عظمت نشان ... حافظ محمد اشرف و حافظ محمد عارف و حافظ
محمد سعید را از ملک پنجاب در کوهات آورده بودند و قبیله کا... او شان را
باسلام مشرف گردانیده و پدر ایشان منشی نورب وزیرآباد بودند
بدافعه قوم موند و قوم بنديال و قوم لالوخيل و قوم اجرا خيل اين
چهار قوم را از ملک پنجاب بعضی او ... و بعضی ... طلب نموده
نیده ... را ملازم خود ساخته و بروز سیوم ... مردمان
سکنه کوهات که در موضع بونه ... رفته بودند و عالیجاه رفیع
الجایگاه والا ... صاحب عزت خان ... چهار قوم ...
بعضه دیگر ملازمان قریب ... از سپاه خود را وقتی ...
فرمودند که در راه نصف بجانب مشرق و نصف بجانب
مغرب در نشیب ... پوشیده نشانیده بودند چون که وقت
شام شد ... والس ... خود می آمدند چون که برابر

بیان واقعه ...

سپاه رسیدند جنگ بر پا نمودند و تخمیناً پانصد نفر جمعلی خیل را
بدرجه شهادت رسانیده جنگ را موقوف نموده شد ... دور عهد
تیمور شاه عالیجاه رفیع الجایگاه حشمت و شوکت دستگاه مظهر
الالطاف ... خان صاحب زبردست خان بند و بست ... جوکی

marfat.com

Marfat.com

درزمین جرونذرا میلرد و قوم الددرادی را جمیع اراضی مانذند بلکه همراه خانصاحب مزاحمت میکردند و اجازت نمیدادند و از آن وسطه فیمابین الشان [illegible] ربه واقع شد قریب سه صد نفر الددرادی را در موضع جرونذرا بدرجه شهادت رسانیدند از آن باعث ناخوش جوی جنگ کلام نهاده شد واضح باد که قوم منوند و قوم معذبال و قوم لالوخیل و قوم احراهی [illegible] قوم را خانصاحب عزت [illegible] در تورنت اورده اند و عالیجاه رفیع [illegible] ه والاشان [illegible] قوم مصری خیل را از ملک تورنت جلا وطن نموده اند از آن ایام تاالحال در ملک چهه هزاره قوم مصری خیل ساکن اند و قوم الدد رادی را نیز الیشان از ملک تورنت جلا وطن ساخته اند از آن ایام تاالحال در ملک الیف [illegible] بر سر کوه ساکن اند

بدالله [illegible] یک پسر بود ولیشیر و برا سه پسران بودند حاجی و معزو و مردو اولاد حاجی [illegible] خیل اند و اولاد معزو [illegible] خیل اند و اولاد مردو خوانین [illegible] شند و معزو نام برادر خورد حاجی و مردو [illegible] واضح باد که اولاد [illegible] معزو بصلاح برادران چند خانه از مرا احمد خیلان و چند خانه از قوم عملیا و چند خانه از شیخان علیا و چند خانها از زرده سوماز

Marfat.com

در زمین جروندرا میبلد و قوم الدددادی جیحارا آنجا نماندند بلکه
همراه خانصاحب مزاحمت میکردند و اجازت نمیدادند از آن دو سطه
فیمابین ایشان محاربه واقع شد قریب سه صد نفر الدددادی را
در موضع جروندرا بدرجه شهادت رسانیدند از آن تا الحال باخش
جوی جنگ کلام نهاده شد واضح باد که قوم میوند و قوم مغدیال و قوم
لالوخیل و قوم احمدائی چهار قوم را خانصاحب عزت در کوهات
آورده اند و عالیجاه رفیع الجایگاه والا شان
قوم مصری خیل را از ملک کوهات جلا وطن نموده اند از آن ایام
تا الحال در ملک ... قوم مصری خیل ساکن اند و قوم الدد
دادی را نیز ایشان از ملک کوهات جلا وطن ساخته اند
از آن ایام تا الحال در ملک الف ... بر سر کوه ساکن اند
بدالله ... را یک پسر بود ولیشیر و برادر سه
برادران بودند حاجی و معزو و مردو اولاد حاجی ... خیل اند
و اولاد معزو ... خیل اند و اولاد مردو خوانین ... شند
و معزو ... برادر خورد حاجی و مردو بود واضح باد که اولاد ...
معزو بصلاح برادران چند خانه از مراحمد خیلان و چند خانه
از قوم عملیا و چند خانه از شیخان علیا و چند خانه از ... سومار

جهت امداد قوم بابری همراه نبکش در تو بات اند حکومت پذیر گردیدند
شده اند و مردمان نشین کوهات و ساکنان ده سوماری
اولاد خلیفه اند هر دو اقوام دعوی دروغ میکنند مایان را
نیز معلوم است که شیخ اسمعیل صاحب سوماری رحمة الله
علیه اولاد نداشته بودند فوت شده بودند و قبر علیشیر
بجوار قبور شیخ ... بر پشته خاک جانب جنوب برسر
حد خود مدفون اند [redacted] ر و خیل ننگووال
بدانکه حاجی خان برادر کلان مرد و خان در عهد بابر شاه بودند
و مرد و خان در عهد شیر شاه بودند و مرد و خان در عهد همایون بودند
و محمد خان در عهد اکبر شاه بودند و نجم خان در عهد جهانگیر بودند و الف خان
و الف خان در عهد شاهجهان بودند و ... خان در عهد اورنگ
زیب بودند و شهولی خان در عهد بهادرشاه بودند و سرور خان در عهد
محمد شاه جنت بودند و الله یار خان در عهد نادرشاه بودند و غلام خان
در عهد نادر شاه بودند و ولی محمد خان در عهد تیمور شاه بودند و محمد عظیم خان
در عهد شاه شجاع و شاه محمود بودند بدانکه بعد از وفات عالیجاه
رفیع الجایگاه والا شان الله یار خان در بار عالیجاه معلی جایگاه
خان صاحب ولی محمد خان از حکومت هنگو معزول شده بودند چونکه

اولاد او شان از ... اداره
این محل او شان ... بر گرفتند
دعوی ولوست او شان در ... گذارند
و نامسموع بوده باشد ۱۲

احوال
بیر الصمد

Marfat.com
Marfat.com

ولی محمد خان

بار دیگر معزول شدند بعد از آن بخدمت فیضدرجت مولانا حضرة
حاجی دیوانه صاحب رحمة الله علیه در شهر کابل بهره اندوز گردیده و
سه سال بعد از آن بیاید [illegible] در آن ایام حکومت هنکو در تصرف
عالیجاه رفیع الجایگاه والاشان زبردست خان و خان صاحب
نورب خان بود چونکه [illegible] با جازت مولانا شیخ سعد
الدین صاحب رحمة الله علیه و حسب الحکم احمد شاه پادشاه مورخه ۱۴
ذوالقاعده سنه ۱۲۲۴ هجری در تیرا وارد شدند و بعد و بست
محاربه نموده و جنگ کرده هنکو را در تصرف خود درآوردند و آن
مقدمه در استیزی برجسته برپا نموده بودند و زبردست خان را
شکست داده و رو بفراری نهاده بکریختند از آن ایام تا بعدم
مرگ حکمرانی امیران افغان [illegible] مورخه ۲ شهر محرم سنه ۱۲۲۰
رحلت نمود و بعد از وفات وی عالیجاه رفیع الجایگاه والاشان
خان صاحب محمد عظم خان حکمران امیران [illegible] باصلاح سیدان
هنکو سردار سمندخان در آنجا وارد شده خانصاحب را قلعه بند نموده
فرقان حمید از هنکو برآورده بر سر برادران مقید نموده در کوهات
نزد آغا میر خان حاکم فرستاده آن ظالم محمد عظم خان بعد غلام
نقشبند خان و محمود خان را مورخه ۲۶ شعبان سنه ۱۲۴۰

بعد از شهادت

marfat.com
Marfat.com

بیست ... حسب ... نهاده بودند
وقتی ... کرده ... در هنگو ... بود

بوده بدرجه شهادت رسانیده بر شتر جنازه را در هنگو بردند و بعد از
وی سردار صمد الله خان پسرش مورخه ۱۲ شوال سنه ۱۲۴۱
بر سریر ایالت هنگو زینت افزا گردیده و بعد از وی عالیجاه رفیع
جایگاه قدردان نائب عزیز الله خان ناظم صالح محمد این هر
دو حسب الحکم سردار پیر محمد خان ۱۸ رمضان سنه ۱۲۴۳
حاکم هنگو گردیده و بعد از شش ماه عالیجاه رفیع جایگاه مهربان
دوستان محمد اشرف خان که مشهور به ... بهادر بوده در هنگو حاکم
شده شش ماه بوده و بعد از وی بمعرفت ملا صالح محمد حسب
الحکم سردار پیر محمد خان درویزه خان توغوال بر سریر ایالت
هنگو مورخه ۱۱ شعبان سنه ۱۲۴۴ سرفراز گردیده و ملا صالح
برخاست و بجای او از نصاره ولیکن بهادر فرنگی مقرر گردیده و بودند
همراه درویزه خان حکمرانی میکرد و بعد از گذشتن شش ماه
فرنگی معزول شد و درویزه خان مستقل گردیده و مورخه ۲۱
ماه محرم سنه ۱۲۵۰ سردار پیر محمد خان از دست سکهان
برشیر ... و رقابض شده بودند از انور سطح پیر محمد خان عازم کابل
شده بودند درویزه خان راهی تنگه بند نموده سردار صاحب متحیر مانده
موسم تابستان بوده باعث تشنگی فرزند سردار فوت شده بود

بوده اند ایشان در بنگال شده به سمت وزارت وزیره را اصلاح
نمانند و بعد از آن سردار عبور نموده روانه گردیدند و درویز خان از کار
معزول گردید محی الله بجای او خود در سرا توقع قرار نشست گرفت و بعد از
وی نایب عزیز الله خان ۸ ماه صفر سنه ۱۲۵۰ بر سریر ایالت
ننلو مقرر گردیدند و شش ماه حکمرانی نمود بعد از آن درویزه خان
حسب الحکم سردار عطر شاه حاکم لوهارت بر سریر ایالت ننلو مقرر
شدند حاصل کلام تا که مدتی تا سه سال حکومت ننلو درویزه خان
نمود اندر این اثنا بصلاح غلام حیدر خان و [illegible] ع
مردمان او ستیزی و سیدان ننگو [illegible] درویزه خان را
بدرجه شهادت رسانیدند و بعد از وی عالیجاه رفیع الجایگاه والا
شان خان صاحب غلام حیدر خان و عالیجاه سعادت خان عموی
وی مورخه ۱۸ صفر سنه ۱۲۵۸ بر سریر ایالت ننلو مفوض
گردیدند که یکسال حکمرانی نمودند بعد از آن معزول گردیدند بجای
او زبردین و ستار خان پسر درویزه خان ۲۵ ربیع الاول
سنه ۱۲۵۹ بر سریر ایالت ننلو مقرر شدند و یکسال حکمرانی
کرده معزول گردیدند و بعد از آنها عالیجاه ناظر عزت خان

مورخه ۱۱

marfat.com
Marfat.com

مورخهٔ ۱۱ ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ بر سریر ایالت هنگو سرفراز
و ممتاز گردیده و یکسال حکمرانی نموده معزول شده و بعد از وی سردار
ذکریا خان ابن سردار سلطان محمد خان مورخهٔ ۱۵ ربیع الاول
سنه ۱۲۶۱ بر سریر ایالت هنگو مفوض گردیده یکسال حکمرانی
نموده [illegible] معزول شد و بعد از وی سردار یحیی خان برادرش [illegible]
نائب رحمت الله خان ۱۲ جمادی الاول سنه ۱۲۶۲ هجری
بر سریر ایالت هنگو مقرر شدند و مدت دو سال حکمرانی نموده
بودند باز عالیجاه رفیع الجایگاه مظهر الطاف بیکران نواب صاحب
غلام حیدر خان ۱۱ جمادی الاول سنه ۱۲۶۴ بر سریر ایالت
هنگو رونق افروز گردیده و دو سال حکمرانی نموده بودند که صاحبان
والا شان انگریز رسیده در کوهات اسشتنت کمشنر
بالک صاحب بهادر و اکستر اسشتنت کمشنر شهزاده محمد جمهور خان
بر مسند حکومت کوهات در سنه ۱۲۶۵ هجری مقرر
گردیدند ۱۱ سال سردار فیروزه خان حکمرانی نموده اند بودند
[redacted] بن مظفر خان بن محمد اعظم خان
بن ولی محمد خان بن [illegible] خان بن سرور خان بن ملک [illegible]

[illegible]

شجره خاندان عثمان خان مرحوم

بن رحیم خان بن الف خان بن نجم خان بن محمد خان بن مدو خان
بن مردو خان بن ولیشیر خان بن علیشیر خان بن
عمر خان بن آمیر خان بن کاره خان بن اسمعیل خان بن
بن سلیمان بن ہشام بن عبدالرحمن بن سفیان بن عبداله بن
خالد بن ولید بن عبدالملک بن مروان بن حاکم بن ابی العاص بن
امیه بن عبدالشمس بن عبدالمناف [redacted]
بن محمد امین خان بن شہول خان بن حسن الله خان بن الله داد خان بن
علی خان بن الف خان بن نجم خان بن محمد خان بن مدو خان ابن
علی مردان خان بن ولیشیر خان بن علیشیر خان بن عمر خان بن امیر
خان بن کاره خان بن اسمیل خان بن سلیمان خان بن ہشام خان بن
عبدالرحمن خان بن سفیان خان بن عبداله خان بن خالد خان بن
ولید خان بن عبدالملک بن مروان بن حکم بن ابی العاص بن
امیه بن عبدالشمس بن عبدالمناف بدالله محمد امین خان را
سه پسران بودند محمد عثمان خان محمد سعید خان محمد ابراهیم خان از
بطن یک مادر متولد شده اند و عثمان خان را چهار پسران بودند غلام
صدیق خان و تاج محمد خان و یعقوب خان و غلام محمد خان و محمد سعید خان

را دو پسران بودند

marfat.com
Marfat.com

را دو پسران بودند محمد اسحاق خان و محمد سبحان خان و محمد ارکان خان را نیز دو
پسران بودند انور خان و منور خان [redacted] بن
غلام حیدر خان بن محمد اعظم خان بن ولی محمد خان بن علیار خان بن
سرور خان بن شهول خان بن محمد رحیم خان بن الف خان بن
نجم خان بن محمد خان بن منور خان بن مردود خان بن ولی شیر خان
بن علی شیر خان بن محمد خان بن امیر خان بن [illegible] خان بن
محمد اسمعیل خان بنکش بن محمد سلیمان خان بن محمد هشام خان
بن عبدالرحمن خان بن محمد سفیان خان بن عبدالله خان بن
محمد خالد خان بن محمد ولید خان بن عبدالملک بن مروان بن حکم
بن ابی العاص بن امیه بن عبد الشمس بن عبد المناف
بدانکه عالیجاه رفیع الجایگاه مهربان دوستان سرور خان را
[illegible] پسران بودند غلام محمد خان و احمد خان و صدیق محمد خان و الله یار خان
و الله یار خان را دو پسران بودند الله داد خان و علی محمد خان و باز ولی
محمد خان را هفت پسران بودند خان بهادر خان و سعادت خان و محمد عظیم خان
و محمود خان و غلام خان از این هر دو نسل نماند و خان بهادر خان
را دو پسران بودند فتح خان و بهرام خان و فتح خان یک پسر بود

Marfat.com

رستم خان نابینا و سعادت خان را یک پسر بود نور محمد خان و سعادت خان

از بطن کنیز متولد شده اند [redacted]

محمد عظیم خان را هشت پسران بودند غلام حسین خان و مظفر خان

این هر دو از یک مادر اند و غلام حسن خان از یک دیگر مادر بود و خان

صاحب مظفر خان را چهار پسران بودند کلان بازگل خان از یک مادر

و محمد سرور خان از یک دیگر مادر بود و فقیر محمد خان و غلام ناصر خان از یک مادر

مانی خیل و بازگل خان را یک پسر بود غلام محمد خان و سرور خان را یک

پسر بود محمد نصیر خان و سرفراز خان از یک مادر بود که پسر شش ... ست

محمد خان است و دیگر ... پسران بودند یوسف خان و سربلند خان

و دریم خان غلام نقشبند خان و غلام محی الدین خان و غلام

غلام رسول خان و غلام محمد خان و غلام حیدر خان پسران محمد عظیم خان

این پنج از یک مادر اند که از خاندان ... خان بود و از غلام محی الدین

خان و غلام رسول خان یک دختر مانده بود و غلام حسن خان ... خلف

و غلام نقشبند خان را دو پسران غلام قادر خان و خواجه محمد خان

خان و یک دختر بود و خواجه محمد خان را ... پسران بودند حسن خان

و غلام رسول خان از یک مادر و شهباز خان از دیگر مادر بود و حسن خان

را ... پسران بودند

بیان اولاد خانان ...

marfat.com

Marfat.com

بیان خوانین خیل

بیان خوانین اورکزئی یعنی

را دو پسران بودند محمد اسلم خان و محمد سلیم خان و عالیجاه رفیع الجاه نیکو
حشمت و شوکت و دستگاه قدردان خان صاحب غلام حیدر خان
را پنج پسران بودند کلان الله یار خان از یک مادر و محمد اکرم خان
از دیگر مادر و میر عالم خان از سوم مادر و غلام محمد خان و غلام محی
الدین خان از یک مادر اند و الله یار خان را دو پسران بودند
خوشحال خان و جلال خان و محمد اکرم خان را یک پسر بود سلطان خان
محمد خان و میر عالم خان از بطن ... تولد شده اند و مادر غلام محمد
خان تیراهی بود و میر عالم خان را یک پسر بود سرفراز خان و غلام
محمد خان را یک پسر بود محمد ایوب خان این همه مرقومه بالا مردو خیل اند
بدانکه سعد الله خان را شش پسران بودند سرفراز خان
و خوشحال خان و جعفر خان و افضل خان و شهباز خان و شرافت خان
مادر سرفراز خان علیحده بود و سرور الله خان را دو پسران بودند
فیروز خان و میر خان و فیروز خان را دو پسران بودند عباس خان
و خواص خان و میر خان را یک پسر بود جعفر خان و جعفر خان را
یک پسر بود شهباز خان واضح باد که افضل خان و جعفر خان ابنا
سعد الله خان بر ذوی خلف بودند و عالیجاه معلی جایگاه والا شان
سرفراز خان را پانزده پسران بودند که اولاد ایشان در سرا...

Marfat.com

سکونت پذیر اند و خانصاحب خوشحال خان را یک پسر بود میر نوروز خان
و میر نوروز خان را یک پسر بود محمد علی خان خلف اند و خانصاحب
شرافت خان را سه پسران بودند هاشم خان و مبرا خان و میر خان
این هر سه از یک مادر متولد شده اند و هاشم خان را دو پسران
بودند غلام محی الدین خان و غلام محمد خان از یک مادر متولد شده بودند
اند مادر ایشان جدا جدا بود و غلام محی الدین خان را سه پسران
بودند قادر خان و غلام حسین خان و غلام نبی خان و خانصاحب
هاشم خان ثانی را دو پسران بودند غلام علی خان و ولی محمد خان
و مبرا خان را یک پسر بود محمد افضل خان را یک پسر بود
شیرباز خان و مزوالله خان ثانی را سه پسران بودند محب الله خان
و آمان خان و فتح خان و میر والد خان و علی مردان خان فرزندان
مزوالله خان اند پنج پسران در شده و ... خان را هشت پسران
بودند میر والله خان و فقیر والله خان و حبیب الله خان و نجیب الله خان
و تراباز خان و شاهنواز خان و میر نوروز خان و فیض طلب خان و فتح الله خان
خان را چهار پسران بودند سیف الله خان و عبد الحمید خان و فیض
الله خان و رستم خان و عالیجاه رفیع جایگاه والاشان
خانصاحب ارسله خان را یک پسر بود خانصاحب شهباز خان

مسکنه چوتره

سکنه چوتره و خانصاحب والاشان شهباز خان را چهار پسران بو
بودند کلان غلام ناصر خان و مدت خان و شاه سوار خان و
سرور خان و شهباز خان ابن سرفراز خان را چهار پسران بو
دند منصور خان و ناصر خان و نورب خان و جعفر خان
و جعفر خان بی خلف اند و منصور خان را پنج پسران بودند یکی
نادر علی خان و بلند خان و محمد شریف خان و مظفر خان و نادر
علی خان را دو پسران بودند و غلام نادر خان و میر نواز خان و
بلند خان را سه پسران بودند فتح خان و غلام خان و غلام
محمد خان و محمد شریف خان را پنج پسران بودند ترا باز خان و عجب
خان از یک مادر اند و نادر خان و غلام محمد خان و نورب خان
از یک مادر بودند و مظفر خان را یک پسر بود سمند خان و
مدت خان بی خلف اند و عالیجاه محمد عباس خان را سه
پسران بودند عطا محمد خان و محمد حسن خان و محمد اشرف خان
از اولاد مرتضی خان کسی نمانده و عالیجاه سند محمد خان را
چهار پسران بودند جلال الدین خان و کمال الدین خان از یک
مادر اند و گوهر خان و لشکری خان از یک مادر اند و غلام
ناصر خان را دو پسران بودند از مسله خان و خوشحال خان -

Marfat.com

و عالیجاه رفیع الجایگاه والاشان خانصاحب خوشحال خان را
یک پسر بود نواب صاحب خواجه محمد خان و نوابصاحب
را هفت پسران بودند محمد مظفر خان و محمد ظفر خان و محمد
اکبر خان و محمد غفور خان و محمد عظیم خان که مشهور بتاج محمد
خان است و عبدالرحیم خان از یک مادر و مظفر خان از دیگر
مادر و محمد ظفر خان و محمد اکبر خان و عبدالغفور خان و عبد
و محمد عظیم خان و تاج محمد خان این هر پنج خانزاده کان از یک
مادر از بطن همشیره خانصاحب غلام محمد خان سکنه شکردره
متولد شده اند و عالیجاه غلام حیدر خان را چهار پسران بودند
جلندر خان و افضل خان و ارم خان و ارسله خان و محمد
افضل خان را سه پسران بودند لطیف خان و محمد عظم خان
و شاهنواز خان و ارسله خان را دو پسران بودند حبیب الله
و غلام محمد خان و شاهنواز خان را یک دختر بود مادر شیر
و خانصاحب صاحب خان را یک پسر بود اسمعیل خان و از اولاد
قادر خان کسی نمانده و عالیجاه نور خان را سه پسران
بودند سمندر خان و سعادت خان و افضل خان و سمندر خان را دو پسر

بودند

[illegible] اکبر خان از بطن [illegible] بودند [illegible]

بودند شیرخان و جعفرخان و خانصاحب سعادت خان را دو پسران

بودند میرباز خان و سید محمد خان و خانصاحب افضل خان بی خلف بوده

اند و عالیجاه خانصاحب سرور خان را پنج پسران بودند فیض

طلب خان و شهداد خان از یک مادر اند و فتح الله خان و عبد

الکریم خان و محمد خان از یک مادر اند و فیض طلب خان بی

خلف اند و شهداد خان را سه پسران بودند شهولی خان

و شیر علی خان و شیر محمد خان سلمه [illegible] و عالیجاه عبدالکریم

خان را چهار پسران بودند محمد اکبر خان و سید محمد خان و صدر خان

از یک مادر بودند

و سرور خان و محمد اکبر خان جدا بود سرور خان و محمد اکبر خان

این هر دو برادر فوت شده اند و عالیجاه خانصاحب

دهالد خان را چهار پسران بودند خانگل خان و عبدالله خان

و سمند خان و میر خان و خانگل خان را سه پسران بودند

کلان شیر خان و نور محمد خان و محمد علی خان و عبدالله خان

را دو پسران بودند کلان ستار خان و جعفر خان و سمند خان

را یک پسر بود دریا خان و یحیی خان را دو پسران بودند

باز خان و چهلند خان و جهانگیر خان را سه پسران بودند

marfat.com

Marfat.com

موازخان و دین محمد خان و بر خان و عالیجاه زوخر خان را
سه پسران بودند رسول خان و جوانمرد خان و جهانگیر خان
و رسول خان را شش پسران بودند صمند خان و شیردل خان
و میر خان و سربلند خان و فتح جنگ خان و جوانمرد خان و [illegible]
صاحب نواب خان در مقدمه [illegible] بدرجه شهادت رسیده بودند
و از اولاد نوشه خان و شاپسند خان کسی نمانده اند و عالی
معلی جایگاه والاشان خانصاحب شهباز خان خطاب
را صد پسران بودند ولادت نوابصاحب خواجه محمد خان که بعد
از وفات والد بزرگوار خود ۱۵ جمادی الاول سنه ۱۲۴۰ هجری
پیدا شده اند (بودند) ولادت خانزاده مظفر خان ابن خواجه محمد خان
۱۱ محرم سنه ۱۲۵۷ هجری ولادت خانزاده محمد ظفر خان ابن
خواجه محمد خان ۱۸ ماه رمضان سنه ۱۲۵۹ هجری ولادت
خانزاده محمد اکبر خان ابن خواجه محمد خان ۱۳ ربیع الاول سنه ۱۲۶۱
ولادت خانزاده عبد الغفور خان ابن خواجه محمد خان ۹ شعبان
سنه ۱۲۶۹ ولادت خانزاده تاج محمد خان ابن خواجه محمد خان ۱۲ (یعنی [illegible] خان)
جمادی الاول سنه ۱۲۶۹ ولادت خانزاده محمد عظیم خان ابن

خواجه محمد خان

marfat.com
Marfat.com

ولادة ذکریا خان مادرش تیمن بود سنه ۱۲ ولادة اکبر خان مادرش ماپاری بود

خواجه محمد خان ۱۲ ماه صفر سنه ۱۲۶۳ ولادت خانزاده عبد
الرحیم خان بن خواجه محمد خان ۱۱ ر جمادی الثانی سنه ۱۲۶۸
ولادت خانزاده عبد الجبار خان بن مظفر خان نور سنه
نوابصاحب خواجه محمد خان ۸ ماه شعبان سنه ۱۲۷۴ هجری
[redacted] سکنه
ترینا ولادت نورجهان بیگم در سنه ۱۲۷۵ ولادت
جمال بیگم در سنه ۱۲۷۰ ولادت جهان آرا بیگم در سنه ۱۲۷۸
ولادت [redacted] بیگم در سنه ۱۲۶۱ بیان خلومت

بیان خوانین خطک

خوانین قوم خطک اوکیخیل بدانکه خوشحال خان در عهد شاهجهان
بودند و غلام نادر خان در عهد تیمور شاه بودند و شهباز خان در
عهد محمد شاه و تمر شاه بودند و سعد الله خان در عهد احمد شاه
بودند و افضل خان در عهد بهادر شاه بودند و محمد اشرف خان
در عهد اورنگ زیب بودند و خوشحال بیگ (بعهد عالمگیر) در عهد شاهجهان بودند
و شهباز خان ثانی در عهد جهانگیر بودند و یحیی خان در عهد اکبر شاه
بودند و ملک اکوره خان در عهد جلال الدین بادشاه بودند
ولادت نوابصاحب بهادر شیر خان ابن شیر علی خان بنگشی

نواب خواجه محمد خان خطک در عهد ... صاحب
ذهنی مشهور ... و کلات نوشته بودند

ولادت ... ۱۲۵۰ — ولادت ... خان ۱۲۶۱ — ولادت ... بیگم ۱۲۶۹

Marfat.com

عزت خیل در سنه ۱۲۴۲ ولادت عطا محمد خان بن شیر علی
خان عزت خیل در سنه ۱۲۵۶ ولادت خانزاده محمد اکرم
خان بن غلام حیدر خان مردو خیل در سنه ۱۲۶۴ ولادت
خانزاده شمول خان یوم سه شنبه ۲۴ رجب سنه ۱۲۵۶ه
ولادت خانزاده [illegible] علی خان یوم شنبه ۲۱ ذوالحجه سنه ۱۲۵۸
هجری ولادت خانزاده ولی محمد خان بن اله یار خان مردو خیل
شکنبه هلو ۵ اشعبان سنه ۱۲۸۴ ولادت فقیر عبدالله
ابن فقیر غلام علی شاه بن نواب میران شاه یوم سه شنبه ۱۵ رمضان
سنه ۱۲۶۴ ولادت اولی [illegible] دختر میان [illegible] شاه
قوم میانخیل ۱۲ محرم سنه ۱۲۶۸ ولادت [redacted]
بهادر صاحب [illegible] ۱ محرم سنه ۹۸۵ ولادت امام اعظم
صاحب ۱۱ محرم سنه ۸۰ ولادت امام مالک ۱۵ صفر ۹۵ه
ولادت امام شافعی ۹ ربیع الاول سنه ۱۵۰ ولادت امام
احمد ۱۲ جمادی الاول سنه ۱۶۴ ولادت امام حسن رض
سویم سال هجرت بود ولادت امام حسین رض چهارم سال
هجرت بود ولادت امام زین العابدین رض سنه ۳۸ هجری

ولادت

marfat.com
Marfat.com

ولادت امام محمد باقر رض در سنه ۵۷ ہجری ولادت امام
جعفر صادق رض در سنه ۸۰ ہجری ولادت امام موسے
کاظم رض در سنه ۱۲۸ ہجری ولادت امام موسی رضا رض
در سنه ۱۴۸ ہجری ولادت امام محمد تقی رض در سنه ۱۹۵
ہجری ولادت امام محمد نقی رض در سنه ۲۵۵ ہجری ولادت
امام حسن عسکری رض در سنه ۲۳۱ ولادت امام
مہدی آخر الزمان رض در سنه ۲۵۶ ہجری ولادت
محمد در سنه ۱۹۵ ہجری ولادت خواجه قطب الدین بختیار
اوشی رحمة الله علیه در سنه ۴۷۱ ہجری ولادت شیخ
محی الدین عربی رحمة الله علیه در سنه ۵۶۱ ہجری ولادت
شاهزاده سلیم شاه سنه ۹۷۶ ہجری ولادت جہانگیر شاه
سنه ۹۷۵ ہجری ولادت میاں یوسف شاه بن میران شاه
قوم میاخیل در شب پنجشنبه ۱۲ شعبان سنه ۱۲۴۱ ہجری
ولادت مظفر خان بن محمد عظم خان مرود خیل ۱۱ جمادی الاول
سنه ۱۲۳۶ ہجری ولادت غلام حیدر خان بن محمد عظم خان
مرود خیل ۱۵ ربیع الاول سنه ۱۲۳۵ ہجری ولادت خانزاده
بازگل خان ابن مظفر خان ۱۷ جمادی الثانی سنه ۱۲۵۹

Marfat.com

ولادت خانزاده [illegible] خان ابن غلام حیدر خان مردوخیل ۱۵
ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ ولادت خانزاده میر عالم خان
ابن غلام حیدر خان مردوخیل ۱۲ ذوالقعده سنه ۱۲۶۳
ولادت خانزاده محمد آمین خان ابن شهولی خان مردوخیل
۱۱ جمادی الاول سنه ۱۲۳۳ ولادت خانزاده
عثمان خان بن محمد امین خان ۹ محرم سنه ۱۲۶۱ ولادت
خانزاده محمد سعید خان بن محمد آمین خان ۱۱ صفر سنه ۱۲۶۲
ولادت خانزاده محمد اکبر خان [illegible] محمد امین خان ۱۸ جمادی
الاول سنه ۱۲۶۳ ولادت غلام علی شاه بن میرانشاه
۱۵ ربیع الاول سنه ۱۲۳۶ هجری قوم میانخیل کوهاتی

بیان تشخیص قطعات اراضی واقع کوهاست

که محدود اند بحدود اربعه بدانکه قطعه اول مشهور به جونجک
و لندیانی و سورسمان و بلوتک است و در آن قطعه بخصوصه خرد و زر
تخم ریز میشود چنانچه شرقاً متصل است بزمین نواب صاحب
شهباز خان بن سعدالله خان قطلب و غرباً ملحق است
بزمین متروکه الهداد خان بن دولت خان ملکی و بعضی
بزمین برادران

وبعضی به زمینیت مشترکه بهزاد خان بن دولت خان وبعضی به
زمین ملکیه ... بن دولت خان وبعضی زمین متصل بکوه
است که مشهور بزاغ قمر است وشمالاً متصل است
بکوهی افریدیان شار وکی وجنوباً متصل است بزمین شاد
خیل قوم نیازی قطعه دوم مشهور باستاده سنله
وغوابازیری وشرکی توسع که دران اراضی تخمیناً صد و بیست
ویک خروار تخم کاشته میشود که محدود است بحدود اربعه
شرقاً متصل است بکوهی زاغ قمر وغرباً متصل است
به مزار فیض آثار شیخ الاحمد رحمة الله علیه وبعضی
زمین بجوی که عامه ملحق است وشمالاً متصل است بجوی
جاک وجنوباً متصل است بلوسه قریه خرما توت
قطعه سوم که مشهور است به کالوچینه دران اراضی
تخمیناً بیست خروار تخم کاشته میشود که محدود است بحدود
اربعه شرقاً متصل است به قالهٔ بلوسیه وبعضی زمین
مصاحب خان وغرباً متصل است به ائمه زبدة السالکین
وعمدة العارفین [redacted] توکلی که مشهور
به محمد جونه است وشمالاً ملحق است براهی عامه شینخان

marfat.com
Marfat.com

و بعضی زمین ملحق است بنالهٔ بلوسیه و جنوباً متصل است
بنالهٔ جوکیان   قطعهٔ چهارم مشهور بشابور ست حصهٔ
میروزی‌ها و بالیزی‌ها و تیماست در آن اراضی تخمیناً پنجاه خروار
غله تخم کاشته می‌شود و محدود است بحدود اربعه شرقاً تو
ناله تیرا که توی کالفته می‌شود و غرباً ملحق است بزمین کمر ژنبد
و شمالاً متصل است بلوه و جنوباً متصل است بلوبها جنی
که از حساب جمع آوری مالیات خارج شده   قطعهٔ پنجم
مشهور است به سنج مشت ا در آن اراضی تخمیناً ۱۲ خروار
غله تخم کاشته می‌شود و محدود است بحدود اربعه چنانچه شرقاً
متصل است بزمین ملکیهٔ ابن دولت خان و غرباً متصل
است به تلای ملک سیدان کلا صحه و شمالاً متصل است
بلوه و جنوباً ملحق است بنالهٔ تیرا که توی کلفته می‌شود و بعضی
بزمین کابل خان از خیل ملحق است   قطعهٔ ششم که
مشهور به بالا بیار است که زیر دامن آن قلعه تیار کرده اند
که در آن اراضی تخمیناً پانزده خروار غله تخم کاشته می‌شود
و محدود است بحدود اربعه چنانچه متصل است به مسجد

حسن خان

marfat.com

Marfat.com

حسن خان بن حاجی محمد عظیم خان فتح خانخیل و غرباً ملحق است
به زمین صاحبزاده سید محمد نور صاحب بنوری رحمة الله علیه که الحال
این زمین در قبضه عالیجاه رفیع الجایگاه مهربان دوستان
نوزر جک کاشان است و شمالاً متصل است به مسجد
عالیجاه معلی جایگاه والا شان خان صاحب مصاحب خان
و جنوباً ملحق است به مزار فیض الانوار سید فاضل شاه رحمة الله
علیه که در کل مواضعات بزرگی آن حضرت (فضیلت) ظاهر است و واضح
باد که در محکمه قضا عالیجاه رفیع الجایگاه حشمت و شوکت
دستگاه مظهر الطاف بیکران خان صاحب مذکور
و زبردست خان مدعیان و صالح محمد خان بن عبد الغفور خان
مدعی علیه در محکمه خوانین حاضر آمده دعوی نمودند که این همه
حدودات مذکوره فی الصدر از آبا و اجداد ما حقیت و ملکیت
من مدعیان است و مدعی علیه از راه زبردستی بر ملکیت
ما ناحق قابض و متصرف شده اند مراد ما این است
که بعد از تحقیقات واجبی در این مجلس مسلمین حاضرین ابرا
نامه خود تحریر نموده بدهند که مرا با این حدودات مذکورات
غرض و واسطه (با ایشان) نیست بلکه بر حدودات مذکورات مدعی

در محکمه شیخ فاضل ... خان ...

و صادق محمد خان

marfat.com
Marfat.com

مدعیان را قابض کرده اند و بعد از آن از مدعی علیه وجوهات طلبیده شده اند
مدلله ... درین اول ظاهرا بیان نموده که این حدود و درست
مذکور است فی الصدر حقیت و ملکیت ... نیست و ... نگ
گفته این حدود و درست مذکور است ... تیمور شاه بخشیده بوده
اند و سوم مرتبه گفته که زر خرید نموده بعد از گفتگو ... بسیار زد و
وجه ثبوت نداشت از آن باعث قاضی بموجب روایات
شرعیه حکم نموده که حقیت و ملکیت مدعیان ثابت شد قبضه
مدعیان بر حدود و درست مذکور است ... نیده شود حکم این نامه
مدعی علیه حواله مدعیان داده شد ۱۸ شوال ۱۱۹۸

شجره [redacted] بن سید محمد علی بن محمد ولی
سید امیر محمد بن سید عبد الرسول بن سید وجیه الدین ابن سید شرف
الدین بن سید شمس الدین بن سید نجیب الدین بن سید یحیی بن
سید وهاب شیر بن سید نور الدین حسینی بن سید علاء الدین بن جمال الدین
بن سید سیف الدین بن سید شهاب الدین بن سید ابو
صالح نصیر بن سید تاج الدین بن سید عبد الرزاق بن
سید شیخ عبد القادر جیلانی بن سید ابو صالح بن سید موسی

جنگی

marfat.com
Marfat.com

خلک بن سید عبداللہ بن سید یحیی زاہد بن سید شاہ محمود مورث
بن سید محمد عیسی بن سید عبداللہ مورث بن سید شاہ موسی
اجون بن سید عبداللہ محض بن سید حسن بن سید عبداللہ
محض بن سید امام حسن مثنی بن امام حسین بن امیر المومنین
حضرت علی بن ابی طالب بن عبد المطلب
[redacted]
بن عبد الہاشم بن عبد المناف
[redacted] بن سلطان ثاتان بن سلطان نعمان
بن سلطان مرزبان بن سلطان تابان بن سلطان قیس ۔ بن سلطان ولیس
بن سلطان یزدگرد بن سلطان شہریار بن سلطان پرویز
ابن سلطان نوشیروان بن سلطان قباد بن سلطان فیروز بن نوروز
بن سلطان یزدجرد بن سلطان بہرام گور بن سلطان شاپور بن کافور
بن سلطان ہرمز بن سلطان بہرام بن سلطان اردشیر
سلطان بابک بن سلطان میراس بن سلطان ساسان بن کاسان
سلطان بہمن بن سلطان اسفندیار بن سلطان گشتاسب
بن سلطان لہراسپ بن سلطان ... بن سلطان کیقباد بن کیقباد
بن سلطان داراب بن سلطان شاہ طہماسپ بن سلطان ... بن ...

Marfat.com

اسمعیل بن سلطان حیدر بن شیخ صدر الدین بن شیخ
ابراهیم بن شیخ خواجه علی بن شیخ ضیاء الدین
بن شیخ صفی الدین ابو اسحاق بن شیخ امین الدین بن
شیخ الدین ابن شیخ قطب الدین ابن شیخ صلاح
الدین بن شیخ رشید الدین بن شیخ محمد حافظ بن شیخ
احمد حافظ بن نوروز شاه زرین کلاه بن فیروز شاه زرین کلاه
بن محمد شرف شاه بن محمد شرف شاه بن محمد شاه بن احمد شاه بن
حسین شاه بن ابراهیم شاه بن جعفر شاه بن اسمعیل شاه بن
محمد علی بن محمد قاسم بن ابو القاسم بن امام موسی کاظم بن
امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین بن
امام حسین بن امیر المومنین حضرت علی بن ابی طالب
مولانا حضرت سلیمان شاه رحمة الله علیه
مسطور است که کمترین نیازمندان این خاکسار از جد زاده
و تلاش نموده بسیار تواریخ ملاحظه کرده بخوبی اطمینان خود
نمودیم معلوم شد که [redacted] صاحب رحمة
الله علیه را سه پسران بودند عبد الرزاق و عبد الجبار و عبد
الغفار

marfat.com
Marfat.com

[redacted] اولاد شاهزاده عبدالرزاق در شهر بغداد شریف ساکن اند
و اولاد شاهزاده عبدالجبار در شام سکونت پذیر اند و طریقه
فقر دارند و هر سال حج میکنند و اولاد شاهزاده عبدالغفار
در ولایت ساکن اند و آنچه در اوطان مردمان دعوی
سادات میکنند اینها در اصل اولاد خلیفه میباشند
و شجره خود بتحقیق اختیار کرده اند بر قول ایشان اعتبار نباید
کرد و دروغگوی [redacted] بن سلطان شاه روان
رشید بن سلطان عبدالله بن سلطان حمیدالله بن سلطان
اجرائیل بن سلطان اسمعیل بن سلطان صفدر علی بن سلطان
حیدر علی بن سلطان صدر الدین بن سلطان بدر الدین بن
سلطان ابراهیم بن سلطان محمد عظیم بن سلطان محمد عیسی
بن سلطان احمد عیسی بن شیخ صفی الدین بن شیخ امین
الدین بن شیخ قطب الدین بن شیخ شهاب الدین بن
شیخ محمود رشید بن شیخ محمد حمید بن شیخ محمد شاه بن شیخ
احمد شاه بن حسین شاه بن علی محسن شاه بن جعفر شاه بن ابو غضنفر شاه
شاه بن ابو القسم بن ابو القاسم بن امام موسی کاظم

Marfat.com

امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین

امام حسین بن امیر المومنین حضرت علی بن ابی طالب

بن عبد المطلب بن عبد الہاشم بن عبد المناف قریش

شجرہ [redacted] بن سلطان محمد اکبر شاہ غزنوی

بن سلطان شاہان بن سلطان نعمان بن سلطان مرزوبان بن

سلطان مہربان بن سلطان قیس بن سلطان جیس بن سلطان

یزدگرد بن سلطان جزدگرد بن سلطان شہریار بن سلطان

کیاد بن سلطان امیر مروان بن سلطان نوشیروان بن قباد بن

عباد بن فیروز شاہ زرین کلاہ بن فوروز شاہ زرین کلاہ بن یزدجرد بن

بن بہرام گور بن شاپور بن ہرمز بن اکبر بن اردشیر [illegible]

بن بابک بن تاتابک بن مارس بن حاکس بن ساسان

بن الابان بن بہمن بن اسفندیار بن گشتاسپ بن لہراسپ

ابن بہمن بن کیقباد بن دوراب بن [illegible] بن طہماسپ

بن نمرود علیہ لعنۃ بن سام بن نوح [redacted]

سکندر بن [illegible] بن افقط بن نمط بن یونان

بن [illegible] بن سوید بن [illegible] بن ارش بن مارش

عاسخ

شجرہ بلوچ جعفر

[illegible]

marfat.com
Marfat.com

شجرہ سید شاہ نقشبند

عاسلح بن ماسلخ بن یافس بن حضرت نوح علیہ السلام

شجرہ عالیہ شاہ نقشبند بہاؤ الدین بن سید
جلال الدین بن سید کمال الدین بن جمال الدین بن سید
عبداللہ بن سید محمد اللہ بن سید زین العابدین بن سید
محمد زاہد بن بن سید قاسم بن بن سید عماد الدین بن سید شعبان
بن سید برہان بن سید محمود بن سید بلاق بن سید عبدالرزاق
بن سید احمد خلوتی بن سید فخر الدین بن سید عزیز الدین بن
امام علی اکبر بن امام علی اصغر بن امام عسکر بن امام محمد
تقی بن امام محمد نقی بن امام موسیٰ کاظم بن امام علی موسیٰ
رضا بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام زین العا
بدین بن امام حسین بن امیر المومنین حضرت علی کرم اللہ
اللہ وجہہ

شجرہ حضرت خواجہ خضر

شجرہ عالیہ خواجہ خضر بن ملکان بن بلیان
بن کلیان بن [redacted] نوح علیہ السلام
[redacted] اسکندر
بن فیلقوس بن مرزبان بن عوص بن رومی

marfat.com
Marfat.com

یعلی بن عمی بن تارخ بن یافس بن حضرت نوح
علیه السلام [redacted] شاهجهان
بن جهانگیر بن اکبر شاه بن همایون بن بابر شاه بن عمر شیخ
بن محمد سعید بن محمد شاه بن میرانشاه بن تیمور لنگ بن
آمیر طراغای بن آمیر برکل خان بن آمیر ترغل خان بن آمیر
لنگر خان بن آمیر ایجل خان بن آمیر قراجار نویان بن آمیر
سوغوچجن خان بن آمیر ایرومجی خان بن آمیر منکلی خان بن آمیر
قاچولی بهادر بن آمیر تومنه خان بن آمیر بایسنقر خان بن آمیر
قیدو خان بن آمیر تومین خان بن آمیر بوقا خان بن آمیر ابوز
خنجر خان بن آمیر الانقوا خان ایشان از نسل مغول خان بن یافث
بن نوح علیه السلام میباشند شمه احوالات سلاطین آمیر ابلکیز
ترکستان و سلاطین چنگیز خانی از آمیر تومنه خان مستفیض
شده اند
[redacted] حضرت محمد قاسم
صاحب بن حضرت حاجی بهادر صاحب نور الحق انار الله برهانه
بی بی رقیه بنت سید شرف الدین بن سید شمس الدین بن سید

شجره بهادران دهلی

بیان
حضرت
قاسم از اولاد خدایین است

بیان مادر محمد نور صاحب
که فرزند محمد قاسم است
و محمد قاسم فرزند حضرت بهادر

والتبیین سید نور الدین بن سید علاء الدین بن سید بهاء
الدین بن سید سیف الدین بن سید نجیب الدین بن سید
شهاب الدین بن سید نصیر الدین بن سید کبیر الدین بن سید
عبدالوهاب بن سید عبدالرزاق بن شیخ عبدالقادر جیلانی
قدس الله سره العزیز   شجره عالیه مادر محمد نور صاحب ابن
محمد قاسم صاحب بن حضرت حاجی بهادر صاحب کوهی قدس اسراره
برانه بی بی هاشمینه بنت شیخ محمد بن شیخ نور محمد بن شیخ
ولی محمد بن شیخ علی محمد بن شیخ محمد اسمعیل بن شیخ علاء
الدین بن شیخ ضیاء الدین بن شیخ محمود بن شیخ جلال
الدین بن شیخ جمال الدین بن شیخ نصیر الدین بن شیخ بصیر
الدین بن شیخ حسن بن شیخ احمد بن شیخ محمد سلطان
روح الله رحمة الله علیه این شیخ محمد از همه برادران خورد بودند

[redacted] بن
عبدالمطلب بن عبد الهاشم بن عبد المناف بن قصی
بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بن
فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن
الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن اد

بن ابن ادو بن الیسع بن ایشع بن یعرب بن یشجب
ابن قیذار بن اسمعیل ع ابن ابراهیم ع ابن تارخ بن ناحور بن
نوح ع بن مالک بن متوشلخ بن خنوخ بن مهلائیل بن
قینان بن انوش بن شیث ع بن ابو محمد یعنی آدم علیه
السلام [redacted] بن ابو تراب

علیه وسلم ... بنت وهب بن عبد مناف
بن زهرت بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن
غالب بن فهر بن مالک بن نظر بن کنانه بن خذیمه بن
مدرکه بن الیاس ع بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان
بن اد بن ادو بن الیسع بن ایشع بن یعرب
ابن یشجب بن قیذار بن اسمعیل ع بن ابراهیم ع
[redacted]
قحافه ابن سعد ابن مطر ابن کلاب ابن مره ابن کعب
ابن لوی ابن غالب ابن فهر ابن مالک ابن نظر ابن مظر
کنانه ابن خذیمه ابن مدرکه ابن حضرت الیاس علیه السلام
شجره [redacted] بن خطاب

ابن سعد

شجره مادر رسول الله صلی الله علیه وسلم

شجره حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه

شجره حضرت عمر ابن خطاب رضی الله عنه

marfat.com
Marfat.com

شجرہ حضرت عثمان غنی رضی اللہ عنہ

سعد ابن مطر ابن کلاب ابن مرہ ابن کعب ابن لوی

غالب ابن فہر ابن مالک ابن نضر ابن کنانہ ابن خزیمہ

[redacted] ابن مدرکہ ابن حضرت الیاس علیہ السلام

بن عام بن عاصم بن [redacted]

شجرہ حضرت علی مرتضی رضی اللہ عنہ

میہ بن عبد الشمس بن عبد المناف بن قصی بن مرہ بن

کلاب بن لوی بن غالب بن فہر بن مالک بن نضر بن کنانہ

بن خزیمہ بن مدرکہ بن حضرت الیاس علیہ السلام [redacted]

[redacted] ابن عبد

شجرہ ابو طالب جد حضرت علی

مطلب ابن عبد الہاشم ابن عبد المناف ابن قصی ابن

مرہ ابن کلاب ابن لوی ابن غالب ابن فہر ابن مالک

ابن نضر ابن کنانہ ابن خزیمہ ابن مدرکہ بن الیاس علیہ السلام

شیـ [redacted] بن خوشحال خان

بن غلام ناصر خان بن شہباز خان بن سعد اللہ خان بن افضل

خان ابن محمد اشرف خان بن مشرف خان بن خوشحال خان بن

شہباز خان شان بن محمد یحیی خان بن ملک الورہ بن چنجو خان

تومن خان بن سومن خان بن محمد حسن خان بن [illegible]

ابو محمد علی خان بن احمد علی خان بن [illegible] خان بن [illegible] خان بن

Marfat.com

بیان اولاد [illegible] سلیمان

اتوخان بن ماتوخان بن [illegible] تری تحا بن ترکی تحا بن [illegible] تور ماتو
تقمان بن برهان بدانکه برهان را سه پسران بودند [illegible]
و سلیمان و اوتمان اقوام خطک اولاد تقمان اند از آتور سطا
تقمان خیل نقته می شوند و اقوام افریدی اولاد [illegible] اند
آتور سطا سلیمان خیل نقته می شوند و اقوام اوتمان خیل اولاد
اوتمان [illegible] بدانکه خطک و افریدی و اتمان خیل این هر سه
اقوام [illegible] برهان خیل میگویند و اقوام جدران و اقوام برهان
این هر دو برادر [illegible] اند بلکه هر دو ننکوره در تودی داخل اند و تودی
در کرلان داخل است و اولاد کرلان بسیار اقوام [illegible] بدانکه
اقوام ولازاک و اقوام وزیری این هر دو از یک پدر متولد اند
و اقوام بنگبه و اقوام شیرزاد و اقوام خضر خیل این هر سه برادر
از یک پدر متولد اند و شینک و حلیم و تودی این هر سه
برادر از یک پدر متولد اند و موراني و سوراني و [illegible] این هر سه
برادر از یک پدر متولد اند [illegible] وزیر گویند و [illegible] این
هر دو برادر از یک پدر متولد اند بدانکه وزیر خیل و [illegible]
وزیر خیل [illegible] خیل و منگلی خیل و [illegible] خیل و [illegible] خیل [illegible]

[illegible]

marfat.com

Marfat.com

خیل و مصری خیل این نه خیل که در کرلان در خیل اند بدانکه
کرلان از کودی جدا شده است و کودی را هفت پسر بودند
و اسم کرلان در اصل ورختچه بود تربیت یافته وزیر بودی نام گشته
افغان است که در زمانه سید الانبیا صلی الله علیه وسلم گذشته بودند
بیت بدانکه جمع اقوام افغانان اولاد شرخبون و غرشبون
اند بدانکه در کتب تواریخ مسطور است که [redacted]
[redacted] باعث گردش فلک لجیکار در ایام شیرخوارگی
از سینه مادر خود جدا شده میان توده آن بیچاره افتاده بودند
حکم بادشاه تا به جهت تربیت آن بچه مقرر فرموده است دفع در
روز او را شیر خود می خورانید چون که وی شش ساله
شد روزی بادشاه برای شکار برآمده گشته شده بودند زیر
در میان آن توده گذرش شد از دور نظرش بر آن بچه که
بر چیزی نشسته بود افتاد بمجرد نظر کردن بر حسن
و جمال وی دیده و در بحر تفکر مستغرق گردیدند و
بعد از لحظه بهوش آمده آهسته آهسته از طرف پشت وی
نزدیک او رسیده او را برداشته بر اسب سوار نموده در
دولتخانه خود آورده شکریه خالق بجا آورده مانند فرزند تربیت

marfat.com

Marfat.com

وی میکردند بی اولاد بود در مدتی شش سال بر اخلاق حمیده
و افعال پسندیده بهره اندوز گردیده و در آن اثنا آن پادشاه
بیمار افتاد و آن بچه را ولی عهد خود نموده وصیت کرد که بعد از وفات
ممالک تاج و تخت بهمن ... خواهد بود بروز ششم
آن پادشاه انتقال نمود و [redacted]
بر مسند سلطنت زینت افزا گردیدند و در مهر خود تصویر شیر را
منقش می نمودند چهل یکسال حکومت نموده بودند که سلطان
نضر ملعون ممالک ربعه مسکون را در سلک تسخیر در آورده بود
و در اثنای آن در دام آن بدبخت گرفتار گردید چنانچه شش سال
در زندان محبوس بود چون ... ملک سیستان قرار و با آرام
جا گرفت جهان را ... خالد ابن ولید از جمان خا
خاندان اند که در عهد خلافت امیرالمؤمنین حضرت ابابکر
صدیق رض اندر این دیار بت پرستان و آتش پرستان و
مفسدان و گمراهان و منافقان از بس سکونت پذیر بوده اند
از آن رو خالد ابن ولید را سپاه سالار لشکر اسلام مقرر فر

موده برای

marfat.com
Marfat.com

نموده برای جهاد و تنبیه آن کافران در ملک خراسان روانه فرموده بودند

و قوم افغان را خالد مسلمان نموده ایشان را جهت جهاد همراه

خود میبردند چنانچه سند و هند و پنجاب و افغانستان را

افغانان سر گرفته اند و از آن باعث این جماعت همه بدانیال

علیه السلام منصوب اند و بقول بعضی مورخان در عهد

خلافت بنی امیه قوم افغان در اسلام مشرف شده بودند

بقول ارباب مورخان در خیال از نسل ملک طالوت میباشند

اند و ملک طالوت برادرزاده حضرت ابراهیم

علیه السلام بودند این شجاعت و بهادری و دلاوری - و

جوان مردی افغانان بباعث شیر و رش شیر شتر که او خورده بود در ایام

که عربیان در ملک خراسان وارد گردیدند نسب افغانان

او شان را بخوبی معلوم بود و علاوه از این در دین اسلام

مشرف شده بودند از آنوقت لقب ملکی بنام ایشان

مقرر گردید و لقبه لقب ابا و اجدای ایشان این رتبه

ملکیست و خطاب پتهان از خاندان سبکتگین

یافته اند و خطاب ملکی از خاندان بنی امیه حاصل نموده بودند

Marfat.com

اند از آن ایام ایشان ملک هستند چون که سلطان
محمود غزنوی انار الله برهانه در غزای سومنات وارد (آمده اند) در
دیار گجرات گردیده (رسیده) اند در آنوقت قوم افغانان نهایت
مشهور بودند سلطان در همه مهمات ایشان را پیش
میکردند و میفرمود که ایشان پتهان اند الله تعالی ایشان را
ظفریاب میگردانید و پتهان نام چوب است که بر آن جهاز
مرتب میکنند در کتب تواریخ مسطور است [redacted] که
بادشاهی بنی اسرائیل بود بدانکه ملک طالوت را دو پسران بودند ارمیا و
برخیا و سوم دختری بی بی عاطفه نام مادر حضرت سلیمان علیه السلام بود
و ارمیا را یک پسر بود اصف نام که وزیر سلیمان بادشاه پیغامبران بودند
و اصف وزیر را سه پسران بودند پتهان و کلا امان و آوان
چنانچه اولاد پتهان اقوام افغانان اند و اولاد کلا امان اقوام ترک اند
و اولاد آوان هندی اند که خود را آوان میگویند و افغانان را بار
خیل گویند (بنی) این هر سه اقوام ابنا العجم میگویند [redacted]
سلاطین بنی افغانان قندهار که دورانی گفته می شوند بدانکه +
قیس نام که مشهور بعبد الرشید بود که لقبش پتهان است

+ که اولاد برخیا

بیان ملک طالوت بنی اسرائیل

بیان افغان و دوران و ترک و غیره

بیان پیر محمد شاه قیس رشید اولاد خالد رضی الله عنه

ایماق لنگر کوه خضر

که اولاد برخیا بودند و برخیا وزیر حضرت سلیمان علیه السلام بودند
و عبد الرشید از قوم بنی اسرائیل بود و نسب آبای وی به بنیا
مین بن حضرت یعقوب علیه السلام بن حضرت ابراهیم علیه السلام
می پیوندد و قیس نام در زمان حضرت سید الانبیاء صلی الله
علیه وسلم بدین اسلام مشرف شده بود نبیره الله عبد الرشید
را سه پسران بودند سربن و بیطن و غرغشت و سربن را
دو پسران بودند شرف الدین که ملقب به شرخبون بودند است و خیرالد
ین که ملقب به خرشبون بودند است و شرف الدین را پنج پسران
بودند شیران و ترین و برنج و میانه و اوقد و شیران را دو
پسران بودند زرین و قمردین و ترین را یک پسر بود اودل
گویند که اودل بخدمت فیضدرجت خواجه احمد صاحب چشتی
رحمة الله علیه بهره اندوز گردیده و تا به مدتی مدید در خدمتگذاری آن
حضرت دست بسته حاضر میبود و روزی آنحضرت برحال زار
او ترحم فرموده [redacted] فرموده در حق وی دعا فر
موده مرخص نموده از آن روز بابدال مشهور گردید از آن
واسطه اولاد او را ابدالی گویند چنانچه تا الحال افغانان
قندهار میان خود او را زودل میگویند و ابدال را دو پسران

Marfat.com

بودند زیرک و نجباو و زیرک را سه پسران بودند پوپل و الکو
و بارک و پوپل خان را شش پسران بودند اسمعیل خان و حسن خان
و بامی خان و بادو خان و یعقوب خان و قلندر خان و بامی خان را پنج پسران
بودند صدو خان و صالح محمد خان و علی محمد خان و ریتیال خان و اورک خان
و صدو خان را دو پسران بودند محمد خضر خان و محمد کامران خان گویند
که محمد خضر خان آدمی دور اندیش و ریاضت کیش و پرهیزگار و زاهد
بوده و به جمیع اقوام افغانان ابدالی و جابر فرمان برداری وی بجا می آوردند.
بلکه نظر و نیاز خود بوی میدادند و بباعث ولایت او را خواجه می خواندند
گفتند و تمامی افغانان معتقد او بودند و بیطن را هژده پسران.
بودند موسی خان و شنک خان و سبو خان و مرغو خان و بهادر خان و ژوندون
و سیال خان و شبو خان و محمد علی خان و سمارو خان و خوش خان و دیال خان
و کمال خان و قاسم خان و بزنجان و فتح خان و جنیت خان و زینت خان
و سبو خان را دو پسران بودند اوتمان خان و شاد خان و دیال خان را پنج
پسران بودند ممی خان و زمی خان و بابک خان و امیر خان و عمر خان و محمد
علی خان را یک پسر بود فیروز خان و وی را نیز یک پسر بود
امیر محمد خان و وی را سه پسران بودند نصیر خان و پیر خان و شیر خان

بدرالله

marfat.com
Marfat.com

بدانکه اولاد بوبیرخان را بوبکری گویند واولاد بارک خان را بارکزی خوانند
نند و اولاد صدوخان را صدوزی میگویند و غوغشت را شش
پسران بودند دیوانی و باوانی و مندری و دیوانی را چهار پسر
بودند کاکر و ناغر و داور و پنی و کاکر را هشت پسران
بودند تفرق و سنجرق و زنجر و سرشی و زنغوزی و یارق و
و بارن
مارق و تارن به در اصل بابام ولی سید طاهر بود از جانب
نسبت مخالفان
مادر مذکور ازین سید بود و تفرق را چهار پسران بودند یونس
و مونس و سودن و جیون و سنجرق را دوازده پسران بودند
محمد علی و احمد علی و جرکس و برکس و بود و زود و اتمان و عمران
و اکرام و دل آرام و الیاس و الماس و سرشی را چهار پسران
بودند منگورخان و انگورخان و انورخان و منورخان و زنغوزی را
هشت پسران بودند شادی خان و مادی خان و الوب خان
و ... [illegible]

[illegible]

Marfat.com
Marfat.com

شش پسران بودند اوده و زنمه و آتمه و نام اتمه دراصل
سید حسن بود از جانب مادر سید بودند بعالم جوانی بیوه
شده بود از آن واسطه همراه افغان نکاح خود با مرلاچار بسته بود در

۷۸۶

و کوششهای اتمام

راویان اخبار و ناقلان روزگار بیست تمام عقدهای نوائب قوام افغانان
را با مدارا و دانای باناخن تدبیر کشانیده اند که تمام طالب را در تلاش ابهج
تکلیف عائد حال شد گردید ارباب مورخان در کتب تواریخات
زیب ارقام نموده اند که ملک طالوت که بادشاهی قوم بنی اسرائیل بودند
و سلطان جالوت کافر و ستم شعار بسیار تنگ کرده بود از آن
باعث روزی بحضور فیض گنجور حضرت شمعون علیه السلام تمام
عمده وزرا و افواج خود طلبانیده فرمودند که از من اینست مرام
هرکه سلطان جالوت بدین مردود را هلاک کنند آن شخص را
نصف بادشاهی بانکه دختر خوابم بخشید بلکه جه تسلیین مردمان
حاضرین مسلمین اهل مجلس سوگند خورده بودند چنانچه بامداد
با طالع سعد و بفضل رحیم کارساز بروز بحار به آن سلطان جالوت را حضرت
داود علیه السلام

و بعد با بی فتار کلک دور سالک و
جولان داده

marfat.com
Marfat.com

واقف علیه السلام غریق بحر سقر نموده بود از رفع محاربه حضرت
واقف هوشم در ملازمت سلطان خود عرض نمود ای پادشاه اسلام
اکرم از او وعده وفا نصف بادشاهی اورا عطا فرمود که در
معامله دختر انکاری شده بعوض خوبی دشمن جان وی گردید بلکه
در خاطر خود قصد هلاکت او در سر گذاشته بود از گذشتن ششم
یوم ممات بی بی عاطفه دختر شش بمعرفت دایه خود پیغام جهت
واقف علیه السلام فرستاده که پدرم بند وبست کشتن تو بخاطر خود
هوشیار بوده باشید نگهداشتن جان فرض است و دیگر خاطر خود را
از هر باب جمع داشته باشند که این عاجزه مال حق شماست
و بغیر شما دیگری مذکر بر من حرام است بباعث انکار قبله گاهی
ام خاطرم از بس غمگین و متفکر گشته که وعده خلافی کار
مردانگی نیست دیده شود که از پرده غیب چه بظهور
آید پانزده روز توقف نموده بوقتی شب فرصت یافته از دولت
خانه خود برآمده پیش واقف خود را رسانیده عرض نموده که شرط
ماست اگر قبول داری نکاح می نمایم پرسید کدام شرط است
هست گفت که فرزند مرا ولی عهد خود بفرما گفت بسر و چشم

ملازمان
بخدمت کارپردازان سرکار شاهنشاهی
بعاجزی تمام عرض نمودند که مراد ما
حسب الخواهش حاصل شده است
از زبان بنده نوازی عالی
ترحم فرموده وعده خود را بجا آورده
که عین الطافات ملوکانه خواهد بود

شاهزادی بنزلۀ شهزادی فرزند

چشم شرط تو قبول دارم ان شاء الله تعالی نرینه فرزند عطا بفرما باید بود از
آن دختر ملک طالوت را در حبالۀ نکاح خود در آورد چنانچه
شهزادی فرزند حکیم
حضرت سلیمان علیه السلام از بطن بی بی عاطفه متولد شده اند که
دختر زاده ملک طالوت بی بی بودند بدانکه [redacted] را
بودند
دو پسران و یک دختر ارمیا و برخیا و بی بی عاطفه بودند که تمام
انساب اقوام افغانان بآنها منتهی می‌شوند و معنی افغنه در
لغت سپاه سالار است و ارمیا را یک پسر بود آصف
که وزیر حضرت سلیمان ع بود و برخیا را نیز یک پسر بود قیس
افواج جنگی
که سپاه سالار سلیمان ع بود این هر دو برادران ماموزادگان - آنها
حضرت والاشان بودند و اولاد هر دو برادران از کثرت اعداد
و بسبب جمعیت و استعداد بر سائر قبایل رجحان و فوقیت
داشتند و باعث لورش فلک بخت النصر از ملک شام در
عهد حکمداری بد اختر نصر پادشاه آوارۀ شده بودند و همین قیس
که مشهور بعبد الرشید اند و ملقب به بطان گردیده و قیس
را سه پسران بودند سراین و بطن و غرغشت و سراین را
ابن بطان را دو پسران بودند شرف الدین که ملقب بشرخبون بودند

و خرالدین

بعود از معرفه باد
یکه صاحب طالع و مبارک قدم بودند

marfat.com
Marfat.com

فخر الدین که ملقب بخرشبون است بدانکه عبد الرشید نام
از قوم بنی اسرائیل است که نسب آبائی و اجدادی وی به بنیامین
بن حضرت یعقوب ع بن حضرت ابراهیم ع م اتصال می یابد فت
واقع باد و قیس نام در زمان سید الانبیاء صلی الله علیه وسلم بدین اسلام
مشرف شده بود و شرخبون را پنج پسران بودند شرین
و ترین و برایچ و میانی و اورمر و داور ازمر علیحده شده است آن دختر
انگلر بود بباعث دولت و استعداد در جهان فانی اشتهار تمام
داشته و شرین خواهرزاده کاکر است که در معامله دنیوی
از پدر خود آزرده شده بود از آن واسطه ترین را ولی عهد ساخته بجهت — در موضع دیگر رفته بودند
از آنجا بر چیده در قبائل کاکر رفته داخل بقوم نغر غشت گردیدند
و شرین که بشیرانی مشهور است یک پسر بود جاری نام و دو برادر
پسران بودند و یدانی و جلوانی و مرسال — و ویدانی را چهار
فرزندان بودند سیدانی و بابرانی و میانی و عمرانی و جلو نیز را
هفت پسران بودند یک نقی و شش اصلی اولاد [illegible] — بجز اولاد نقی او
را هنکی خیل میگویند — و [illegible] شش برادران را اسلام خیل
و مروت خیل و اسپندزی و مهمانزی و کوکلی خیل و
نسری خیل میخوانند و مرسال بی خلف است و عمرانی [illegible] را

marfat.com

Marfat.com

هفت پسران بودند و از آنها هفت فرقه شده اند به تفصیل
ذیل سلار خیل و مروتخیل و ملا خیل و نیب خیل و یعقوب خیل و
جهان خیل و منتخر خیل و ابو الفر خیل و ماهین خیل و جمیم خیل و بنگی
خیل و هنگی خیل و مهین خیل و اسر ابقلی را پنج فرزندان بودند
سربانی خیل و اسن خیل و دولت خیل و بوبا خیل و شامیر خیل و عمر
خیل و مربانی خیل و موسی خیل و هنارون خیل و بابر را دو پسران
بودند انجر و سنجر و انجر را سه پسران بودند آدم و غنم
و دارو و سنجر را پنج پسران بودند موریا خیل و غوریا خیل و ابراهیم
خیل و اسماعیل خیل و یعقوب خیل و ایوب خیل و ترین ابن شرخبون
را سه پسران بودند تور و اسپین و اودل و تور را
چهار پسران بودند ملوفی و کندری و سیکی و تایو و ملوفی را دو
پسران بودند شری و مرزی و کندری را سه پسران بودند اندی
و رادی و باجی و سیلیم را سه فرزندان بودند عمری و شیری و
میری و مایو را شش پسران بودند مندازی و مشکنزی و
بختازی و منازی و انزلزی و هارونزی و خیازی و نیازی
و هارون پسر ملوفی را هشت پسران بودند تورزی و یارزی و

و اسماعیل زی

marfat.com
Marfat.com

واسحاق زی و یادرزی و جندرزی و مندرزی و ابابکرزی و
آربلازی و سیدزی و سید جمال و سید کمال هر دو برادر خفیف در آن بودند
این هر دو را آربلا نام بطریقه فرزندی گرفته آنها را کلان نموده بودند
و دیگر شش نفر از نطفه خود وی بودند و ابابکر ابن هارون را
چهار پسران بودند احمد کل و محمد کل و هدیا خان و بدیا خان اولاد
سید جمال و سید کمال سیدزی میگویند و سیکی ابن نور
را دو پسران بودند بارک و علی محمد و میانی ابن شرخبون را
سیزده پسران بودند دوازده اصلی و یک نقلی که اورا سیدزاده بود
کلان نموده بودند آنچه فرزندان اصلی بودند اولاد ایشان اغوزی
و بورانی و ملکی و ذلتی و زیارتی و سلاجی و مرلاجی و جوبی و
اشکونی و راحونی و توغری و جعفر و زبری و سویدی و
جمیدی و غرسینی و حسینی و جرجی و جرجی این ها اولاد
سیدزاده کان اند و اشکون را دو پسران بودند زبری و
و جبری و توغر را شش پسران بودند سواری و مرادی
و کیلی و مرغی و ازاری و براع ابن شرخبون را
دو پسران بودند و درع و حسین و دایع را شش

marfat.com
Marfat.com

پسران بودند شیخ ثابت که اولادش را شیخزی و ملیزی و بیدازی و
چوپانزی و سنگرزی و بسوکزی و حسین بن براخ را پنج پسران بودند
بارکزی و لبانزی و اموزی و مندوزی و داقوزی و امرو بن
شرخیون را سه پسران بودند مندی و جمندی و کلی و کندیر را
دو پسران بودند غوری و شیخی و غوری را پنج پسران بودند دولت
دولت یار و جل خلیل و متو و میری و چوکی و دولت یار را سه
پسران بودند جمندی و داقوی و مبری و جمند را دوازده پسران
بودند یعقوبی و گلی و حسنی و ملی و عمری و مندی و ترکی و
جمازی و مرزی و بازی و اخوری و شیرکی این هشت نفر از بطن
بی بی وهیه خانم خواهر شیخ ملی قتال متولد شده بودند و از انجمله دو نفر
بی خلف بوده‌اند و شش نفر را اولاد ماند آن شش و چهار پسران از بطن دیگر
زوجه که خاتون نام داشت متولد شده بودند مبارکی و نوکی و موسی
و عیسی و مبری بن دولت یار را چهار پسران بودند میوزی
و اجرزی و دولت شاه و یوسفشاه و داودی بن دولت
یار را سه پسران بودند ماموزی و یوسفی و مندکی و ماموزی را
هشت پسران بودند علیزی و بازی و اسیزی و بزید خیر و یونس خیل و

و محمد خیل

marfat.com
Marfat.com

و محمد خیل و تاجو خیل و میر احمد خیل و یوسفی ابن داؤد را سه پسران
بودند حسین و نیک محمد و بابو و یوسفی را دو زنان بودند -
نیک محمد و بابو از بطن زوجه دویم متولد شده اند و حسین از بطن
زوجه اول متولد شده بود چنانچه بباعث مخاطبی در میان مخالفت
واقع شد از آن واسطه نیک محمد بطرف هند و بابو بجانب سند
جلا وطن اختیار نموده و از میراث آبای هر دو برادران محروم
اند تا الحال در ملک بیگانه ساکن اند و حسین بجای پدر خود
نشسته و غوری ابن خلیل را هفت پسران
بودند ساکزی و بارکزی و نالکزی و مستی زی و اتوزی و
واکوزی و ملانی و شیخی ابن کند را چهار پسران بودند کلانی
و گگیانی و عمری و یوسفی و کلانی را سه پسران بودند مروتی
و سوتی و فرستی و گگیانی را نیز سه فرزندان بودند سوتک
و موتک امیدک و عمر را دو پسران بودند مندی و دختری
عمو یوسفی را در حباله نکاح در آورده بود از آن واسطه اولاد او را
یوسفی گویند و مندی بدانکه یوسف زی دو فرقه اند یکی مندزی
و دیگر مندی اند و یوسفی را چهار پسران بودند الیاس عباس

marfat.com
Marfat.com

دملی و عیسی و مندیرا چهار پسران بودند خذر و ارزر و مامو و اتو
بدانکه خذر بباعث ریاضت و عبادت بمرتبه ولایت رسیده
بود و بسیار مریدان وی بودند و متو ابن مندنر است پسران
بودند جلالی و کمالی و اتمانی و خذر را چهار پسران بودند سیدی
و پیدی و کاکی و اکبری و سیدیرا شش پسران بودند و برادا
و خضری و محمدی و عمری و میری و برادیرا یک پسر بود کجی ا
خان بباعث دولت و بازو در جهان فانی اشتهار در شر
در عهد [illegible] سلطان شیرشاه بود که در آنوقت جمیع یوسفزی‌ها
و غیره اقوام فرمان بردار خان مذکور بودند و همراه خواجه خضر علیه
السلام ملاقی شده بودند و ببرکت دعای آنحضرت نامی و گرامی
گردیده و همراه شیرشاه بادشاه مخالفت بسیار داشتند و حمند
ابن ارمر ابن خر شیون را شش پسران بودند خوشیلی
و نیکی و کیانی و توخی و امدی و تیری و خوشکی را
پسران بودند سوربانی و ازمری و جلاقی و سوربانی را شش
پسران بودند اتوزی و حسینی و اجودی و پیری و بیدینی و ابراهیم

والو ابن سور

marfat.com
Marfat.com

واتو ابن سوربانزی را یک پسر بود مجوته اولادش را مجوزی می خوانند
گویند و کیانی ابن صمدی را سه پسران بودند عیسی و عمری
و اکبری و عیسی را سه پسران بودند الازی و ملازی و کلازی
و توخی ابن صمند را شش پسران بودند تپی زی و امجدزی
و منصورزی و شکورزی و جمیل زی و کمیل زی و کالسی
ابن خرشیون را یازده نفر پسران بودند محمدزی و ابوزی
و میرانزی و شنواری و کبترازی و سلمانزی و نومارزی و [illegible]
زی و سیدزی و لتزی این همه نفر اصلی اند و همه را بطریقه
فرزندی پرورش داده بودند [redacted]
[redacted] بباعث طاعات و عبادت و ریاضت بمرتبه
ولایت رسیده بودند از آنو رسطه او را شیخ بیطن می
خواندند شیخ بیطن را سه پسر و یک دختر بی بی مستو نام بودند
اسمعیل و اوشیون و گجین و اسمعیل نیز بباعث ریاضت
و عبادت بمرتبه ولایت رسیده بودند که مزار [illegible] در
بر سر کوهی سلیمان واقع است و اولاد گجین را متهی خیل می
گویند و اوشیون را شش پسران بودند ابراهیم و

وکریم وشارون واغروان وشیخی وقزلبوقی وابراسیم
راست پسران بودند جحلی وکحلی وروتانی وجحلی راست
پسران بودند نفرد وتورو ومیرو وکحلی راست پسران
بودند نطر وکبیر وکبیر وروتانیر است پسران بودند بالمیرو
وکبیر ونطر وبهمن ابن بهمن راست شش پسران بودند
یوسف ولشکری واکبری وابوالفتح وننکرکری وباغی
ومرجانی ابن اشیولان راست پسران بودند چاکی وبهلی
ومرغانی وچاکیا راست شش پسران بودند نیازی وبیازی
وشانی وخاکی ومیدانی وبمدانی وامری ابن مزبانی را
هفت پسران بودند ملک شاه وجوجن شاه واکبر و
لشکری وارمزی ودیوانزی واغروان ابن شیوان را
شش پسران بودند مستی وباسینی ودارکی وبوا
کی وغورینی واورکزی وکجین ابن شیخ بیطن را چهار
پسران بودند گیسوزی ومسوزی وگلنی بعد از فوزی سه
نفر را بطریقه فرزندی گرفته اوشان را کلان نموده ان هر سه

marfat.com
Marfat.com

در اولاد وی خلل شمرند بدونکه همه اولاد دختر شیخ

بیطن اند که متبنی خود کرده اند اختلاف بسیار است باعث آن

اینست یکی آدم که از نسل سلاطین غوری محمد حسین نام

بسبب انقلاب حوادث روزگار از ملک خود بوحیده

در خدمت شیخ بیطن رسیده طمع از محل اقامت انداخته

در خانه وی ساکن گردید و باقتضای البشریت همراه دختر شیخ

مستوخانم دوستی نموده تا بحدی کار او شان رسیده

که باهم بلا رعایت طریقه شرعیه مواصلت نمودند چون که

صورت حملش ظاهر شد اشتهار یافته چون که تفحص

کوائف وی نمودند نطفه شاهزاده ثابت گردید بعد از آن

آن شیخ بامر لاچاری نکاح آن دختر همراه شاهزاده بسته بودند

وان حمل قبل از نکاح بود چون بچه متولد شد را غلزی نام

نهادند و آنچه بعد از ایجاب قبول فرزند پیدا شد نام او

ابراهیم ماند و اولاد وی مشهور بلودی اند مردی

که نقش و نسبش بشاه محمد حسین نام وی کاکر

و بور سطح باظهار نسب عقد نکاح دختر خود که متی نام بود کرده بودند

و بنام مادر خود ملقب شده بودند

بگرفتار

چون که نسبت خود معلوم شان بود از آن مشار الیه دختر کاغزا در حباله [شکل انداز را]

نکاح خود مهمانان را در آورده‌اند و بعد از مدتی چند [دوم ماه] از بطن متی فرزنده

[در دور فانی جهان پا گرد به] برای نسل بوجود آمد و نامش سروانی نهادند و ابراهیم السبب کلانی که [سرو قد آهو چشم]

بزبان افغانی لوی را میگویند و بعد از گذشتن مدتی مدید لودی پیدا [تولد]

شد و [محمد] شاه حسین افغان بودند ازان بواسطه به لقب مادر خود یاد [معشوقه]

[باوجیل نمایند] میشوند و در اغلزی پسر متی از اینکه [چور وشنی بودند] فرزندان بودند ابراهیم

و محمد عظیم و حلیم و ابراهیم را سه پسران بودند نوزر و موزر و شیرباز

و محمد عظیم را چهار پسران [بودند] حبیب خان و لطیف خان و شریف خان و رحمت خان

و حبیب خان را یازده پسران بودند سلیمان خیل و علی خیل و عمر خیل و

واله‌داد خیل و کاکر خیل و قمر خیل و حسن خیل و وزیر خیل و ماخیل و جانی

خیل و نیازی خیل و لطیف خان را سه پسران بودند بوجه خیل و …

خیل و جمال خیل و موسی را چهار پسران بودند نیازی و میرافزر … سیانی

[لطف … نموده بودند] این هر سه اصلی نهاد و دورانی را بطریقه فرزندی گرفته پرورش …

گرفتی بودند و نیازی را چهار پسران بودند بابی و کاکی و عظیمی و نصری

و میرافزر را سه پسران بودند ایم و بریم و حلیم و دورانی را

دو پسران بودند نظری و بشیر و بابی بن نیازی را هشت

پسران بودند پیدی و سنبلی و فان خیل و دولت خیل و موسی

خیل و عیسی خیل

Marfat.com

موضع ... خضر ...
بهادر لنگر کوهاٹ

خیل و عیسی خیل و علی خیل و کلا خیل و جلی خیل و بیلا خیل و
و جلال خیل و کمال خیل این همه اولاد نیازی اند و جام ابن نیازی را
شش پسران بودند عمل و کریمی و عیسی و بریمی و موسی
و یحیی و عظیم را یک پسر بود شیری و کریمی را دو پسران بودند رحمة خان
و برکة خان و عیسی خان را سه پسران بودند منذری و تندری و جندی را
و بریمی را دو پسران بودند ملک زنگ و شبرنگ و موسی خان را سه
پسران بودند جام و سام و ادام و جام را سه پسران بودند
نیکو و لاکو و خاکو و سامرا نیز سه پسران بودند شیر زمان و
سلیمان و رحمن و ادم را چهار پسران بودند لالی و حمالی و
میدی و شیری و سیالی بن بود و برا سه پسران بودند
اسماعیل و کرم و کلی و اسماعیل را چهار پسران بودند سلطان
و سبحان و عمران و حیران و کرم را سه پسران بودند
نخی و مزری و چندی و کلی را چهار پسران بودند
یونس و موسی و سیالی و لالی و یونس را سه پسر
و یک دختر شرکی نام محمود و داود و یاسین و محمود را
چهار پسران بودند دولت خیل و شادی خیل و برهان خیل و میرا خیل

Marfat.com

و داؤد را چهار پسران بودند کوکی و بهرامی و موتی و نوری
و مونس را سه پسران بودند کریم و عظیم و علیم و سبالی را
دو پسران بودند شد احمد و شیر محمد و لالی را سه پسران بودند حمید و محمد
و الهی و دولت بن محمود را دو پسران بودند اوتمان و عثمان ـ
و اوتمان را دو زوجه بودند از بطن زوجه کلان یک پسر متولد شده بود
محمد نام و از بطن زوجه دیگر دو پسران متولد شده‌اند غلام محمد و غلام علی
و محمد ابن اتمان را سه پسران بودند بهاء الدین و صدر الدین
و رکن الدین و عثمان بن محمود را چهار پسران بودند شیری و میری و
نظری و اکبری و بهاء الدین ابن محمد را دو پسران بودند ـ
ابراهیم و عظیم و ابراهیم را یک پسر بود کریم و عظیم را
یک پسر بود حلیم و صدر الدین را دو پسران بودند شرف الدین
و شمس الدین و رکن الدین را یک پسر بود کریم الدین و کریم
را چهار پسران بودند فرید الدین و نصیر الدین و نظام الدین و
و عظیم الدین فرید الدین ابن حسن که میرزا ... برتبه سلطنت رسیده
بودند که ملقب بشیرشاه گردیده بودند و شیرشاه را یازده پسران بودند
مد آندیار و کلرزار و علیار و دلدار و اکرم و عظیم و شلور و غفور ـ

و محمود

و مجبور و مشکور و ججور و لوجانی ابن اسماعیل را دو زوجه
توربی و مصری نام بودند و توربرا شش پسران بودند ها
نی و میانی و تتوری و ملوری و ترینی و هودی و هانی ابن
توری را سه پسران بودند بسی خیل و خدرخیل و یعقوب خیل
خیل و میانی ابن توربرا سه پسران بودند اسوتخیل و موسی خیل
خیل و مرو تخیل و تتوبرا یک پسر بود آسیای و ملوربرا سه پسران
بودند ایازی و بیازی و شیرکی و ترینربرا یک پسر بود عمرزی و
و هودیرا دو پسران بودند ضیاء الله و عطاء الله و بسی را سه
پسران بودند و دولت خیل و حسن خیل و بازی خیل و خدر را چهار پسر
بودند ذکو خیل و نورا خیل و ابراهیم خیل و کودی خیل اولاد تتوری تور خیل
و اولاد هودی شیخ خیل گفته می‌شوند و اولاد هایک بن اسماعیل
سهانی خیل گفته می‌شوند که زنش بسی نام بود که اولاد وی بنام مادر
مشهور اند و اینها را بسی خیل گویند و ارزنک ابن کلزنک را
را سه پسران بودند میانی و ملی و حضوری و ملی بن
سیانی را هفت پسران بودند عمری و ابری و مستی
و میرانی و فرزی و زبونی و چوپانی و کلزنک را هشت

marfat.com

Marfat.com

وکلزنک ابن سیانی را هشت پسران بودند از همه کلان تر
ابراهیم بود و دیگر ایلک پسر بود اسحاق و دیگر را سه پسران
بودند ملک شاهو و ملک باهو و ملک یوسف و عمری بانه
کلزنک را سه پسران بودند احمدی و کلزاری و نظری و نوزنک
نوزنک ابن کلزنک را چهار پسران بودند میری و عیسی و بیازی
و نیازی اولاد بسن ابن ملک شاهو را بسن خیل کویند
و ملک یوسف را دو زوجه بودند یکی از قبایل چام بسو نام و دیگر
دختر کاکر اسنو نام بود و از بطن بسو نیازی سه پسران بودند
خیر والله و میر والله و برکت الله بدانکه از اولاد بانی از قبایل نیازی
ششش متفرق شده اند هم در جور و ملک پنجاب سکونت
پذیر اند میباشند و اولاد انجان دشیخ محمد و عالم خان پسران ملک
باهو در روهر سکونت پذیر اند و ملک شاهو را سه پسران
بودند بسن و احمد و سلطان و احمد بن ملک شاهو را سه
پسران بودند ملک محمود و ملک بهرام و ملک موسی و اولاد
ملک محمود در قصبه بلوث سکونت پذیر اند محمود خیل میخوانند ورحنان
میشوند

بیان قوم نیازی

marfat.com
Marfat.com

میشوند و ملک بهرام را سه پسران بودند الافغان و کالی
خان و لالی خان و اولاد تاجی و جبری در عالم فانی از دیگران
کم اند و الافغان ابن ملک بهرام بی خلف (فوت) اند و کالی خان
را سه پسران بودند محمود و داؤد و بهلول چنانچه در مملکت هندستان
ملک هندستان بهلول بادشاهی نموده اند (بوده) و اولاد ملک
یوسف خان از نیازی بیازی میگویند و از بطن دختر کاکر سه پسران
متولد شده اند شنو الدین و تاج الدین و بهاء الدین و ملک
بهاء الدین را چهار پسران بودند میدین و قمر دین و علاء الدین
ین و شمس الدین و ملک میدین را سه پسران بودند
کلابدین و بدر دین و محی الدین و ملک شمس الدین را سه
سه پسران بودند محمد علی و ظفر الدین و فیروز شاه از اولاد
رستم خان فرزند مغلاقی از بطن دختر کنی دولت خیل
متولد شده اند بجانی گفته میشوند و اولاد شنو الدین خواجه
خضری اند که شنو خیل گفته میشوند و اولاد تاج الدین را
تاجو خیل میگویند و اولاد ملک بهاء الدین را بابی خیل میگویند

marfat.com
Marfat.com

واولاد غوری را غوری خیل اند می گویند و اولاد میدین را مید
ین خیل می خوانند و اولاد علاء الدین را علاء الدین خیل گویند
و اولاد سمو الدین را سمودین خیل خوانند و اولاد میر عیسی
را میرعلی خیل میگویند و اولاد رستم خان را رستم خیل خوانند
و اولاد ذکر الدین را ذکر دین خیل میگویند و اولاد فیروز شاه را
شاهی خیل گویند و فیروز شاه راسه پسران بودند محمد خان
و تتار خان و غفار خان و سرکی ابن عمری ابن کلرنگی را دو
پسران بودند توری و هزری و توری را دو پسران بودند
بوجی زی و محمود زی و هزری را چهار پسران بودند حسن
زی و اسحاق زی و ابوسعید خیل و صدو زی و بوجی ابن
توری را سه پسران بودند احمد خیل و منداخیل و لاد اخیل
و حسن خان راسه پسران بودند یوسف خیل و دریا خیل
و عمر خیل و اسحاق را یک پسر بود شیخ که اولادش به
شیخزی مشهور اند و ابوسعید را دو پسران بودند +
وادین زی و چکن زی و صدو خان را یک پسر بود موسی خان

marfat.com
Marfat.com

که اولادش بموسی زی مشهور اند و محمود ابن قوریر است
پسران بودند ذکریا و الفی و امیری و اولاد روشان را ذکرزی
و الف زی و امیرزی میگویند و سروانی ابن مستی داشته
پسران بودند سوکی و سربانی و ملی دو برادران از بطن یک زن
متولد شده اند و ملی از بطن دیگر زن پیدا شده اند و سوکی را
شش پسران بودند شش نفر از نطفه خود اصلی و شش نفر
نقلی بودند ابوالفراح و ابوبک و امدپک اصلی اند و حسن
خیل و بدیا خیل و مندرخیل نقلی اند و ابوالفراح را شش پسران
بودند یونس و شهباز و میرنواز و اولاد ابوبک کمتر اند
و یونس را دو پسران بودند اسمایل و خلیل و جلیل و اسما
میدر را چهار پسران بودند نوری و مزری و شمشیری و ابری
و سام ابن اسمایل را شش پسران بودند میدین شیدین و
هوتی و میدین را چهار پسران بودند الکی و ملکی و جلکی و مشکی
و یونس بن ابوالفراح را ستکه رزاد و کلواد و شمشاد و
و شهباز بن ابوالفراح را دو پسران بودند نظر و خضر و

marfat.com
Marfat.com

ونظر را سه پسران بودند موزز و ترا باز و کلباز و خضر را ۶
پسران بودند چهار اصلی و دو نقلی سوقار و سنجر و ایازی و بیازی
اصلی اند و رستم و عظیم بیش هر دو نقلی اند و سربالی بیا سروانی
را سه پسران بودند جعفر و اکبر و اصغر و جعفر را سه
پسران بودند ترا باز و شهباز و ایاز و اکبری را سه پسران
بودند سرمست و محبوب و ایوب و اصغری را چهار پسران
بودند صالح و مدی و قلندر و جلندر و ترا باز را دو پسران بودند
عظیم و نسیم و شهباز را سه پسران بودند ابراهیم و عبدالکریم و
و عبدالرحیم و ایاز را دو پسران بودند الله داد و کریمداد و سرمست
را سه پسران بودند هارون و مامون و اشکون و هارون را
سه پسران بودند الو و ملو و سلو و الو را سه پسران
بودند رحمن و سلیمان و سبحان و رحمن را دو پسران بودند
حمند و ممند و سلیمان را سه پسران و یک دختر بی بی دوو [illegible] بود
شیخ محمود و شیخ علی قتال و شیخ حسن و شیخ
محمود را دو پسران بودند شیخ داود و شیخ احمد و شیخ
علی قتال را سه پسران بودند شیخ شهباز و شیخ شیرباز
شیخ [illegible]

marfat.com
Marfat.com

بیان اولاد غرغشت

و میر نوروز و شیخ شهباز را یک پسر بود شیخ ترابازکه
او را زنده پیر میگفتند و شیخ تراباز را چهار پسران بودند
صدر و اسکندر و خواجه علی و شیر محمد بیان اولاد غرغشت
غرغشت افغان را سه پسران بودند دانی و بابی و مندو
و دانی را چهار پسران بودند کاکر و ناغر و داوی و پنی بدالله
کاکر را بیست و چهار پسران بودند ازانجمله هژده نفر اصلی و شش
نفر نقلی بودند اما بوقت تقسیم میراث ایشان همه را برابر حصه داده
بودند و فرزندان صلبی داوی‌ها و تفرق هر نغوری و بر میزی و بندا
زی و انوزی و فرملی خیل و نخزلی خیل و ترغزی‌ها و موسی زی و منتزر
و یونسی خیل و سام خیل و عربی خیل و جلال خیل و ملا خیل و ارالی خیل
و انجد خیل و فرزندان نقلی حسنی و میری و تاسیان و مبین
و صفری و کبری و دادویرا سه پسران بودند محمد و یحیی و داودل
و تفرق ابن کاکر را چهار پسران بودند یونس خیل و سالار خیل
و سودن خیل و برمین خیل و سنجر را دوازده پسران بودند
علی خیل و اتمان خیل و عربی خیل و برت خیل و لودی خیل و پیرم زی و
بیم زی‌ها و میرزی‌ها و ماموزی و داودل و جدران‌ها و هرناشا -

marfat.com
Marfat.com

بیان جدران

وجدران را یک پسر بود الیاس و وی را چهار پسران بودند آدم
خیل و مستان خیل و عمر خیل و حسن خیل و ابابکر را سه پسران
بودند الیسوعی و موسی و عیسی و کودی بن سراخ را چهار پسران
بودند امین و یاسین و مبین و شمعون بی خلف است
و سراون بن کاکر را چهار پسران بودند شادیزی و اکوزی و
فاطمزی و اتوزی و زنغوزی بن کاکر را هشت پسران بودند
شادی خیل و پاچو خیل و ایوب خیل و ماخیل و تاجوزی و مند
زی و حمزی و سنکری و تارن بن کاکر که در اصل نامش
سید طاهردین بود و نامبرده در اصل سیدزاده بود تارن را یک
پسر بود اینزرکل و وی را نیز یک پسر بود خواجه ارای و وی را پنج
پسران بودند. تکاتون و اودین و اسماعیل و توری و ابراهیم
و ناغر بن ویدالی بن غرغشت را سه پسران بودند جونس
و مونس و دونس و جونس را شش پسران بودند علی
و خواجی و مرزی و جوندی و اسکی و مردکی و موسی را چهار پسران
بودند بریکی و ترکی و زرکی و سرکی و دونس را دو پسران بودند
بندکی و بندکی و داوی بن ویدالی را سه پسران بودند دده و بهه
و خوندی

marfat.com
Marfat.com

وخوندی دنام خوندی دراصل سید حسن بود و وی را چهار پسران
بودند موسی و الیاس و سکندر و قلندر بدانکه مادر سید حسن را
داودی پسر در حباله نکاح خود آورده بود و ازین سبب ملقب بخوندی
کردند و بنی بن داود را هژده پسران بودند موسی و یحیی و
سوتی و مرغزی و مرزی و زرونی و باسینی و جگندی
و بیوفی و مستانی و خوشانی و ملائی و علی خیل و مند خیل و
وقاسم و موسم و رستم و عاظم و شیونی بن بنی را
سه پسران بودند احمد خیل و عثمان خیل و شادی خیل و بیلل
بن بنی را شش پسران بودند مردو خیل و عمر خیل و قمر خیل
و موزی و ملی زی و ابابکر زی و بابی را چهار پسران بودند
جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل

بیان اولاد کرلان

بیان اولاد کرلان

ارباب مورخان در کتب تواریخ مسطور نموده اند که بعد از مدتی
مدید قوم ارمر در میان لشکرگاه کرلانرا خورد سالی یافته بودند در عهد بعید
اورا در عوض کرلانی نام برادر خویش که همراه خود داده آورده
پرورش او میکردند چون که بعالم بلوغت رسید نور قبایل
خود شادی الاو نموده ندند بفضل کریم کارساز اولادش زیاده شدند

marfat.com
Marfat.com

چند مواضعات

ذیل

چنانچه از نسل وزی ها فرق شده اند به تفصیل ذیل قوم خطک
لاکهه قوم وزیر لاکهه قوم اتمان خیل نود هزار قوم عثمان خیل نود
هزار قوم سلیمان خیل یکونیم لاکهه قوم شینک خیل بیست و پنجهزار
و قوم داوزی سی هزار و قوم مهمند چهل هزار و قوم خلیل پنجاه هزار
و قوم اودم شصت هزار این همه اقوامها در میان خویش خود معزز
اند و زلان را سه پسران بودند لودی خیل و کگی خیل و بودی
خیل و بودیرا هفت پسران بودند موسی زی و ابن زی و یمین
زی و مسکل خیل و اکی خیل و دلازاک و بوانی و بودیرا چهار پسران
بودند منا خیل و عمر خیل و پنجیزی و تلکزی و دلازاک راسه پسران
بودند یعقوبی و محبوبی و الیوبی و بودی بن بودیرا هفت
پسران بودند مندزی و مروتزی و مستی زی و خلوزی و ارکزی
و یاسین خیل و مبین خیل و ارک را شش پسران بودند
دولت زی و شکرزی و علی زی و مستوزی و انوزی و اسماعیل
زی و اولوس خویانی که در راه کابل سکونت پذیراند
اند اینها میباشند شیرزاد و الهداد و کرمداد و بارک لیسن
و مبین و ابراهیم و موسی و لودی و علی و عمری و الیاودی
و بارک را

بجای اورکزی

وبارک راشش پسران بودند زمان وسلطان وآمان ولدانکه
اولاد شیرزاد بسیار اند چنانچه خفرخیل وقمرخیل وعمرخیل واز او
لاد زمان نیز بسیار تر اند قمری خیل ومصری خیل و خضرخیل
وخضرخان را شش پسران بودند ابری وعمر وترکی
ومرغی وکاکی وجبری مرد بدانکه خورجکی بن عمری سردار قوم
افغان طائفه خربونی بود دولت مند وصاحب استعداد
ودرمیان عزیزان نامی ونامی بودند وزبری ومنوکی وسرکی
امیری واحدی این همه اولاد او اند وترکی وجرجی وکاکی و
وکلاخیل وحسن خیل وملاخیل داخل قوم مرقومه بالا اند وفی الحال
بنام ملکی نامزد ودو تحواجه وابری وابراهیم وعظیم و
کلی وملی ویوسف بدانکه دو تحواجه درطائفه وزیر کلان وناموری
بودند [redacted] بن سلیمان بن خانی زمان بن سلطان
بن سبحان بن بابی خان بن کلابی خان بن عثمان بن ابراهیم بن عظیم
بن برهان برادر نعمان بود که بخطاب اشتهار دارد وافریدی را
سه پسران بودند بابی ومکلی وجبلی وبابی راسه زمان
بودند توری وفاطمی وزنبیتی اولاد توری کمتر اند واولاد حماة
فاطمی قوم آدم خیل اند وفاطمه را سه پسران بودند ملی میری

وازان خاندان

بیان افریدی

marfat.com
Marfat.com

واولی و کاکی و اولاد امیری اندک است و اولاد اولی

بسیار است و اولاد کاکی از برادر خود اولی کمتر است

و از اولاد امیری زیاده تر است و سرداری میان قوم افریدیان

اولی خیل دارند (داشتند) و اولی نام را دو زنان بودند میمونه و زخه

چنانچه فیروز و ابابکر و لندی و هرفری با محمد بکر (برادران) اتفاق داشتند

سه پا شده اند و اولاد فیروز از هر سه برادران زیاده (آن ها)

تر شده است (پرورد) چنانچه در میان قوم افریدی ملکی و کدخدائی با فیروز

خیل میگیرند (میشوند) و فیروز را چهار پسران بودند میر احمد و کوکی و قمری

و ایملی و اولاد میر احمد از هر سه برادران زیاده شده است

اما اولاد هر سه برادران را فیروز خیل میگویند [redacted]

[redacted] طوائف شده اند ملک دین خیل و قمر خیل

و آدم خیل و غیره و محمودی و عمری و خوبی در ملک دین خیل داخل

اند اما اولاد ملک قنبر از همه زیاده است و آدم خیل دو طائفه

اند خوری خیل و عائشه خیل و از خوری سه طائفه

شده اند کلی خیل و عیسی خیل و مدین خیل و فخر الدین و عظیم الدین

و نظر الدین

marfat.com

Marfat.com

ونظر الدین داخل محمدی خیل اند واکاخیل چهار توائف
اند کمال ومدی وسلطانی وعیسی اما بهر برشته براداران
کمال نام زبردست اند وکرزی که معروف برحیداد
ست ومیری وتری وسنجل این هرچهار اولاد کمال خان
اند واولاد زن زوجه اولش بود نه از زن خیل میگویند وآنها
نیز سه طائفه اند بودالدین ونصیر الدین ودریا شاه
وبرپل شاه اولاد بودی زیاده گشته اندا واولاد جلی بن
افریدی که پسر دویم او بود میان قوم بنگش در قریه
بلند خیل سکونت پذیر اند ومادر ادم خان که اولادش را
آدم خیل میگویند سباک نام بود که حامله وشکم دور برای آدم خان
خان در خانه ملک عثمان که با فریدی اشتهار دررد آمده بودند
وبعد از وضع حمل وبعد از وفات پدر ملک ومال بطریقه
میروث باهمدیگر قسمت نموده بودند وحصه بوی نمی دادند
آخر الامر مادر ملک عثمان مزاحمت نموده کم وبیش حصه
میروث پدر بوی داده داخل اولاد افریدی گردانیدند وفیروز
خیل دو طائفه اند میر احمد وتوبی ومستی وابدال وسلغدر

بنام مادر خود اشتهار دا

marfat.com
Marfat.com

و ایملی و قمری گا و اولی این هشت نفر اولاد میمونه نام بوده اند
واکاخیل اولاد مسماة زینتی نام اند بدانکه میمونه و زینتی
وزخه این هر سه زنان را میر اولی در حباله نکاح خود در آورده
بودند و آنچه اولاد بختیار نام و شیرانی و دبنی و ورودک
از ارباب مورخان منقول است که میر اسحاق جوان — از
قصبه اوش ... ن تواریخ بغداد شریف بباعث رنجیده گی عزیزان
برآمده در ملک شیراز وارد گردید و مدتی در آنجا باشید بعد ازان
سنجر نام دختر خود را بمیر اسحاق شادی کرده بوی داده
بودند از نطفه وی میر ابو سعید متولد شد و بعد از مدت شش ماه
بقضای الهی اسحاق نام رحلت نمود و زنش جوان بیوه
گردید و فرزندش هنوز شیرخوار بود بامر لاچاری همراه میانی
شیرانی نکاح کرد و وی تنگدست و غریب مسکین بود که در
عرصه اندک صاحب دولت و عزت در گردید لازا او وسطه
نام ابو سعید به بختیار مبدل ساخت که این بچه صاحب
طالع و نیک بخت هست و از نطفه میانی یک پسر تولد شد
بود محمود نام

از مملکت خود برآمده در ممالک شیراز وارد شده

قوم

marfat.com
Marfat.com

بود محمد نام و بختیار نام را ششم پسران بودند اتو و اکو
و ابوی و دری و پیری و توری پدالله اول نام اتو عطار احمد بود
باصطلاح عوام الناس به اتو مشهور گردیده — از عطار احمد —
سید محمد و از وی خواجه الیاس و از وی خواجه عباس و از وی
خواجه یحیی پیر قدس الله سره العزیز متولد شده که اولادش را
شیخ زی میگویند آورده اند که در حین حیات شیرانی یک
درویش صاحب ولایت سیدزاده محمد گیسو دراز در ملک افغان
ستان وارد گردید بباعث اراده در میان قوم کرلانی و کاکر
و استرانی و حرلها ساکن شده بود و باصطلاح فریقین پرسته
ملک دختران خود را همراه آنصاحب و الاشان شادی نموده
بودند یعنی از هر یک قوم یک یک دختر گرفته بودند
و از بطن هر یک زوجه آنحضرت متولد گردید چهار فرزندان آنصاحب
پیدا شده چنانچه از بطن دختر کاکر مشوانی و از بطن
دختر شیرانی استرانی و از بطن دختر کرلان دو فرزند
سید وهنی و وردک تولد شده بودند و استرانی را ششم پسر
بودند شیخی و تری و مریدی و امیری و اکبری و خلیل
و مشوانی را سه پسران بودند فضیل الدین و بدر الدین

marfat.com
Marfat.com

ونیکانی وسلیمانی وروحانی وارلونی وغزبی وایازی وبیازی
وفضیل الدین را چهار پسران بودند یوسف وداودی وموسی
وسنجر ورورک ابن سعد محمد را هفت پسران بودند
ملی ونوری ها وپیری ها ومزری وتوری ها ونظری ها وامیری ها
ودهنی ابن سعد محمد را شش پسران بودند دولتی وغزبی ها
وارلدی ها ومجلی ومشتی وبهشتی اینها از نسل سید متولد شده اند
بدالله بختیار ورا شیرازی ها این هردو [illegible] در قوم کاکر داخل اند ودهنی ها
ورورک اینها هردو نفر در قوم کرلانی داخل اند وخوندی در قوم
داودی ومروتی ها وخوندی ها این هردو در قوم داودی ها وسیدزی
در قوم ترین وخرسین در قوم میانی وکودی ها در قوم بیطن داخل
اند واوشان گاهی ها خود را در قوم سادات نمی شمارند که بزرگان
اوشان وصیت نموده اند که بجهه این شرط اهل اسلام نسبت های این
طایفه از مروت بس بعید است که امتی شده خواه مخواه خود را
در قوم سادات داخل نمودن کار مومنان نمی باشد جز وهر کس
خود را بسادات ها شهرت بنا کرد آنکس از اولاد بابایان نخواهد
بجهه
بود نطفه حرام خواهد بود که برخلاف دعویدار گردد وفرملی خطانی

اینها هردو

این بردو بقول ارباب مورخان در اصل افغانان نبودند بلکه
از قوم هندکی بودند برادله قرمل نام رودیست که بحدود کابل و غزنی
واقع ست چون که خطائی میگویند که اجدای بابان از ملک خطا
و ختن توجیده در افغانستان آمده بباعث آبدانه معطل گردیدند بلکه
متوطنان آن سرحد ایشان را افغان بسبب ناواقفی میگفتند
بر او دهقان ملامت نیست بقول مورخان قوم خطائی از اولاد غلزی اند
که خود را داخل اور اولاد غرغشت ازسبب تولد و حیا داخل نامیدند میکنند قرملی و خطائی بردو
در سلسله عبدالرشید مندرج نیستند و از او برادر هونی
که عموی کرلان خسروی برادرزاده رسیده بودند و کرلان را سه پسران بودند
تودی و ککی و موجی و تودی را سه پسران بودند برهان
و یعقوب و سلمان قوم ولازاک در اصل در اولاد برهان اند
و ورتری بودند ولازائی دو طائفه اند توری و یعقوبی چنانچه اولاد
یعقوبی زیاده از توری بودند ست و الوس توری از سه طائفه نموده اند
اند و سنجر نیز در توری داخل ست و یعقوبی را سه پسران
بودند ذکری و حیدری و لالا این هر سه بسا واقع اشتهار
دارند و ذکری را چهار پسران بودند یاسین و امین و موسی و

marfat.com

Marfat.com

یمانی اولاد بریک جدا جدا خیل گفته می شوند یاسین خیل و آمین
خیل و موتیزی و یمانزی اند و گکی ابن کرلان را شش پسران
بودند تقمان و اتمان و عثمان و جدران و برهان و سلمان و
تقمان و سلمان از بطن یک مادر و عثمان و اتمان از بطن دیگر
مادر و جدران و برهان از بطن سوم زوجه متولد شده بودند اولاد
عثمان و سلمان افریدی اند و اولاد تقمان قوم خطک اند و اولاد
جدران بنام جد خود مشهور اند و اولاد برهان نیز بنام جد یاد می شوند

حالات شیخ بیزن درویش محمد ملقب به جیجو بود بن تمن
بن حسن بن شیخ علی بن عطاء الله بن بطی بن اتو بن برکو بطاه
بن توری بن توربان بن تقمان بن گکی بن کرلان بن هونی بن
شرخبون بن سراین بن عبد الرشید بن برخیا بن ملک
طالوت بدانکه اصف وزیر بن ارمیا بن ملک طالوت
را سه پسران بودند پتهان و المان و اوران چنانچه اولاد
پتهان افغانان اند و اولاد المان ترک ساکنان بلخ اند و اولاد
اوران قوم هندکی که اوانر گفته می شوند این بار سه قوم عجمی اند بدانکه
شرخبون نام افغان قندهار را سه پسران بودند مندوزی و کندوزی

و جمندوزی

وجندوزی و سندوزی را سه پسران بودند اغزی و خشتی
و دوزیشی و اغزی را چهار پسران بودند دولتی و ممندی و خلیلی
و داوُدی و چکنی و دولتی و داوُدی از بطن یک مادر اند و ممندی
و خلیلی از بطن دیگر مادر اند و چکنی از بطن سوم مادر متولد شده اند گویند
که روزی هر پنج برادران سیل بغرض چه میله برآمده در میان صحرا
گوسفند ذبح نموده گوشت وی پخته تیار کردند بوقت خوردن
چکنی حاضر نبود آن هر چهار تناول نمودند و برای وی غلطی حصه او را نماندند +
چون که وی آمد هیچ شی آن از گوسفند باقی ندید محروم مانده از هر
چهار برادران آزرده خاطر گردید از انور سطر چکنی جدا سکونت
پذیر گردید هنوز از آن ایام تا الحال آن هر پنج برادران جدا جدا سکونت
پذیر اند و زیرانی برادر ششم ایشان نیز از برادران خود جدا شده
در دیار ننگرهار همراه قوم تاجکزی ساکن اند که اولادش بتاجکزی
اشتهار دارند در اصل تاجکزی نیستند و خشتی را سه
پسران بودند مندی و ملی و ترکی و زوجه خشتی مرجانه نام داشت
از بطن مرجانه مندی و ملی متولد شده اند و بسو نام خواهر مرجانه بودند
از ابتدا در قوم افغان دیانت و دوری نیست و مردم آزاری
و حرام خوری پیشه ایشان بود است پابند شرعیه نمیباشند با مری

در خانه همشیره آمده بود و باش میکرد همراه وی آشنائی کرده
روزی دیگر خیشتی نام همراه بسوالیم نام بستری نموده بود چون که وی
حامله شد بعد آن اورا نیز در سلک زوجات خود در آوردند چنانچه
از بطن بسو قوم ترکلان پیدا شده اند و اولاد زنی پسنکا اند
وملی را یک دختر زیرکی نام بود که کاکی نام اشپان کو بود داده
اورا زیرکی داده بودند قوم گکیانی از نسل زیرکی میباشند
وممندی را سه پسران بودند عمری و یوسفی و امیری و
عمری نام دیندار و پرهیزکار و زاهد بود بوربسطه نیک افعالی اورا دختر
سید داده بودند که از بطن وی مندان نام متولد شده اند – و
یوسفی را شش پسران بودند از انجمله اوریا نام است – که
بسبب تکبر اورا بادی گویند بباعث نفرین نارزکی مادر و پدر در
نسل وی از سیزده نفر زیاده نمی شوند از آن ایام تا هنوز همان
اعداد اند که در میان قوم جغرزی سکونت دارند که هو سوم
بادی خیل اند و دوم عیسے و سوم موسی پدر الیاس و چهارم
ملی و پنجم اکو و ششم ازعی والیاس را چهار پسران بودند نسوی
و تاجی و امیری و شیری و بدری و کدای و سالاری و حمی – و

عالی

marfat.com
Marfat.com

عالی شوهر عائشه بودند از نسل آدمی قوم که عائشه زنی اند نقشم جرن تز بودند و او را
شش پسران بودند و چهار نفر از بطن گوهر نام خواجه بایزید و شاکی
و حلیم و اتمان از یک مادر اند و دولا و عتولی از بطن دیگر مادر بودند و
دولا را چهار پسران بودند ولی و علی دو نفر از بطن حلیمه نام متولد اند شده بودند و
دولتی و جعفری این دو نفر از بطن نوزه نام متولد اند و مولا را سه
پسران بودند عیسی و ایازی و اسوزی و عیسی را یازده پسران
بودند اما هشت نفر ازانجمله بقضای الهی کشته شده بودند و دو
نفر حسن و یعقوب زنده ماندند بودند و اکی نام بعد از وفات پدر که
عیسی نام بود متولد شده بودند و معذن بن عمری را چهار پسران
بودند ماهون و جلندر و خزوالله و میزوالله بدالله ملک
طالوت را دو پسران بودند ارمیا و برخیا و ارمیا را یک پسر بود
اکا نام و برخیا را نیز یک پسر بود اصف وزیر بدالله ارمیا وزیر بودند
و برخیا سپاه سالار بود و نام بردو برادران افغان بودند و بقول
دولازاک که در میان قوم خود کلان تری از داشت و تمام اولس
فرمان بردار و مطیع او بود میگفتند که ارلان سید حسینی بودند
[redacted] چنانچه تحریر نموده اند ارلان بن سید قاقف
بن سید الطاف بن سید جلال بن سید کمال بن سید عظم بن سید

Marfat.com

شجرہ
اکاڑ خیل
میر احمد شاہ فقیر
واعظ عفی عنہ

قاسم بن سید اسماعیل بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام
زین العابدین بن امام حسین بن امیر المومنین حضرت مرتضیٰ
علی بن ابی طالب [redacted] مبارز خان بن شرافت خان
بن سعد اللہ خان بن افضل خان بن اشرف خان بن خوشحال
بیگ خان بن شہباز خان بن یحییٰ خان بن ملک اکوڑہ بن
ملک چنجو بن تمن بن حسن بن شیخ علی بن عطاء اللہ بن بطی
بن الو بن بر تولیط بن توری بن تورمان بن لقمان بن لکی
بن ارلان بن ہموی بن سرابن بن یطان بن برخیا بن ملک
طالوت بن عیص بن بہلول (ربی) بن عتبہ بن نعیم بن مرہ بن حیدر
بن سکندر بن زمان بن سجان بن عنین بن حسین بن بہلول
بن شلم بن صلاح بن ملاح بن قارو بن تارو بن عشم
ابن حشم بن فیلول بن ہلول بن اکرم بن مکرم بن عمال بن
جمال بن حذیفہ بن عطیفہ بن مہال بن دیال بن قس بن
اقس بن علیم بن حلیم بن اشموئیل بن اجموئیل بن ہارون
بن قارون بن قمرود بن جمرود بن صلبت بن ملکت بن طلل
ابن حلل بن لوی بن کوی بن عامیل بن حائیل بن تارح بن

تارح

marfat.com
Marfat.com

مارج بن ارزند بن مرزند بن مندول بن جندول بن اسلم بن
افغنه بن ارمیا بن ساروال که نقیش ملک طالوت است
بن قیس بن جیس بن عتبه بن قتبه بن عیص بن روبیل بن یهودا
ابن یعقوب ع بن اسرائیل ابن اسحاق ع بن حضرت ابراهیم
علیه السلام بن تارخ که اورا آزر نیز میگویند بن ناخور بن ساروغ بن
هود ع بن عامر بن صالح ع بن ارفخشد بن سام بن حضرت نوح
علیه السلام بن یزدد بن مهلائیل بن انوش بن شیث بن حضرت
ابو محمد ع بن ابو تراب گویند که صباکی نام زوجه لقمان که اولاد
وی را خطک خوانند سرو قد و آهو چشم و سیاه فام و قوی هیکل
و دور اندیش و هوشیار و شیرین زبان بود از قبایل افغان در حباله
نکاح خود اورا اندر آورد بودند و از بطن وی سه پسران متولد شده بودند
توریان و بولاق و قربان گویند که توریان بمشابه پدر خود گندم-
گون و بولاق بمشابه مادر خود سیاه فام بودند و بعد از وفات
والد خود بجای پدر نشسته کاروبار دنیوی میکردند و توریان را نیز سه
پسران بودند توری و ترکی و مزری این هر سه برادران قابل
و لایق و هوشیار برآمدند که نام والد را در عالم فانی به نیکنامی مشهور

نموده بودند چنانچه اولاد او شان تا آلحال بنام والد خود نامزد گشته اند
و ترکی را شش پسران بودند برکویط و امیری و دبیری و برکویط را
شش پسران بودند اسمٰعیل و میری و انو و مزری را شش پسران
بودند الیسو و یوسفی و اکبری از اولاد ترکی اولاد انو و میری بسیار
شده اند و اولاد ورخمری در اولاد میری داخل اند و انو بن برکویط
را شش پسران بودند بطی و مندی و صمندی و بطی بن انو را شش
پسران بودند هوتی و چینی و بلندی و هوتی را چهار پسران بودند فتح
و شیخی و عیسی و خلیلی و مزی و شیخ علی را شش پسران بودند
حسن و محمد علی و نصرو و حسن را چهار پسران بودند ابراهیم
و محمود و کریم و ثمن ــ و ثمن را نه پسران بودند چنجو و بارک و مندی
و دری و ناصری و شاهدی و ملی و خواجی و باجی و چنجو را شش
پسران بودند ملک اکوژه و ملک محمودژه و میری و مزی این چهار
برادران از بطن یک مادر که از قبایل زوریا خیل شادی کرده نموده بود متولد
شده اند و غازی و بازی این هر دو برادر از بطن یک مادر متولد شده اند که از قوم
بنگش شادی کرده نموده بود و ملک اکوژه را نه پسران بودند که از آن جمله
مشهور یحیی خان بود که مادرش را از قبایل مزی خیل شادی کرده نموده بودند و

و یحیی خان

marfat.com

Marfat.com

یحیی خان را یازده پسران بودند و از آن جمله شهباز خان مشهور بودند
و شهباز خان را چهار پسران بودند و از آن جمله خوشحال بیک خان در
عالم فانی مشهور بود و خوشحال بیک خان را پنجاه و شش پسران بودند و
از آن جمله سی و یک دختران بودند و مرده بی خلف است الحال
قوم بابک از همه بسیار شده اند و حسن خیل اولاد حسین خان اند و فتح
خیل اولاد فتح خان اند که به حسن خیل قرابت دارند و اولاد علی و
مرشی کم بسیار شده اند و علی در حصه وراثت همراه فتح خیل شراکت
میدارند و اولاد مرشی در وراثت همراه حسن خیل شراکت دارند
و از اولاد بطی که هوتی و چمنی اند چهار پسران آنها نامزد شده اند
الکی و عیسی و یاسینی و بلی بدانکه اولاد الکی و عیسی و یاسینی
بسیار شده اند و اولاد بلی نام کمتر اندکی یاد شوند و شیخ بهادر والد
شیخ رحمکار رحمة الله علیه از قبیله یاسین خیل مشهور بوده اند که معاصر ملک
اکوره بود و اولاد چمنی و هوتی این هر دو را بطی خیل میگویند و از خیل
مندی سه تو الف جدا شده اند که شیخی و یاسینی و ترتری اما
کلان تر در اقوام مذکور همه خیل اند چونکه بطی خیل و همه خیل در میان هم
دیگر جمع میشوند در آن وقت الوخیل خوانده می شوند و میری برادر او
را چهار پسران بودند و تر و خرم و ادریس و یاسین بدانکه اولاد

marfat.com
Marfat.com

وش یاسین خیل بسیار شده اند وزر دو پسران دیگر یکی دولتخواجه
است که اولادش را ببر خیل میگویند و دیگر بارک است
و بارک را دو پسران بودند امن واکل که اولاد او شان را
امن زی واکل زی میگویند واکل را چهار پسران بودند درشی
وارگو و مندوت و اسمعیل که اولادش بنام پدر نامزد شده اند
و اسمعیل خیل گفته می شوند و دیگر هر سه برادران در وراثت
مشترک اند که با مندین خیل اشتهار دارند و اسمعیل را چهار
پسران بودند غازی و ترکی و خواجی و ماشی بدانکه ماشی را سه
فرزندان بودند عمری و ترکی و یاری و درمیان مندین خیل
اولاد مدی بن احمدی بسیار شده اند و احمدی را دو پسران بودند
الیسکی و مستی که درمیان مراد خیل کلان تری دارند و درمیان
ماشی خیل اولاد الیسکی میباشد و ترکی برادر توری را دو پسران
بودند الیسی و یوسفی و الیسی را هفت پسران بودند
مندی و نصرتی و خواجی و برامی و عبدلی و بکاری و میانی و
اولاد یوسفی بن ترکی بسیار نشده اند کمتر میباشند که یوسف
خیل گفته می شوند و اولاد الیسی و مندی و نصرتی بسیار شده اند
و بولاق برادر تورمان را سه پسران بودند مروتی و ندرکی و

ساغری

marfat.com
Marfat.com

ساغری و مادران بر سه برادران جدا جدا بودند گویند که ساغری در
قبایل بطن شادی کرده بود و در خانه خسر سکونت پذیر بود و
و ساغری را شش فرزندان نزی و مکوزی و بهلی و وردی
و تبی و مدی گویند که ساغری در اولاد بطن رفته در میان آن
قبایل نیکنامی حاصل نمود تا وقتیکه در میان فرزندان خسر خود
عداوت واقع گردید بعد از آن ساغری بهمه پسران از خانه خسر
خود برآمده نزد برادر خویش شندرکی رسید بعد از آن هر دو برادر
میان خود صلاح نموده و چهار نفر دیگر بطور جرگه شندرکی و ساغری
و [illegible] سینی و مغلی و وردی و تبی جمع شده نزد مروتی رفته
حصه ملک و مال میان هر سه برادران تقسیم نموده حواله
هر یک نمودند و قبل از این بسبب کثرت اولادش دعوی
حصه خود نمی توانستند بباعث لطافی محروم بودند بدانکه
مروتی را شش پسران بودند محمودی و خوارجی و عطی و اجوی
و غوری و ماموئی و اتو توزست مروتی را چهار پسران بودند
وردک و مندی و موشکی و خورمی اولاد مروتی را مروزی
می خوانند و اولاد سینی و مغلی در میان وردی و تبی دا
خل اند و سینی نام از الوس ولازاک بباعث
گردش فلکی از خویشان خود جدا شده داماد بولاق گردید

marfat.com

Marfat.com

و بباعث شادی در میان اولاد بولاق داخل گردیدند مغلی

نام بسبب آنکه از لشکری مغولان جدا گردیده در قبایل

بولاق مدتی مدید گذرانیده بعد از آن در آن قوم شادی نموده و

اولادش را مغلکی گویند بیان اوریا گویند زنی بیوه بهمه

بچه همراه پسر اوریا در قوم الوخیل آمده بود و بطنی نام فرزندان زن

بیوه را پیش خود نگهداشتند و مادرش جوان بود در قوم ممند

شوهر گرفت اولاد آن بچه را اوریا خیل میگویند از الوزسطه اوریا

خیل در میان بطنی خیل داخل گردیدند و فرزند ممندی که پیدا شد نام

وی سوری نهادند از آن باعث اولادش را سوریا خیل گو

یند و در قوم ممندی داخل گردیدند و جلوزی که نام مادرش

وتیری بود دختر علی خان است که برادر سکول خان بود تو پدری

ایشان رشید خان بن یعقوب خان بن محبوب خان غوریه

خیل از قوم خلیلی بود و جلوزی را پنج پسران بودند مرو نکرزی و

توکلی زی و جلغوزی و نکرزی و ملغوزی و دو برادران در

میان نکرزی و سه برادر در میان غوریه خیل شامل اند و الحال

آن جمیع داخل الوس نری انانی باشند راویان اخبار و ناقلان

روزگار ممند کلک گوهر سلک در میدان قرطاس تجولان

میدهند

marfat.com
Marfat.com

میدهند قوم خطک لاابه و قوم وزیر بلوچم لاابه و قوم
اتمان خیل علیه و قوم شینک علیه و قوم داود
زی علیه و قوم ممند علیه و قوم خلیل علیه
و قوم ورمرصه و قوم بنگش لاابه و قوم سامل لاابه
بیان اولاد سلمان و عثمان که با فریدی اشتهار دارند
بدانکه شش خیل را آدم خیل میگویند علیه و هفت
خیل را فیروز خیل میگویند و هشت خیل را ملدین خیل
میگویند و شش خیل را محمدی خیل میگویند
و هفت خیل را کمال خیل میگویند و شش خیل
را زخه خیل میگویند یک هزار و پنج خیل را حسن خیل میگویند
سه هزار و سه خیل را بخلی خیل میگویند سه هزار و نه
خیل را بزوی خیل میگویند ۵ هزار و هفت خیل را سپای خیل
میگویند ۶ هزار و شش خیل را میدان خیل میگویند ۸ هزار
و چهار خیل را علی خیل میگویند ۲ هزار و سه خیل را مانی خیل
میگویند ۵ هزار و بوستی خیل میگویم هزار و چهار خیل را شین قمر
خیل میگویند ۳ هزار و سه خیل را تاجک خیل میگویند ۴ هزار و

Marfat.com

چهار خیل را خیبری خیل گویند ۹ هزار و سه خیل را کلی خیل گویند

۳ هزار و چهار خیل را اکا خیل گویند چهار هزار و شش خیل را

سلطان خیل گویند ۶ هزار و قوم ماموزی ۳ هزار سکنان چون

هزار قوم زوکی ۳ هزار ساکنان احوز هزار زرغون خیل هزار و

شیرکی صد نفر این همه مردمان غیر علاقه که در یاغستان سکو

نت دارند و سالانه ۱۲ هزار مبلغان مواجب ایشان در

سرکار مقرر اند بمعرفت نواب بهادر شیرخان عزت خیل وصول

میکردند در ابتدا کار روای غیر علاقه شاهزاده محمد جمهور صاحب میکردند

و بعد از وفات الصاحب والاشان خان صاحب بهادر شیرخان میکردند

و بعد از وفات وی چند سال شاهزاده سلطان جان صاحب پسر شاهزاده

محمد جمهور صاحب میکردند و در عهد عملداری فرنگیان از انتقال بهادر کار روای غیر

علاقه شیر دل با میدار سپرده سر رشته در ارشد آینده دیده شود

در کتب تواریخ مسطور است که یوم جمعه سید الانبیاء

صلی الله علیه وسلم وعظ و نصیحت در مجلس حاضرین و مسلمین

رامیکردند یکی اصحابی دست بسته عرض نمود که یا حبیب الله از

راه بنده نوازی قدری از الف قوم افغان را بیان بفرمایید که

او شان

marfat.com

Marfat.com

اوشان باعتقاد تمام فی سبیل الله جهاد میکنند و علاوه ازاین
بدل وجان خدمت سید وفقیر وشیخ وزاهد بخوبی بجا می نمایند
تعریف اوشان مناسبت دارد که آینده از طریقه خود زیاده تر
امداد وجانفشانی نمایند آنحضرت فرمودند که رفیق خوب مصلاح دا
دی کجه فرمود ای حاضرین مجلس را گوش نمائید که باعث
بداعمالی یعنی مردم آزاری برده فروشی و خونریزی وغیره امور
اولاد سلیمان وعثمان که با فریدی استمرار دارند در یوم قیامت
در دوزخ خواهند افتاد نیز این مرقعه نزد افغانان رسید که بروز
جمعه در مسجد بحضور جمیع مومنین سرور عالم شاهان را دوزخی فرمو
ده اند بمجرد شنیدن این سخن از بس خفه وغمگین گردیده خورد
کلان در جای نشستگاه خود جمع شده همین گفتگو میکردند در میان
خودها این اتفاق نمودند که اول نیاز نامه روانه می نمائیم وبعد ازان
همراه آنحضرت والاشان محاربه ومقاتله خواهیم کرد وبغیر بدی گاهی
تا بدی حیاتی خود نیکی نخواهیم کرد روز جرگه نموده مراسله
[illegible] نمودند یا حبیب الله مایان شنیده ایم که بعوض نیکی وخوبی
وجان نثاری گروهی معتقدان را بعوض انعام دوزخ عطا فرمو
دید اگر این چنین معامله بوده باشد آینده کسی بنی آدم همراه
آنحضرت والاشان امداد وجان نثاری وخوبی نخواهد کرد بلکه

می نمودهشند
می نمودهشند
رسانیده بودند
اول بحضرت آنحضرت
گران حضرت [illegible]
بعد ازان همراه [illegible]
[illegible]
[illegible]

شب و روز فساد و خباثت جدل خواهد بود آینده باللّه خردا
دین شرط است هرچه مرضی مبارک حضور فیض گنجور بوده باشد
از راه مسکین نوازی بجواب سرافراز بفرمایند تا که از آن
نوازش نامه حضور انور تسکین خاطر عاطر خواهد بود قصور ما عاجزان
معاف نموده بجلدی تسکین نامه زیب ارقام نمایند آنچه
اتحاد نامه ارسال نموده بودید رسید و کوائف مندرجه اش معلوم
گردید ای مومنان چنانچه گفته شده که همه دوزخی اند بلکه در حق
آن کسان گفته شده که اول بعادات کفار و دویم برسوم جاهلی
و سوم به تکبری هر که ناحق خونریزی و برده فروشی و مردم آزاری
و با امور عرفی یعنی بدعت خواهد کرد دوزخی است و دیگر اینکه
مال مردم غارت [illegible] مشغول هر روز زنا نکاح کردن و بچه بازی و قمار بازی
و وعده خلافی نمودن و دختر و همشیره و مادر را فروختن
و سوگند خلاف خوردن و تارک الصلوة و صوم هر که این چنین
کارها خواهد کرد آن کس بلاشک دوزخی خواهد بود و هر که پابند
شرع شریف خواهد بود و از مکر شیطان خود را نگاه خواهد داشت
آن کس بلاشک بهشتی است از کارهای بد توبه کنید

و استغفار

marfat.com
Marfat.com

واستغفار خوانند و اولاد خود کوشش بائی نمایند که براه راست
آورده نماز و روزه و امور نیکنامی اوشان را نشان بدهید
تا که از عذابهای دوزخ محفوظ مانند و افعال بد را بگذارند

در بیان اولاد و نسبة السالکین و عمدة
العارفین محبوب الٰهی حضرت حاجی بهادر

صاحب کوهاٹی قدس الله سره العزیز بدانکه حاجی عبدالله صاحب
نقشبندی را پنج پسران بودند میان محمد یوسف صاحب
میان محمد قاسم صاحب و میان محمد عمر صاحب و میان محمد عثمان صاحب
و میان محمد یعقوب صاحب و میان محمد یوسف صاحب را سه پسران
بودند سعد الدین و معظم دین و عظم دین و معظم دین را پنج
پسران بودند میان محمد غوث و محمد شاه و سلیم شاه و امین شاه
و معظم دین را یک پسر بود محمد غوث و دیگر را نیز یک پسر بود محمد شاه
و دیگر را سه پسران بودند سلیم شاه لاولد و امین شاه و غلام صدیق
و امین شاه را سه پسران بودند عمر شاه بی خلف و احمد شاه
و یوسف شاه و غلام صدیق را یک پسر بود عبدالله شاه و عظم دین را
یک پسر بود میان محمد اکرم و دیگر را پنج پسران بودند صاحب نور و سرفراز گل

ع ۱
اولاد محمد یوسف:

marfat.com
Marfat.com

و محمد حج و سعادت نور و صاجدین و میان صاحب نور را دو پسران
بودند محمود شاه و محمد ایاز و سرفراز گل را دو فرزندان بودند
حیا گل و نسیم گل بی خلف و حیا گل را دو پسران بودند حسن شاه
بی خلف و سعید شاه و وی را دو پسران بودند زید گل و بادشا گل
و محمود شاه را دو پسران بودند احمد گل و صاحب گل و احمد گل را
سه پسران بودند مظفر شاه و زمان شاه و بهادر شاه و صاحب
گل را یک پسر بود محمد گل و محمد ایاز را یک پسر بود میان باز گل و
وی را سه پسران بودند مومین شاه بی خلف و جبار شاه و علاء شاه
و سعادت نور را یک پسر بود کاظمدین و وی را دو پسران بودند
محبوب شاه و بهادر شاه و محمد حج بی خلف و اولاد صاجدین در
ضلع پشاور در قریه دروازی سکونت پذیر اند
و میان محمد قاسم را پنج پسران بودند میان موسم و میان شاه محمد مرزا (۵)
و میان محمد نور و میان محمد شکور و میان محمد غفور و میان موسم
را یک پسر بود میان سکندر و وی را نیز یک پسر بود میان محمد حج
و وی را دو پسران بودند میان قطب شاه بی خلف و میان حیدر شاه

از محمد قاسم

و وی را

marfat.com
Marfat.com

و ویرا نیز یک فرزند بود میان اختر شاه و ویرا دو پسران
بودند امد شاه و عزیز شاه   و میان محمد مرزا یک فرزند بود
میان محمد نعیم و ویرا دو پسران بودند عظمدین و میان عبدالقدیر
و میان عاظمدین را دو پسران بودند میان سعدالدین و میان
معزالدین و میان سعدالدین را دو پسران بودند فاضلدین
و امامدین و فاضلدین را سه پسران بودند میان برهان شاه
و مشرف شاه و عرب شاه و میان برهان شاه را دو پسران بودند
میان زمان شاه و فاضل شاه هر دو برادران بی خلف اند و میان
مشرف شاه را دو پسران بودند میر احمد شاه و عثمان شاه و نجم شاه و میان عرب شاه
را دو پسران بودند محی الدین شاه و سعد احمد شاه و مادر شاه و میان امام الدین
را یک فرزند بود بهاء الدین بی خلف و میان معزالدین را
دو پسران بودند میان غیاز و میان ایاز و میان غیاز را دو پسران
بودند میان ضیاء الدین و میان ابراهیم و میان ضیاء الدین
را دو پسران بودند میان سراج الدین و غیاث الدین و مبارک شاه این هر دو
برادران بی خلف اند و میان ایاز را یک پسر بود امین شاه
و میان ابراهیم شاه را یک فرزند بود غفار شاه بی خلف اند

Marfat.com

ومیان عبدالقدیر را میان سعیده ومیان نجیب شاه ومیان
مسعود شاه ومیان سعید شاه را دو پسران بودند میان
حبیب شاه ومیان یعقوب شاه ومیان حبیب شاه را سه
پسران بودند میان داود شاه واکبر شاه و عمر شاه اکبر شاه
بی خلف اند ویعقوب شاه را چهار پسران بودند فقیر شاه
ومطیف شاه از یک مادر اند ودیگر از بطن زوجه دویم
اند میان محمد نور صاحب را سه پسران بودند
میان محمد گل صاحب ومیان محمد علی ومیان نادر شاه ومیان محمد گل صاحب
را شش پسران بودند میان احمد شاه ومیان صاحب شاه ومیان حسن شاه
ومیان ولی الله ومیان مهدی ومیان حمید الله بی خلف ومیان
احمد شاه را چهار پسران بودند میان امیر والله بی خلف اند میان محمود شاه و
ومیان محمود شاه ومیان محمد شاه ومیان داود شاه ومیان محمود شاه
چهار پسران بودند میان باقر شاه ومیان غفار شاه از یک مادر اند
وامام شاه ونور شاه از یک مادر اند از قوم آسیابان نکاح کرده
بودند ونور شاه بی خلف اند ومیان باقر شاه را سه پسران
بودند کلان میان انور شاه ومیان زمان شاه از یک مادر اند و

بهرام شاه

marfat.com
Marfat.com

وبرامشاه از دیگر مادر بود و میان غفار شاه را دو پسران بودند
اسلم شاه و مرمل شاه از بطن دو زوجه متولد اند و میان انور شاه
را یک فرزند بود سکندر شاه و ویرا نیز یک پسر بود صاحب شاه
و میان زمان شاه را دو پسران بودند احمد شاه و سرور شاه و محمد شاه
را پنج پسران بودند میان عظم شاه و میان حسین شاه این
هر دو برادران از یک مادر متولد اند و موسی و حبیب و عبداله
این هر سه برادر از بطن دیگر مادر متولد اند و میان عظم شاه را
یک پسر بود فقیر شاه و حسین شاه بی خلف اند و میان داود شاه
را یک پسر بود یونس شاه و ویرا سه پسران بودند عبدالله شاه
و سکندر شاه و قلندر شاه و امام شاه را دو پسران بودند انجمن
و مغفور شاه و میان صاحب شاه را یک پسر بود میان میران شاه
و ویرا هشت پسران بودند کلان میان غلام علی شاه و میان
محمد یوسف شاه از یک مادر و میان شاه محمد و میان احمد شاه
از دیگر مادر که از خاندان مردو خیل بود و میان عثمان شاه و میان
جعفر شاه و میان بادشاه و میان یعقوب شاه این هر چهار برادر
از بطن یک مادر که از خاندان عظام افغان بود متولد اند و میان

marfat.com
Marfat.com

فقیر غلام علی شاه را یک فرزند بود فقیر عبدالله شاه و میان یوسف شاه
را نیز یک پسر بود محمد شاه و میان شاه محمد را دو پسران بودند میر احمد شاه
و کلان شاه و میان احمد شاه را سه پسران بودند حسن شاه
و محمود شاه و سلطان شاه و میان عثمان شاه را سه پسران بودند
زمان شاه و سید علی شاه و کریم شاه و میان حسن شاه صاحب
را شش پسران بودند میان سریع الدین و میان بهاء الدین و
و میان جلال الدین و میان کمال الدین این چهار از بطن یک مادر
متولد اند و میان قمر دین و میان غلام محی دین و میان بدر الدین
این هر سه برادر از بطن دوم زوجه اش متولد اند که از خاندان
میان جی صاحب رحمة الله علیه بود و میان سریع الدین را دو پسران
بودند کلان محمد محی دین از یک مادر و فاضل دین از دیگر مادر بود
و محمد محی دین را یک پسر بود عبدالله شاه و میان جلال الدین را پنج
پسران بودند رسول الدین و نذر الدین و امداد الدین و سعد الدین
و قمر الدین و میان بدر الدین را دو پسران بودند قمر دین و قمر دین
و بهاء الدین و محی دین و قمر دین این هر سه برادران لاولد اند
و میان ولی الله را پنج پسران بودند میان عطاء الله و
میان عنایت الله این هر دو از یک مادر اند و میان نظر الله و میان

سلیم الله

در صفحه ۹ مانوشته شده است

marfat.com
Marfat.com

سلیم الله و میان صفی الله این هر سه برادران از بطن زوجه دیگر که
همشیره عالم شیر بن کرم شیر بود متولد شده اند و میان عطاء الله را
یک فرزند بود و میان نبی الله و برا دو پسران بودند برکت الله
و جبار الله و میان صفی الله را دو پسران بودند قدرت الله
از یک مادر و مطیع الله از بطن زوجه دیگر که از خاندان باغبانان
در حباله نکاح خود آورده بود متولد شده اند و میان عیان الله و نظر الله
سلیم الله این هر سه برادران لاولد اند و میان مهدی را
سه پسران بودند میان حسین شاه و میان طاهر شاه و میان
طیب شاه و میان حسین شاه را هفت پسران بودند - میان
ابراهیم شاه و میان محسن شاه و میان یوسف شاه و میان واحد
شاه و میان مسعود شاه و میان محمود شاه و میان اکرم شاه
و میان طاهر شاه را یک پسر بود میان میر موسی و وی را نیز ۳
یک پسر بود مزمل شاه و دو فرزند از بطن زوجه دیگر که از خا
ندان قوم فتح خان حیدر کرده بود متولد اند نقشبند و بلند
و میان طیب شاه را چهار پسران بودند غلام شاه و حضرت شاه
و امداد شاه این هر سه برادران از بطن یک مادر که از خاندان شهبان

۱۰۰

شادی کرده بود متولد اند و اکبر شاه بمه همشیره از بطن زوجه دویم خویش
متولد اند و میان محمد علی شاه را چهار پسران بودند میان
عالم شاه و میان حیدر شاه و میان سند شاه و میان نظام الدین شاه
بدانکه میان عالم شاه را دو پسران بودند میان سرور شاه و میان
منور شاه و میان سرور شاه را دو پسران بودند میان مظفر شاه
و میان عمر شاه و میان مظفر شاه را دو پسران بودند نبی شاه و زبیر شاه
و عمر شاه را دو پسران بودند عبد الغفار و عبد الستار و میان منور شاه
را سه پسران بودند اکبر شاه و صادر شاه و یعقوب شاه و میان
حیدر شاه را یک پسر بود میان شهاب الدین و ویرا دو پسران بود
ند میان ضیاء الدین و میان حمید الدین و میان ضیاء الدین
دو پسران بودند نظیر الدین و فضل الدین و میان حمید الدین را
یک پسر بود عثمان الدین و میان سند شاه را یک پسر بود میان
نجیب شاه و ویرا دو پسران بودند حبیب شاه از یک مادر اند و
برهان شاه از بطن زوجه دیگر متولد اند و برهان شاه لا ولد اند
و میان نظام الدین را سه پسران بودند میان ایوب شاه و میان
صالح محمد و غلام شاه و ایوب شاه را دو پسران بودند رسول شاه و غنی شاه
و صالح محمد شاه

marfat.com
Marfat.com

از یک مادر بود

پیر احمد شاه از حنیف شاه پیر متولد شده است

و محمد لعل شاه و محمد مبارک شاه و محمد لائق شاه پسران از پیر احمد شاه متولد شده اند

والدهٔ محمد لعل شاه و محمد مبارک شاه و محمد لائق شاه از قوم قریشی است که در ضلع [illegible] است

و صالح محمد شاه را سه پسران بودند حنیف شاه و حضرت شاه از یک مادر و محمد علی شاه و یکی همشیره از بطن دیگر زوجه متولد اند و غلام شاه را یک پسر و دو دختر متولد اند و میان نادر شاه را سه پسران بودند میان عرب شاه و میان سکندر شاه و میان قلندر شاه و ویرا دو پسران بودند میان مبارک شاه و میان رسول شاه و مبارک شاه را دو پسران بودند غفار شاه و حضرت شاه و میان رسول شاه لاولد اند و میان عرب شاه و میان سکندر شاه این برادران لاولد اند و میان محمد شکور را دو پسران بودند میان خیر الله و میان سیف الله و میان خیر الله را یک پسر بود میان فقیر الله ویرا سه پسران بودند میان لطف الله و میان نور الله و میان نبی الله و میان لطف الله را چهار پسران بودند ذاکر الله و سعد الله و صفی الله و عمر الله و میان نور الله را چهار پسران بودند یعقوب الله و رسول الله و داود الله و امداد الله و میان نبی الله را دو پسران بودند یوسف الله و غفار الله و میان سیف الله را سه پسران بودند میان نور الله و میان امام الله و میان علی شاه و میان نور الله و میان امام الله این هر دو برادر لاولد اند و میان علی شاه را یک پسر بود میان سعید شاه +

دو پسران ملک شاه غلام شاه [illegible]

marfat.com
Marfat.com

و میان محمد غفور را یک پسر بود میان فیض الله و او را
دو پسران بودند میان محبوب شاه و میان ارم شاه و محبوب شاه
را دو پسران بودند میان مسعود و میان قاسم و میان
مسعود را یک پسر بود حسین شاه و میان قاسم لاولد اند
و میان ارم شاه را دو پسران بودند میان حیات و میان غلام
و میان حیات را سه پسران بودند حبیب شاه و بریم شاه
و لطیف شاه و میان غلام را دو پسران بودند [illegible] و میان محمد عمر را
دو پسران بودند میان محمد عارف و میان محمد صدیق و میان محمد عارف
را دو پسران بودند میان عابد و میان عبدالرحمن و میان عابد
لاولد اند و اولاد میان عبدالرحمن بطرف [illegible] در سکونت
پذیر اند و میان محمد صدیق را دو پسران بودند میان غلام محمد که
صاحب علم و زاهد بودند و میان نیاز و میان غلام محمد را یک
پسر بود میان حسن شاه و وی را دو پسران بودند میان هادی شاه
و میان محمد شاه و میان هادی شاه را سه پسران بودند
میان حلیم شاه و میان قاسم شاه و میان میرا و میان حلیم شاه
را سه پسران بودند فتح شاه و ابد شاه و امام شاه و قاسم شاه

سید جمال حسین شاه را چهار پسران بودند سید سکندر شاه و
[illegible] شاه و سید ابراهیم شاه و سید احمد شاه
[illegible] شاه را چهار پسران [illegible] سید حسین شاه و سید جمال حسین شاه
[illegible] حسین شاه [illegible] باقی سه برادر [illegible]
سید حسین شاه را یک پسر است سید غلام حسین شاه
[illegible] حسین شاه [illegible] لاولد
از قلم عزیز حسین شاه
از اولاد محمد عمر صاحب

را سه

دست پسران بودند یوسف شاه و سعید شاه و زمان شاه و محمد
شاه را دو پسران بودند میان حسین شاه لاولد اند و محمود شاه
را سه پسران بودند غفار شاه و مبارک شاه و مزمل شاه
میان بجاز را یک پسر بود عظم شاه وی نیز لاولد اند این همه او
لاد میان حاجی عمر صاحب اند

بیان اولاد میان عثمان صاحب

مادرش خوستی بود از آنور سطه در قریه خوست ساکن اند
را محمد پسر و گل حبیب پسر و نجیب گل پسر و شیر گل پسر و باز گل پسر
و رستم پسر و شاه زمان پسر و محتشم پسر و شاهجهان پسر و قلندر پسر و انور
پسر و سکندر پسر و نقشبند پسر و احمد پسر و سریع پسر و معربع پسر و
رحیمداد پسر و الهداد پسر و کلاب پسر و دراب پسر و یوسف پسر و
نف پسر و سبحان پسر و عبدالرحمن پسر و عبدالله پسر و فیض الله پسر
و جلال پسر و کمال پسر و عمر پسر و اکبر پسر و جعفر پسر و نظر پسر و احد پسر

بیان اولاد میان محمد یعقوب صاحب رحمة الله علیه که
بعد از وفات حضرت صاحب والد بزرگوار صاحب تولد متولد شده اند بدانکه
محمد یعقوب صاحب را یک پسر بود میان عبدالرحمن و وی را چهار
پسران بودند سرافراز و معظم‌الدین و میان محب الله و میان

اولاد عثمان

جہاد افغانستان کے موقع پر یہاں کی اولاد کے اکثر افراد کراچی آ گئے ۱۹۹۱ اگست سن ... ابریل سے ... محمود ... ۱۹۹۶

۵

اولاد یعقوب

marfat.com
Marfat.com

نیز یک پسر بود میان موز و دیگر را نیز یک پسر بود میان سرفراز
و دیگر را سه پسران بودند گلاب شاه از یک مادر و زمان شاه
و آفتاب شاه از دیگر مادر متولد اند و میان معظم شاه را سه پسران
بودند میان شیر شاه و میان حسن شاه و میان میر شاه و
شیر شاه را یک پسر بود میان محمد سعید و میان حسن شاه لاولد
و میان میر شاه را دو پسران بودند میان نصیر شاه و میان حبیب
و میان محبت الله را چهار پسران بودند میان امیر الله و میان
حسین شاه و میان حمید الله و میان امیر الله را یک پسر بود
میان نادر شاه و دیگر را نیز یک پسر بود دیوانه وار و میان حسین شاه
را یک پسر بود میان غنی شاه و میان حمید الله را دو پسران
بودند میان اعظم شاه و میان بریم شاه و میان فیض الله و
و میان حبیب شاه و میان غنی شاه و میان زمان شاه این ها
چهار نفر لاولد هستند این همه مرقومه بالا از ابتدا عاجز
و غریب و مسکین اند بر فقیری شاکر اند چیزی نمی گویند

Marfat.com

[redacted] کوہاٹی قدس اللہ سرہ العزیز کہ در عالم فانی
اشتہار دارند عبداللہ شاہ بن محمد شاہ بن سلطان
میر سرور بن سلطان میر اکبر بن سلطان میرانشاہ بن سلطان
سبحان شاہ بن سلطان محمد زہیر بن سلطان محمد کبیر بن
سلطان میر کمال بن سلطان میر جمال بن سلطان ابی فضل
بن سلطان ابی افضل بن سلطان سریع الدین بن سلطان
بہاء الدین بن سلطان عبدالرحمٰن بن سلطان محمد عمران
بن سلطان محمد حسین بن سلطان محمد محسن بن سلطان
برہان بن سلطان شعبان بن سلطان محمد زاہد بن سلطان
امیر احمد بن سلطان عبدالعزیز بن سید محمد ابراہیم
بن سید حسن عسکری بن سید علی نقی بن سید محمد تقی
ابن سید علی موسیٰ رضا بن سید موسیٰ کاظم بن سید
امام جعفر صادق بن سید امام محمد باقر بن سید امام زین العابدین
بن سید امام حسین بن امیر المومنین حضرت مرتضیٰ
علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن عبد الہاشم
کلاب بن
بن عبدالمناف بن قصی بن مرہ بن کعب بن لوی بن

Marfat.com

غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خذیمه بن مدرکه

بن الیاس ع بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن ادبن

بن ادوبن بن ہمیسع بن الیسع بن یعرب بن یسحب بن

قیذار بن اسمٰعیل ع بن ابراہیم علیہ السلام بن افرقیل بن

تارخ بن ناحور بن اشرم بن فسیح بن ارعف بن قانع

بن شالخ بن عامر بن ارفخشد بن سام بن نوح ع بن

لمک بن مادر بن مهلائیل بن قینان بن انوش بن شیث

ع بن حضرت آدم صفی الله بن ابوتراب مورخه ۱۵ محرم

سنه ۱۲۹۸ھ نورالدین رساله دار ملازم نواب محمد علی خان

نونهال والد اولاد میان حاجی عمر صاحب رحمة الله علیه شجره

جد بزرگوار خود طلبیده بود و جاگیر جنڈیاله شیرخان افغان

چهار صد جریب زمین که متصل شالاباغ است و چهار چاه چرخ

اولاد میان حاجی عمر صاحب بادشاهان دهلی عطا فرموده بودند تا به عملدار

سکهان قابض بودند آن جائداد لاهور فرنگی بحکم خود ضبط

نمود بدانکه شیخ نورمحمد برادر بی بی پشمینه از این خاک

ولادت

کوهات بطرف هندستان میرفت چون که در چهاونی بنگاله
رسید آب و هوای آن دیار موافقت نمود همدران ولایة
سکونت اختیار نمود اولاد شیخ اسماعیل هوتاری در ملک
بنگاله اند درین ولایت افغانستان برای نام نیستند
مورخه ۱۵ محرم سنه ۱۲۵۶ هجری لاث برنس صاحب
بهادر بمعه فوج خود در کابل رسیده کابل را سوختانده و امیر
صاحب دوست محمد خان را نظربند نموده بطرف هندستان
روانه نموده حکومت کابل میداشتند و بعد از مدت سه سال محمد
اکبر خان خبر گرفتاری و نظربندی والد خود شنیده بمعه فوج
در کابل وارد گردیده همراه لاث صاحب ملاقی شده برنس
را در خیمه نشسته بر آورده تمام انصار را بمعه زنان محبوس
نموده سه سال انصار را تکلیف میداد که از زنده کامی
خود بیزار شده کاغذ خود روانه نمودند که برای خدا مایان را
برهانید بباعث لاچاری امیر دوست محمد خان را با عزت
در کابل رسانیده مقیدان خود را خلاص کنانیدند بعوض خوبی
امیر دوست محمد خان سردار محمد اکبر خان را بدرجه شهادت
رسانیده بعد از آن مانند ملک و دست تاسف می مالیدند

Marfat.com

مورخهٔ ۱۱ مئی سنه ۱۸۴۹ء مطابق سنه ۱۲۶۴ه

در این ملک کوهستان پالک بهادر اسشتنت کمشنر و شاهزاده
محمد جمهور صاحب بهادری نواب خواجه محمد خان خطک عدالت
آرا و حکومت فرما گردید و سه عدد سواران ملتانی که سردار
آن جماعت عبدالرحمن خان سکنه دیره اسمعیل خان در اینجا بود

۱۵ ماه جنوری سنه ۱۸۵۰ء قوم افریدی ساکنان دره راه
پشاور در بابت محصول نمک که از کان بهادر خیل وجته و نری و
اسماعیل خیل از علاقه خطک می آوردند مخالفت کرده از حکومت
پالک صاحب انحراف نموده باغراض زنند طریقه آمدورفت مسافرین را
مسدود کردند و بعد از دریافت این حال جان لارنس
صاحب بهادر ڈپٹی کمشنر ضلع پشاور بموجب تجویز سرکاری
انگلیسی کاروبار کوهات نیز باوشان متعلق بودند جهت
تنبیه و تادیب اقوام افریدی بحضور نپیر صاحب بهادر کمانڈر
چیف که برای دوره رونق افروز پشاور گردیده بودند عرض
درخواست نمودند و کمانڈر صاحب ۱۱ فروری سنه ۱۸۵۰ء سه
پلٹن بنگال و توپخانه اسپی و رجمنٹ گوره و سه ترپ

رجمنٹ دوم

رجمنت دوم هندوستانی و دستهٔ توپ رجمنت اول پلٹن
اول پنجاب حالیه عازم جهت تنبیه و تادیب آن وحوشان
کوه نشین و وحشیان بادیه گزین شدند و در آن روز
در موضع متنی اقوام قیام نموده بروز دوم داخل دره گر
دیدند و موضع اخور را سوختانده و ویران کرده بروز سوم
موضع زرغون خیل و دره شیرکی وغیره تمامی آبادی اوشان
را سوختانده و تباه کرده تمام افواج اندرون دره خیمه +
زن ماندند و رجمنت اول و پلٹن اول پنجابی داخل کوهاٹ
گردید و بروز چهارم کمان افسر صاحب بهادر مراجعت
بچهاونی پشاور نمودند و بعد از ۳ ماه چهار توپ
از رجمنت اول واپس در چهاونی پشاور رفته بودند و دو
توپ رساله و پلٹن اول کرنل صاحب بهادر در کوهاٹ
مقیم شدند و آفریدیان سر باطاعت سرکار والاتبار نهاده
طریقه آمد و رفت مسافرین بدستور سابق جاری کردند
و بعد از آن ۹ جنوری سنه ۱۸۵۱ع آن چهار توپ از
پشاور در کوهاٹ آمدند و تا الحال ۱۲ جنوری سنه ۱۸۵۴

است بعد ازینجا رجمنت و پلتن ها دو متعین هستند و پالک صاحب بهادر
بعد از شش ماه از ولایت تبدیل شده بطرف ضلع بنون تشریف فرما
شده بودند و بر عهده ڈپٹی کمشنر میجر لوک صاحب بهادر مقرر گردید ۸ فروری
سنه ۱۸۵۲ء وزیریان در موضع بهادرخیل علاقه خطک فساد برپا
نموده بودند و محمد غزنی خان وزیری در آن جنگ کشته شده بود بعد از
آن پلتن چهارم پنجابی و پلتن سبحان خان جهت تیاری قلعه پخته بمقام
بهادرخیل متعین شده بودند و آن قلعه را بردو پلتن تیار کرده بودند از
آن ایام شش کمپنی در آن قلعه مقرر گردیده اند مورخه ۱۱ نومبر
سنه ۱۸۵۳ء ڈپٹی کمشنر لوک صاحب بهادر بابت محصول نمک
که از علاقه خطک می برند از دادن محصول انکار نموده راهی پشاور
را مسدود نمودند بلکه بر غارت رعایای مربسته نقصان رسانی می
کردند از انور سطه شش پلتن و توپخانه اسپی و یک رجمنت
دوم نبالیش زیر درمش کوتل لشکر جمع نموده بر سر کوتل کرهی را
تیار میکردند شش سال بدی بود و سه رشته محاربه نموده بودند
چنانچه در محاربه آخری بر پیشانی لوک صاحب بهادر گولی سرد رسیده
بود بعد از انواقعه از خاندان حضرت حاجی بهادر صاحب امداد خواسته

بود میانکمل

marfat.com
Marfat.com

بود میانخیل از امداد انگاری شده بودند مبلغ پانصد روپیه جرم سرکاری وارده خود را از امداد خلاص نمایند یکی شاعر مؤلف آن واقعه را در نظم بیان نموده و سه نفر ملکان منصور خیل در کرزی قتل گردیدند

ای عزیزان باز وقتی جنگ کوهستان رسید　　بنگش و افریدی را دعوی میدان رسید

اهل بنگش جمله یکسر موجب تفصیل ذیل　　هم کابل هم عنان خان عالیشان رسید

از همه اول استرزی و ممرزی و کاغذی　　هم خیل و جنکل و هم زادیان یکسان رسید

تیی و میروزری و هود و اخرمانی و توغ　　شادیخیل و بلی خیل و هم مردم شیخان رسید

هفت هزار مردم کل بصلاح حاضر شدند　　قصد جنگ کردند با شمشیر خونریزان رسید

اهل بنگش با صدای ڈهول و سرنی آمدند　　تو همی گفتی که جای جنگ رستم دستان رسید

بر سر کوتل مقام بر یکی قوسی نمود　　تا که نوبت بنا و برج کلکاران رسید

یکشب یکروز افریدی نکردند التفات　　تا که آتش کل برابر برج زربابان رسید

وقت پیشین شش نفر افریدیان　　ناگهان سوی شیرین کرک در بزودان رسید

اهل بنگش سوی ایشان تیر انداز تفنگ　　تا که وی علم زرفته چون تغل لویان رسید

هم خیل و جنکل و هریک بودند حیله ساز　　از غرور و کبر افت بر تن ایشان رسید

بود ملک شاه بزمان هم در انجا کشته شد　　ناگهان افریدیان در مورچه مردار رسید

مرده را بلند رشته بر یکی پلکی بخشند　　بر سر ایشان تو گویی ناگهان طوفان رسید

بشنو حقیقت که استرزی گروه بیش　　نوبتی کل محمد آمد بصورتی نامردار رسید

حیف بر این رانش سفید قاتعت برشنجیت　　نام نامرد ایشکیش در مجموعه افغان رسید

marfat.com
Marfat.com

این قدر نغمه تو تحفی الی کاتو جاجست | دراغلو افریدی تحفی و بخواته غم هجران رسید
از همه بلدر بتون وصف توپهاتیان شنو | هر یکی را میدهم نظیر جوین اعلان رسید
چونکه دیدند توپهای ریز ساطر و بیر خیل | مجلس باقی نماند آنگاه نوبت مایان رسید
اندران دم شور غوغا شد میان بنگشی | او فورزی و شباز بر من که بدکاران رسید
ازدا الیکم کی غرض شروشه از آن نادر لقانی | دیلوکان شهر و هو مرسو در دیدر مان رسید
توک فی ۹ هزار روپیه دیتی بهادر شیر کوه | ویله بیجو هیر کڈ هو موسم فزان رسید
دیگران گفتند بهادر شیر تیراتی شیعین | اوڈا خان پی لنگیا هو بی عاج آز رسید
یک کرت شدند بپایان فوج بنگش را گریز | نیست جای طعنه چونکه شش نفر افغان رسید
آن زمان بیدار گشتم از خواب غفلت من نظام | چونکه دیدم من شکست قوم بر ایشان رسید

مورخه ۱۵ ماه جون سنه ۱۸۵۷ع کولصاحب بهادر بمعه پلتن اول و صد نفر سواران میر میان بنوری همراه خود گرفته برای جنگ پوربی یان در هندستان از کوهات رفته بودند کولصاحب هفت سال حکمرانی نموده بود و بعد از وی کپتان هندرسین صاحب بهادر ڈپٹی کمشنر شد

مورخه ۱ ماه اکتوبر سنه ۱۸۵۸ع ڈپٹی کمشنر هندرسین صاحب بهادر بمعه فوج خود سه پلتن و توپخانه و رساله در موضع تل بلند خیل رفته همراه آن مردمان جنگ نموده جریمه ۴ هزار از ایشان وصول کرده

والسلام در جهادونی

marfat.com
Marfat.com

و الِسن در چهاونی آمده و شش و نیم سال حکمرانی نموده در ولایت
فوت گردید و بعد از وی کپتان گریم صاحب بهادر ڈپتی کمشنر شده بود
و مدتی شش سال حکمرانی نموده طرف ولایت تشریف فرما گردیدند
و بعد از وی کپتان منذرز صاحب بهادر ڈپتی کمشنر شده مدتی سه
سال حکمرانی نموده از اینجا تبدیل شده در چهاونی دیره اسمعیل خان
رفته بود و بعد از وی کپتان شارلس صاحب بهادر بر عهده ڈپتی کمشنر مقرر
شده مدتی سه و نیم سال حکمرانی نموده از کوهات تبدیل گشته
در چهاونی ضلع بنون تشریف فرما گردید و بعد از وی کپتان کمنار صاحب
بهادر بر عهده ڈپتی کمشنر سرفراز گردید در سنه ۱۲۸۰ هجری مسمی
فتح خان علی زی از هندستان توجه در کوهات آمده استغاثه
جهة جاگداد موروثی خود نمود اما بباعث کم طالعی و گردش فلکی برادر
خود نرسید خود را حقیر ساخته (در عقبات) بامر لاچاری در غر علاقه میان تو
کوهستان نزد قوم بزرگی خود را رسانیده هفت مرتبه جرگه
های آن قوم آمد و رفت کردند بصلاح شاهزاده محمد جمهور صاحب
ڈپتی کمشنر بی انصافی نموده دشمن او شان گردید بلکه مردمان جرگه
را یک هفته میان جیلخانه محبوس نموده خلاص گردانیده بلکه

آمد و رفت اوشان ممانعت فرمود که در علاقه سرکار نیایند مدتی

پنجسال بدین بود بعده بحکمت (علیزئی وزیر ...) فتح خان را در کوهات طلب نموده

بمه عیال نظر بند کرده (حواله) در لاهور فرستاد و نیز مورخه ۱۲ ذوالقعده

سنه ۱۲۸۳ هجری همراه قوم بزوتی محاربه نموده بودند سه پلتن

و توپخانه اسپی و رساله سوم و پولیس و رعایا همه جمع شده

جنگ میکردند چنانچه میجر رکسایِن صاحب بهادر بمدد انجا جنرال (جنرل)

زیر کوه (وقت عصر) کشته شده بود یک حوالدار و جمعدار و صوبدار بر میجر خود

جان فدا نموده بودند بسیار سپاه نقصان شده بودند و بعد

از یازده یوم نعش میجر صاحب (در سر قبر لال بادشاه ...) آورده مدفون نموده بودند و

و مدتی ۱۱ سال کمشنری حکمرانی نموده تبدیل گشته در [illegible] رفته

بود و بعد از وی ۶ ماه میکالی صاحب بهادر حکمرانی نموده بود و بعد از وی

بر عهده ڈپٹی کمشنر بلونت صاحب بهادر سرافراز گردید مورخه ۱۱ ماه

جنوری سنه ۱۸۷۶ برای محاربه قوم افریدی پایان ژوکی سرکار

لام بسته بعده هم نیم سال همراه قزلباشیان شب و روز جنگ آور بودند (گردیدند)

باوجود که شب و روز باران می بارید [illegible] و کموری و سپاه پلتن ها

(بسبب لاچاری افواج سرکار در جاوکی [illegible] افتاده بودند)

بی شمار در آن جنگ کشته شده بودند بعد از ۶ ماه جنرل [illegible] صاحب بهادر

در شهر پشاور

[illegible]

ملک مشکی

در شهر پشاور ملک بیری و ملک مشکی هر دو را طلب نموده بود که
صلح کرده شود ملک مشکی انکار کرده نرفت و بیری ملک
بمعه چند نفر بطور جرگه نزد جرنیل صاحب حاضر آمده میان بمعه یلی صلح
نمودند همان روز پیرش از خان جمعدار شد و انعام داده
رخصت نمودند و مورخه ۱۰ ماه اکتوبر ۱۸۷۹ ع فرنگیان
جهت محاربه امیر شیرعلی خان والی کابل لام بسته بودند و تمام
افواجها بالا رفته بودند و جرنیل رابرتس صاحب بهادر کمان افغانستان
بود و جرنیل محمد جان کابلی برابر دو نیم سال همراه انصارین جهاد
کرده بودند انصار را در شیرپور قلابند نموده بودند برای محمد جان نوشته
بودند بیا همراه مایان صلح کن و تاج و تخت کابل سرکار ترا می
بخشد محمد جان قبول نمیکرد و از اوسط سردار عبدالرحمن خان سردار را
طلبیده و کابل برای بخشیده واپس مراجعت نموده بودند مورخه
۱۸۸۰ ماه فروری سردار یعقوب خان را نظربند نموده بطرف
کوه شمله روانه نموده بودند و میجر ملوین صاحب بهادر در بندنامی
لام کابل از نوکریات تبدیل شده در لاهور نزد برادر خود در قصه بار دیگر
بر عهده اشتنی مقرر گردیده در دیره غازی خان فرستاده

Marfat.com

شده بود همدرانجا فوت گردید مورخه ۱۱ محرم ۱۲۴۲
هجری سردار رنجیت سنگه شهر ملتان همراه خانصاحب شاه نشان
مظفر خان محاربه نموده ملتان را در تصرف خود درآورده بود مورخه
۱۵ شعبان سنه ۱۲۶۳ هجری انصاریین همراه سیکهان محاربه
نموده لاهور را در تصرف خود درآورده بودند ۱۸ محرم ۱۲۶۴
هجری همراه سیکهان محاربه کرده شهر ملتان را در تصرف خود
درآوردند مورخه ۱۱ جنوری سنه ۱۶۱۲ ع باجازت سلطان
جهانگیر شاه در ضلع صورت و احمدآباد دو دکان فرنگیان تیار
شده بودند ۱۵ نومبر سنه ۱۶۴۰ ع باجازت راجه مدراس
بطور قلعه کوهی یعنی بنگله فرنگیان تیار نموده بودند و نامش فورت
سینت جارج نهادند و همدران ایام باجازت سلطان شاهجهان
بادشاه میان بنگاله کوٹهی انصار تیار کرده شده بود و در آن زمان
بمبئی در قبضه پرتگیزان بود چونکه شاهزادی اوشان همراه چارلس
نام شاهزاده انگلستان شادی نمودند در جهیز وی آن مکان
وارده شده بود مورخه ۱۸ اکتوبر ۱۶۶۸ ع بمبئی حواله کمپنی
کرده شده بود مورخه ۲۱ جنوری سنه ۱۶۸۷ ع در عهد عظیم الشان

صوفانی

marfat.com
Marfat.com

سوتانتی و کلکته و گویند پور این هر سه اضلاع در سلک
تسخیر فرنگیان در آورده آمدند مورخه ۲۵ مارچ سنه ۱۶ ۶۱۷ع در
کلکته فرنگیان قلعه تیار نموده‌اند و فورت ویلیم نام وی نهادند بلکه
سی و هشت اضلاع را در سلک تسخیر خود در آورده‌اند و بر کناره
کاره مندل دوکانهای سوداگران فرانسیس بودند فرنگیان
دران مقام دوکانهای خود تیار کردند ازان روز سلطه عناد در خاطر
فرانسیس پیدا شده بود و دیرینه دشمن یکی را دیگر امداد میداد بادشاه
فرانس خواست که تورنه نظام الملک مظفر جنگ نام را
صوبه دکهن مقرر فرماید و جیتش راجه رام چندر صاحب بهفهنی
کرناتک نام را نواب سازد و بادشاه انگلستان
خواست که فرزند نظام الملک ناظر جنگ نام را صوبه دکهن
و محمد علی خان را نواب کرناتک سازد و درمیان آن هر دو
بادشاهان جنگ جدل واقع شده بودند چنانچه یازده کرت محاربه نمودند
مگر در آخر سلطان فرانس را شکست رو داد فرانسیسی فراری خسته
گردیدند و بسیار دیار در علاقه مدراس در تصرف صاحبان انگریز در
آمدند اندرین اثنا سراج الدوله صوبه بنگاله فوج کشی نموده همراه
فرنگیان در کلکته محاربه نموده قلعه اوشان مفتوح کرده جمیع اسباب

marfat.com
Marfat.com

تجارت اوشان را غارت نمودند ابسید صاحبان بر کشتی
سوار شده فرار کردیدند در سنه ۱۷۵۶ع یکونیم صد نفر انصارین که
هردام صیاد گرفتار گشتند و آن اسیران را در مکان تنگ محبوس
نموده بودند وقت صبح که دیدند صرف پنجاه نفر زنده برآمدند و
صد نفر بباعث گرمی هلاک شده بودند چون که این خبر بسمع
کرنیل کلائیو صاحب بهادر مدراس واله رسید فورا فوج جرار
گرفته بجلدی تمام دوادو در کلکته وارد شده محاربه نموده قلعه خود را
مفتوح ساخت بعد از فتح کلکته مخالفان نواب صاحب نزد کرنیل کلائیو
صاحب بهادر آمده سلام کردند بصلاح اوشان در میدان پلاسی
جنگ فریقین واقع شد سه شب و روز محاربه گرم بود بروز چهارم
نواب صاحب شکست خورده رو بفراری نهاده با همه سه صد سواران
گریخته رفت سوم روز در راه محل خود نواب سراج الدوله شهید
شد و بعد از وفات وی میر جعفر شاه بجای آن نواب کردیدند
و در بنگاله کار روائی میکردند و بعد از سه سال بباعث وعده خلافی
انصارین او را معزول نموده ۱۱ جنوری سنه ۱۷۶۱ع میر
قاسم علی خان داماد وی را بجای وی نواب بنگاله مقرر
ساختند چونکه نواب صاحب خورسند به حقوق سوداگری اوشان

را ضبط نماید

marfat.com
Marfat.com

را ضبط نماید این خبر بسمع کمان افسر صاحب بهادر رسید ازان
باعث فیمابین اوشان جنگ واقع گردید یازده یوم کارزار
حرب گرم بود آخر الامر نواب صاحب شکست خورده فرار گردید
۱۲ اسر جنوری سنه ۱۷۶۵ باهم لاچاری میر جعفر علی خان را بر عهده
نوابی بنگاله سرفراز نمودند و شاه عالم بادشاه ثانی دهلی و نواب
شجاع الدوله لکهنو برده همراه میر قاسم علی خان نواب بنگاله
امداد نموده همراه انصارین محاربه نموده بودند الله آباد و لکهنو برده
را انگریز در سلک تسخیر در آوردند نواب شجاع الدوله مبلغ
لاکه روپیه حرجانه انگریز را داده نوابی خود باز گرفت و بادشاه
هند صوبه بنگاله و بهار و اوریسه بر سه دیوانخانه را سپرد
انگریز نمود و آنچه برای نام صوبجات دهلی شمرده می شدند و
اندران هر جا را که انگریز فتح نموده بودند آن همه موضعات
در قبضه اوشان بحال ماندند مورخه ۱۵ اسر نوبمبر سنه ۱۷۶۴
سلطنت صاحبان انگریز در مملکت هند شروع گردید و این خبر
بسمع بادشاهی انگلستان رسید که بسیار دیار هندوستان
کمپنی در تصرف خود در آورده است مورخه یکم جون سنه ۱۷۶۵
در انگلستان پارلیمنت یعنی امرا و وزرا و شروفی بر سه

Marfat.com

فریق جمع شده جرگه نمودند و براین سخن قرار دادند که از جانب
بادشاه یک عدالت مقرر کرده شود و سوپریم کورٹ نام او
نهادند و تمام امورات ملکی و جنگی رپوٹ کرده وزیر را داده
شود و وزیر بخدمت بادشاه خود رساند و تمام مملکت را ۴ عدد
حاطه اول بمبئی حاطه ۲ مدراس حاطه ۳ بنگاله حاطه ۴ و پنجاب حاطه
بر هر چهار حاطه یک گورنر جرل بهادر از جانب شاه انگلستان مقرر کرده شد
بمنظوری سلطان انگلستان گورنر جرل بمعه کونسل مقرر شدند
اول گورنر جرل بهادر وارن هیسٹنگ مقرر شده بود در عهد
وی کمپنی بسیار تنگ حال بود بلکه تمامی رؤسای هندستان از
وی ناراض بودند مملکت جنوبی سوای کرناٹک شمالی مملکت
نظام الملک داده بود که وقت بوقت سرکار همراه من امداد
خواهد کرد بصلاح نواب حیدر علی خان ریاست راجه جونپور در
تصرف خود در آوردند وارن هیسٹنگ نواب حیدر علی خان
را شکست داده بلکه مردمان مرهٹون را هم زده واپس نمود
و بمعرفت نواب آصف دوله سکنه لکهنو زمینداری بنارس
حاصل نمودند مورخه ۱۶ جنوری سنه ۱۷۸۶ع لارڈ کارنوالس صاحب

گورنر جرل

گورنر جرل آمده بودند همراه نواب سند حیدرآباد و نواب
لکهنو صلح نموده از سر نو عهدنامه تحریر نموده حواله اوشان نموده بودند
و همراه ٹیپو سلطان محاربه نموده بودند و نظام الملک رفیق
سلطان بود درمیان آمده صلاحیت فریقین کنانیده بسیار
ملک پیشوای سرکار والاتبار نمود مورخه ۱۱ اکتوبر ۱۷۹۳
و به ولایت تشریف فرما شدند و بعد از وی سرجان شور گورنر
جرل بجای وی آمدند و همراه هریک صلح نمود تمامی رعایا
از وی راضی و خوشدل بودند ۱۸ ماه اکست
سنه ۱۷۹۸ع آنصاحب والاشان در ولایت رفتند
و بجای وی لارڈ مارنگٹن صاحب که معروف مارکویس ولزلی
گورنر جرل مقرر گردید و همراه ٹیپو سلطان جنگ نموده بود
و قلعه سری رنگ پٹن مفتوح گردید و ٹیپو سلطان کشته
شد ۲۵ سنه ۱۷۹۹ع ریاست میسور حواله
راجه قدیم آنجای کرده شد و بعد از آن همراه نواب لکهنو عهد
و پیمان جدید کرده شدند نزد خود فوج انگریزی نگهداشت
و ملک شرقی دوابه بعوض بعضی مواضعات سپرد انگریز نمود

marfat.com
Marfat.com

وبعد از آن همراه راجه مرهته سردار سیندهیه جی و راجه راگهوجی
سلفه بهوسله برار محاربه نموده طرف جنوب گورنر جنرل ولزلی
صاحب بهادر ظفریاب گردید و بجانب شمال لارد لیک صاحب
بهادر فتح یاب شده دوابه غربی و دهلی و آگره انگریز در سلک
تسخیر در آوردند از جانب مشرق از دریای گنگ گرفته سوی
مغرب تا به گجرات تسلط شده تمام علاقه پنجاب محاربه نموده
قوم سکهان را نیست و نابود کرده تمام ملک را لارد لیک
صاحب بهادر در سلک تسخیر در آورد لیکن حساب مال و اسباب
سکهان فوجی انگریزی غارت نموده بود و بعد از صلح ملک
پنجاب حواله سکهان نمودند مورخه ۱۱ جنوری سنه ۱۸۰۵ ع
لارد کارنوالس صاحب بهادر گورنر جنرل بار دیگر در هندستان
رونق افروز گردید و در عهد وی امن و امان بود لیکن بقضاء
الهی آن صاحب فیاض زمان فوت شد و بعد از وی سر جارج بار
لو صاحب بهادر گورنر جنرل بجای وی قائم مقام گردید مورخه ۱۲ ماه
نومبر سنه ۱۸۰۸ ع . لارد منتو صاحب بهادر گورنر جنرل در هندستان

وارد گردید

marfat.com

Marfat.com

وارد گردید جهت دفع نمودن مردمان فرانسیس بسیار سعی و کو
شش کرده کلان جهاز تیار کنانیده بی شمار فوج خود سوار
نموده بطرف جزیره فرانسس روانه کرد و در آن جا رسیده
اول فرانسس و بعد ازوی جزیره موریشس و بعد ازوی جزیره
جاوا که بسیار وسیع تا پوسنت هر سه را مفتوح ساخته ظفر
یاب شدند مورخه ۱۸ اسر اپریل سنه ۱۸۱۳ ع مارکویس
هیستنگ صاحب بهادر گورنر جنرل در هندوستان زینت افزا
گردید بباعث بی اتفاقی لارد منتو صاحب بهادر در علاقه
هند هر طرف فساد برپا نموده بودند چنانچه بجانب شمال
مردمان گورکه بدنیت شده بودند از انو وسط فوجی انگریزی
کوهی نهاله قطع نموده بسیار ملک گورکه در تصرف خود در
آوردند و بطرف جنوب قوم پنداران با مداد مرهته گان
فساد میکردند هلاک شدند و اندرین اثنا راجگان پیشوا
پور و ناگپور خودسری اختیار نموده بودند مورخه ۱۱ سر ماه مارچ
سنه ۱۸۱۹ ع بود و راجگان در دام انگریز اسیر گشتند
بعد از آن سرداران اوشان بمراد انگریز جنگ نموده بودند
مگر مراد اوشان حاصل نشد شکست خورده رو بفراری نهادند

marfat.com
Marfat.com

و ملک آنها را سرکار در سلک تسخیر درآورد و بعد از صلح پونا
و قدوری ملک مرهته کان گذاشته دیگر جمیع آن علاقه را #
انگریز اولاد راجه سیواجی راجه ستاره واله را بخشید
و آنچه راجه ناگپور آپا صاحب از جیلخانه سرکار گریخته رفته بود جاگیر
وی را سرکار فوراً به راجه سیواجی را دادند و سرداران قوم
راجپوت را سرکار در حفاظت خود نگهداشت که به تدبیر
اوشان تمام هندستان مطیع و فرمان بردار انگریز گردیدند
مورخه ۱۵ر جنوری سنه ۱۸۲۲ ع لارڈ هیسٹنگ صاحب بهادر
گورنر جنرل در هندستان آمده بود مورخه ۱۱ر می سنه ۱۸۲۴
عیسوی در ملک برهما انگریز جنگ شروع کرده بود و فوجی
انصار بمقام رنگون رسیده در مقام اوا آرام کرده بود
ند مورخه ۲۵ر جون سنه ۱۸۲۶ ع راجه برهما آسام و
اراکان و تناسرم این هر سه صوبجات انگریز را داده
صلح نموده بودند و بعد ازان سال چهاونی بهرتپور شکسته
شده بود مورخه ۱۲ر نومبر سنه ۱۸۲۷ ع لارڈ ولیم بنٹنگ
صاحب بهادر گورنر جنرل در هندستان رونق افروز گردید و وی در

ع صفحه پنج

marfat.com
Marfat.com

عرصه پنج سال بسیار سخنان فائده مند کرده بود و انتظام مملکت
بطریقه شائسته تجویز فرموده بودند و رواج ستی شدن را وی
موقوف گردانیده بودند ۵ جنوری سنه ۱۸۳۶ع لارڈ اکلنڈ صاحب
گورنر جنرل هندستان آمده بود جهته نه آمدن روسیان همراه
افغانان جنگ و محاربه میکرد و بعد از آن محاربه همراه مردمان
چین نیز خصومت نموده بود ۱ جنوری سنه ۱۸۴۲ع بلوه
افغانستان برپا شده بود بسیار فوجی انگریز قتل شده بود بعد از آن
لارڈ ایلنبرا صاحب گورنر جنرل از ولایت در هندستان آمده همراه
افغانان و همراه مردمان چین صلح کرده بودند راجه گوالیر بر انگریزه
فوج کشی نموده بود اما در آخر بزار جه شکست افتاد رانی وی
همراه انگریز صلح نموده ملک خود را در حفاظت نگهداشته بود
۲۵ دسمبر سنه ۱۸۴۵ع در عهد گورنر ایلنبرا صاحب در ملک سند قوم
سرداران قوم بلوچ انگریزان را نقصان رسانی کرده بودند گور
نر جنرل نپیر صاحب بهادر او شان را شکست داده جمله تمام بلوچستان
را در سلک تسخیر آورده داخل عملداری سرکار گردانید لیکن بعد از
شش سال آن علاقه بلوچستان در بمبئی حاطه شامل شد
و بعد از وی لارڈ هارڈنگ صاحب گورنر جنرل در هندستان آمده

Marfat.com

بود آنصاحب پیر و بسیار دانا دور اندیش بود باین اراده از و
لایت در این ملک خود را رسانید که همراه روساء هندستان
صلح نمود و مفسدان را تنبیه و تادیب میداد اندران اثنا
سیکهان در ملک پنجاب فساد برپا نموده بودند بامر لاچاری
هارڈنگ صاحب برای سیکهان فوج کشی نموده بمقام فیروزآباد
و مدکی و بدووال و پهلور و امرتسر و لاهور و جهلم هفت جا
سیکهان را شکست برشکست انگریز داده فوج سرکار
در میان لاهور مقام کرد لاٹ صاحب به کمال فیاضی بر حال زار هر یک
رئیس نظر التفات و بنده پروری داشته جمیع مفسدان
را دفع نموده بار دیگر حکومت ملک پنجاب سیکهان را داد
و در آنوقت بعوض خرچ جنگ بست دوآبه ستلج و بیاس هر کا
در تصرف خود درآورد و در لاهور رزیڈنٹی مقرر کرده شد
هارڈنگ صاحب بعد از فتح پنجاب عهدنامه جدید نوشته حواله
شاه اوده کرده شد و بسیار امور نیکنامی کرده بودند چنانچه نالم گنگا
و بنیاد سررشته تعلیم دیهاتی همون صاحب پخته کرده بود ۱۲ مارچ
سنه ۱۸۴۷ع لارڈ ڈلهوسی صاحب در هندستان آمده بودند
در عهد وی بباعث سرکشی سیکهان ریاست اوشان نیست
و نابود کردید

Marfat.com

و نابود گردیده در تمام پنجاب عملداری انگریز گردید از جنوری
سنه ۱۸۴۸ ع همراه راجهٔ برهما جنگ سرکار شده بود
رنگون و پیگو این هردو صوبه بدست انگریز در آمدند از آن
ایام تا الحال فوج سرکار در آن جا ملک متعین اند از
مارچ سنه ۱۸۸۵ ع انگریز جهة جنگ برهما لام بسته بود
بدانکه برای انتظام امور هندستان دو نوع حاکم اند
مقرر اند یک ناظر و دیگر عامل و ناظر آنست که در انگلستان
میباشند و آنها نیز دو نوع میباشند یک جمله در دست
که او را سرکار کمپنی بهادر میگویند و دویم ارکان بارگاه سلطانی
است و در جماعت کمپنی بهادر بسیار مردمان اند لیکن از
آنجمله بیست و چهار نفر ناظم مناظم امور است اند که بغیر منظوری
اوشان تجویز امرا قطع نمی شود و اوشان را صاحبان کورت
آف ڈائرکٹرس میگویند به جمیع حکام بحضور اوشان مقرر
می شوند مگر گورنر یعنی مدار المهام و کمانڈر انچیف یعنی
سپاه سالار به منظوری بادشاه تخت نشین مقرر می شوند
و یک حاکم اعلی است که بخطاب بورڈ آو کنٹرول ملقب است

Marfat.com

از جانب پادشاه مقرر است که نوشت گورنمنت هندو
گورت آف ڈائرکٹرس همه جهة ملاحظه وی فرستاده می شوند
و در میان هندستان تمام اختیارات علاقه خود بانتظام گورنر
بمع کونسل فیصل می نمایند و بر جای که کونسل نیست در انجا
گورنر بذات خود کار روائی میکنند و بر جمله گورنران یک
گورنر جنرل مقرر است و برای کونسل هندستان صاحبان
اعلی رتبه انتخاب کرده میشوند و جهة کار عدالت
از ولایت از خاندان اعلی و اهل قلم و نوجوان مقرر کرده می
شوند و درجه بدرجه بمراتب میرسند و در بنگال حاطه و
در مدراس حاطه و در بمبئی حاطه و در پنجاب حاطه در
این هر چهار حاطه پریسیڈنسیون یعنی در هر یک حاطه فوج
متعین است از ان فوج گوره و هندستانی و افغانی
بسیار اند مگر سرداران شان اهل فرنگ میباشند
و در تمام هندستان فوج دو نیم لاکه خواهد بود دو نیم لاکه
فوج مدراس و بمبئی خواهد بود لاکه پنجاب حاطه تمام ۴ لاکه
فوج سرکار در چهار حاطه میباشد از تواریخ نقل کرده شده

marfat.com
Marfat.com

در سنه مذکور صاحبقران امیر تیمور گورکان مظفر و منصور
[illegible] برات را بطرق مصالح رفته و ملک را بفریب از [illegible]
مقید نموده در سمرقند فرستادند ۱۵ ماه رمضان سنه ۷۸۵
هجری آن ملک را با اکثر اولاد و اقربا بدرجه شهادت رسانیدند
العزت والملک والبقاء الله الملک الفرد المجید و از اکابر اولیاء
و اعظم العقبا که در زمان ملوک کرت بفردوس اعلی شتافتند
و یکی پیر کامل و مکمل همدانی شیخ رکن الدین علاء الدوله قدس
الله سره العزیز است و والد بزرگوار آنحضرت که از ملوک سمنان بودند
ست که در نسخه شریف حضرت شیخ صاحب در نظر جامع این
اوراق رسیده که در ذیل کتابی باین عبارت ثابت نموده
بودند بخط الفقیر الی الله الغنی ابو المکارم احمد بن محمد بن احمد
که به بیابانکی معروف با علاء الدوله بود سمنانی بودند و والد
و والده آن شیخ صاحب از اعاظم سادات حسینی بودند
و حضرت شیخ صاحب پانزده سالگی بخدمت سلطان
وقت شغل گرفت که غازان خان با اعداء محاربه بود و در [illegible]
جذبه رسیده که ترک ملازمت او نموده در بغداد شریف
۲۵ ماه ذو الحجه سنه ۶۸۸ هجری در ملازمت شیخ نور الدین
عبد الرحمن رسیده که وی از اصحاب شیخ جمال الدین
احمد جورقانی است و وی از اصحاب شیخ رضی الدین علی

لالا

حالات قدس الله سره العزیز و بوقت مراجعت از حجاز در
سنه ۶۸۹ هجری اذن ارشاد یافت و در خانقاه سکاکیه
شانزده سال چلهها کشیده بودند و ولادت آنحضرت ۱۱ ماه ذوالحجه
سنه ۶۸۹ هجری بود — در شب جمعه ۲۳ ماه رجب سنه ۷۳۶
هجری ندای ارجعی الی ربک راضیة و مرضیة شنیده از جامع گلزار
او کیل بجوار قدس العلی انتقال فرموده بودند و صحبت در
حضرت خواجه خضر علیه السلام بوده که از آن حضرت احادیث
نقل فرموده بودند و تفصیل حالات و حکایات خواجه خضر صاحب در
عروه نوشته اند روزی یک شخصی بر شیخ اعتراض کرد که
اینکه علاء الدین فلان که هندو مرد ظالم و بدمذهب و عوان است
تو او را چرا ارشاد میکنی شیخ فرمودند که [illegible] خود دعوی
دین اسلام میکنند از جهودی یا ترسائی و یا انصاری و یا یهودی یا هندوی
پیش من آید من او را بطریق حق ارشاد کنم و سعی خود از حق
دریغ ندارم تا که وی در سلوک خود را مشاهده کند که کدام
دین کامل است و با اضطرار بعقل تابع آن دین گردد و مرا بخوبی
معلوم است که هفتاد هزار حجاب اند که هر بنده با نها محجوب
است اگر کسی لا اله الا الله آدم صفی الله بگوید در ریاضت
شد هزار حجاب رفع شوند و اگر نوح نبی الله گوید بیست هزار حجابها مرتفع ۷ ازور

و [illegible] ابراهیم [illegible] خلد الله

ملک ... موضع ... بیهاو لنگر کوها...

و از ابراهیم خلیل الله گویند شصت هزار و از موسی کلیم الله گویند
پنجاه هزار و از عیسی روح الله گویند شصت هزار تا که لا اله
الا الله محمد رسول الله گویند یازده دیگر رفع نشوند لیکن ترسایی
پیش من سلوک خواندند او را مرتبه مرتبه و مقام بمقام عبور نموده
بیاوردم تا بآنجا رسانیدم که بند بند شکسته و هرچند جهد کردند هیچ یکی نه
کشاید چون که وی تا بآنجا بر سخن من اعتماد کرده بود و در هر
مقامی که او را گفتم باز گشتم که بالاتر از این مقام چنین و چنان
است جهد کن تا بآنجا برسی چونکه بآنجا رسید و آنچه من
گفته بودم بعینه دیده شد چون که حجاب ششم هزار بماند
او را گویم که این حجاب [illegible] رفع شود به محمد رسول الله ایمان باید
آورد و محمد را شمال ایمان آورد روزی فرمود عجب حال است
که بارین حال پادشاهان چگونه [illegible] که بهیچ مغرور شده اند
و کر و فر عظمتی را از خود بنیاد کرده اند تا که آن شهر و اقلیمی را
بتغلب گرفته اند و چندان از [illegible] عظمت و نخوت میکنند
و قیاس [illegible] آن [illegible] و آن بیچاره گان نمیدانند که بزرگی ملک
خداییست [illegible] دل بنده گان او را نمی
اندیشند که کره خاک نود و نه هزار فرسنگ است و ربع
مسکون [illegible] و چهار هزار فرسنگ و از آن ۲۳...

هزار فرسنگ پیداست که چه معموره پیداست و از معمور و عالم
معلوم شد که هر پادشاه را چند ملک باشد و این کره زمین گرد و
نه هزار فرسنگ است و افلاک را بلند و جرم آفتاب که در
فلک خود قرصه چند بیش خود نمی ماند چهل هزار کره خاک است
و بزرگی هیکلش بین که آن فلک را چند باشد باز آن فلک
را با شش فلک دیگر جنب فلک و در جنب فلک
و ثوابت که استار ذات البروج است همچون گوئیست
در صحرا و افلاک ثوابت بفلک اند و زمین در جنب کرسی
همچون خشخاش است و بر دریای کرسی و ما دونه در جنب
عرش همچون حلقه ایست که در بیابان افتاده باشد چنانچه
حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که این همه
که ذکر رفت وقت باشد که بنده بنده خدا این کار را مشاهده
کند در جنب دل او کمتر از دانه خشخاش بوده باشد و آن همه را
در صحرای دل خود بعینه مشاهده ببیند همچون دانه خشخاش که در
بیابان افتاده باشد پس خورد تر از دانه خشخاش که همه آن
بیابان چنین شود فرو رفته باشد و این همه در صحرای دل هیچ
چیزی باشد مشغول نکند و فرو نگذارد فتبارک الله احسن
الخالقین و اینچنین دل همه کس را راست و حق در همه دلها ان
و این وسعت تعیین نموده اما بعضی چند روند و در آن صحرا را
در گشایند

بافزایند

بلند گردند و بعضی از آن غافل مانده اند و حجاب ایشان میشوند و مد
روزی امیر ارغون خان شیخ را گفت که تو برای دل من با من
باش که ولایت من ترا دوست میدارد و هر چه میخواهی ترا بدهم و
مجلس مرا بکام تو پسند ندارم شیخ فرمود که ربع مسکون
بیست و چهار هزار فرسنگ است و این ملک تو هزار فرسنگ خواهد
بود لیکن چون نیست و سه هزار پادشاه دیگر هستند و ۲۳ هزار
ملک دیگر همچنین باشند گفت باشد فرمود که اگر خدای تعالی بفر
ماید که این ۲۴ هزار فرسنگ را بتو میدهم چنانچه مجلسها تو
منازعت نباشد و هزار سال عمر ترا باشد و چون بمیری ترا
ببهشتم و در بهشت در آورم من ترک این لذت نه دارم
کرم و آن مجموع نپذیرم تو مرا چه خواهی داد و خواجه قطب
الدین یحیی نیشاپوری قدس الله سره العزیز جامی بوده ۱۱ جمادی الآخر
سنه اربعین و سبعمایة هجری از گلشن هزار فانی بوحده
در ریاض ملک معبود غنوده که در علوم ظاهری و در احوال باطنی
موصوف معروف بودند و در صحبت شیخ رکن الدین
علاء الدوله و شیخ صدر الدین اردبیلی و شیخ شرف الدین
و در زمان بهره یاب شده بودند و هفت بار حج گذارده بودند
والده وی بنت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن
شیخ شمس الدین مطهر بن شیخ معین الدین ابی نصر احمد

Marfat.com

در اینجا بیان عربست

جامی ست قدس الله سره العزیز بود بدانکه بقول
مورخان عدنان را دو پسر بودند عدو ـ معدو ـ و معد را ـ
هشت پسران بودند اما این چهار نفر از آنجمله مشهوراند قضاعة
و قیص و ایاز و نزار و کنیت معد ابو قضاع بود و کنیت
نزار ـ ابو ربیع بود ـ و آنچه مضر ست وی بر دین اسلام
بودند زیرا که از ابن عباس رضی الله عنه مرویست
که مضر بر دین حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام بودند
و وجه تسمیه اش که مضر ست لانه [illegible] اورا مضر میگفتند
که روزی غلام خود را بسیار سخت ضرب زده بودند چنانچه
آن بیچاره غریب از ضرب مضر الم یافته چند یوم بیمار افتاده بود
[illegible] ملقب بمضر او شدند و روزی [illegible]
دویده بود و اورا یافته و گرفته [illegible] آورده بود [illegible]
و اجداد با فخر و ده بودند بدانکه نضر بن کنانه [illegible] مدرکه را
قریش از آنجا گویند که در ابتدا [illegible] ملکره را زعم آنها بود که
اهل قریش با یان [illegible] و فرزند [illegible] نضر را قریش میگفتند
روزی میان [illegible] [illegible] سخنان میکردند قضا کار
فیما بین آنها خصومت واقع گردید و [illegible] بجذب
سید الانبیاء صلی الله علیه و سلم حاضر آمده که آنحضرت سوال
نمودند

marfat.com

Marfat.com

خیل و حد شمالی از کوهی بونه تا به نالی آب که زیر دامن سنگیر واقع
است بر حد خود پیر کمال از کوه بونه مدفون اند و سه
قبور منصور خیل پیر سنگیر بر سر حد خود مدفون اند و حد جنوبی
پیر جلال تا به کناره جوی خورد لجی و قبور والد بزرگ پیر نو بهار اند
و پدرش پیر صدر الدین است که زیر دامن قلعه کولات نزدیک
به خلوتخانه حضرت حاجی بهادر صاحب کوهاتی مدفون اند
و این اراضی چهار باغ که در تصرف قوم منصور خیل است
در اصل ملکیت قوم ملکمیر است چنانچه قوم سنفدر خیل [illegible]
این زمین میکنند بدولت عالیجاه حشمت و شوکت دستگاه
مهربان دوستان خان شیرخان در ضلع پشاور در خاندان ممند
شادی خود کرده [illegible] را در خانه خود می آوردند چون که
چوپانان بی بی نور نسان در چهار باغ رسید جمیع زنان منصور خیل
جهت استقبال آنها از خانهای خود برآمده چند قدم پیش
آنها رفته اعلی [illegible] دادند و بعد از آن در پیالها زده غزل
خوانی آغاز کردند و خوب وجه شادیانه بجا آوردند چنانچه
بر [illegible] و شوهر از او شان خوشنود شدند و بعوض آن
خوشنودی همین زمین چهار باغ با و شان بخشیدند این

۷ مکراوشان [illegible]

همراه آن والاشان تا به [illegible]
ان عروس شوهر الکعت [illegible] بده
رسید چه مرخو اهید او شان عرض نمودند
[illegible] عطا شود در حق شما دعا کنیم
[illegible] تا به اتصال [illegible] زمین [illegible]
و بخشش نامه نزد خود سند دارند.

سخن راست و درست است اما در اصل این زمین منصور
خیل بود بذریعه [illegible] خالصاحب عنایت فرموده بودند لیکن
از آن ایام باعث غلبه این زمین چهار باغ را بزور بازوی خود قوم
سلندر خیل در قبض خود در آورده بودند و منصور خیل بیدخل شده
بودند سفید ریشان گفتند که بخشش جد بزرگوار ایشان واپس
گرفتن مناسبت ندارد (از شرمندگی) باز دیگر همین زمین چهار باغ را حواله
قوم منصور خیل کردند (بودند) با وجود این خاکسار بچشم خود کواغذات
همه چلغامه قوم ملکمیری را ملاحظه نموده بود فی الحقیقت همین
زمین چهار باغ در آن مندرج بود - از در این باب مردمان
پیرخیل سخنان (نیک و بد) بیش و کم کنند بر قول ایشان هرگز یقین و
اعتبار نباید (کرد) چرا که از جانب خود وجوهات (کذب) تیار کرده اند

شجره عالیه قوم منصور خیل الحال به پیرخیل مشهور اند

پیر منصور بن پیر محمد عمر بن پیر سیاب (ابن پیر زاهد بن پیر بابا) بن پیر ابابکر بن پیر اسماعیل (بن پیر خلیل) بن
بن پیر شاه مست بن پیر شکوه حسن (بن پیر محسن) بن پیر جلال الدین بن
پیر شمس الدین بن پیر صدر الدین بن پیر منگی بن پیر جنگی
بن پیر آمر عیسی بن پیر محمد علی بن پیر تورا بن پیر جورا
ابن پیر خشکبانی بن پیر کرلانی بن [illegible] از کتاب آخون درویزه بابا

رحمة الله

شجره
پیر خیل
پیر معظم شاه

marfat.com
Marfat.com

ملکم پس گذشته

... و عظمت خان بودند آورده اند که در زمان محاربه قوم

... و قوم بازید ... خان بعمه قبایل در حوالی قریه متوجه

... بودند و شمیان میر طاوس خان و میر

... برادر ... جهه امداد قوم بازید ... قوم درانی

... رسیدند در ... کوهات حاضر بودند و در آن وقت قوم

... بعمه دیگر از اولوس ... بودند و قوم بازید ...

... بودند و ... لشکر درانی ... ملک عزیز الله

... رحمة الله خان و ملک شهزاده خان و ملک سعادت

بودند اول ... قوم بازید غالب آمده ... را شکست داده

... تا بجدی ... خوف رسانیده بودند اندران حالت جماعه

... نامردی میر طاوس خان را غیرت آمده جمعه ...

... ملک عزیز الله خان و غیره پیغام فرستاد که علی الصباح بار

مقابله همراه مایان ... باید بروز دیگر جنگ بر دو قوم شروع شده

... پانصد ... قتل کرده بودند تمام زمین ...

... کال ... درانی شکست خورده

... زیاده ... بودند تا جمعی ... از اوشان را زده

باید ... جنگ در آنجا موقوف نمودند و از آنجا رایات

لشکر درانی که عزیز الله خان و غیره ملکان
سوم مقابله همراه بنگشیان ... [illegible]
در خانه جرانانی ... [illegible]
غیرت نموده سوم مقابله باهمدیگر برپا نمو
چونکه
کم حوصله شدند ... اثنا عزیز الله
بدست امیر طاوس خان کشته شد
زده
کم ... شکست ازاو
معدودان ... نموده ...
[illegible]

عزل خوانان در اول ...

نصرت آیات بر ورشته و واپس مراجعت نموده ننگرلیان در
ولایت داخل شدند و بروز سیوم کوملک را مرخص نموده آراضی
این ملک فیما بین خود تقسیم کردند و بعد از انقضاء مدت شش
سال قبله گاه حاجی ام غوث زمان حضرت حاجی بهادر صاحب
کوهاتی جهت آوردن شمرانه وزیران وغیره بالا رفته بودند و در آن
اوان در کوهات آبادانی بهیچکو ویرانه بود و از آنو وسط بوقت بعت
دولتخانه قوم میر احمد خیل را همراه خود شش خانه و دو خانه صالح خیل و
چهار خانه میر احمد خیل به کوهات آورده آبادانی نمودند نصف زمین
موضع محمد جونه قوم میر احمد خیلان را و نصف دویمه زمین از نصف حصه
خود قوم صالح خیلان را مرحمت فرمودند و مالیه محمد جونه پدرم از قوم
قوم ندلورین میگرفت در آدای زر مالیه هند و هیچ نگردند
برادر قطب خان و نجیب خان و عبد الله خان و حمید الله خان
و کمال خان و جمال خان و عظم خان و ارم خان و شمس الدین خان
و شهاب الدین خان و حسین خان و یسین خان ایشان اولاد
میر طاوس خان ... شده مشهور ... خیل بوده اند
و شیر خان و میر خان و سعیدخان و مجید خان و سعد الله خان
و حبیب الله خان و فیض الله خان و منور خان و نواز خان و سرور خان

و الله یار خان

بعد از دوم سیوم ماه واقعه

marfat.com
Marfat.com

بیان احوال ... دختر محمد جان ... متولد شده اند

... سیدان که اجداد سید قاسم شاه صاحب شهید که بر ...

... در موضع جنگل خیل سکونت دارند بزرگان ما ...

... نوشته اند که سید چراغ شاه و سید ... شاه هر دو برادران ...

... مکید توجیده در عملداری عالیجاه معلی جایگاه مظهر الطاف ...

... منبع الجود والاحسان خان صاحب نواب خان در ...

... رونق افروز شده بودند قوم منصور خیل نصف ...

... از اراضی سید صاحب را بخشیده اند و تا الحال قابض اند

در بیان احوال قوم شنواری که بجنگل خیل مشهور اند و بر ...

... سکونت پذیر اند که اولاد جانداد خان میباشند در ...

... مسطور است که جانداد خان بعمر ۵ سالگی بباعث خوف ...

... از ملک ... فرار شده بخدمت پیر صدر الدین ... پیر ...

... رسیده در کوهات بماند و بعد از مضی ... سال

... جانداد خان نزد پیر صدر الدین آمده دعوی نمودند که

... جانداد نام غلام زاده ما یان ... گریخته در اینجا آمده

... دعوی ... و ... کند و آن ... همراه مدعیان نمی رفت

... گفتگوی بسیار بر ... پیر صدر روپیه تصفیه نموده راضی شده اند

احوال
قوم شنواری کیا

marfat.com
Marfat.com

از وزرا نش [illegible] را نام گرفته بعد از آن یکونیم صدر زده پسر صدر الدین

باوشان داده رخصت فرموده بودند عیال [illegible] الهش بجانگه خود

برفتند چون که بعالم جوانی رسید پسر صدر الدین شادی بجانداد

نمود ایزد سبحانه تعالی جانداد خان را دو پسران عطا فرموده بودند

توری خان و محمد خان و تورا خان را پنج پسران شیر خان

ارادتخان و همت خان و خانیزمان و رستم خان و محمد خان

یک فرزند سمند خان - سمند خان را نیز یک فرزند - بود

شریف خان و خانیزمان را پنج پسران بودند شاهزمان و خانسته

خان و عظیم خان و فتح خان و عرب خان و شیر خان را سه

پسران بودند منور خان و عمر خان و شاهزاده و منور خان را

یک پسر بود عبدالله خان و شاهزمان را سه پسران بودند

دراب خان و میر خان و احمد خان و عمر خان را پنج پسران بودند

خانگل و معز الله و ملا طلب و مدت خان و بهادر خان و رستم

خان را یک پسر بود فیدائی و همت خان را دو پسران بودند

سرفراز و دراب

بدانکه اسمعیل کاکشن را سه

پسران بودند گارژه خان و گورژه خان و سابل خان و وداخ بالا

که گارژه بزبان عبرانی موضع سخت را گویند و بزبان یونانی گارژه گ

دره را گویند

marfat.com

Marfat.com

بلب دریای اتک بود وحد غربی تا به توپی شتر زدن که در علاقه کرم وا
قع ست وحد شمالی کوهات تا به ایمل چوتره که بیرون دره
واقع ست وحد جنوبی کوهات تا به بشریه که طرف جنوب
قریه لاچی واقع ست بملک بردیه نود مذکور وحد زمین توغ علیا که بمکاره
مرکب خوشال گره واقع ست جانب شرقی تا به وادی که نزدیک
قریه تورکی قوم افریدی ایان واقع ست وحد غربی تا به ناله جویالی
ویک حصه بسته به مردمان وره تیپی وحصه میروزی وحصه باکیزی
دادند هر سه طائف میان خود تقسیم نمودند

مورخه ۱۵ ماه جمادی الاول سنه ۱۲۲۱ هجری سرداران
کابل از قوم برمیران زی ودر قوم بارکزی با ستیلا رفته در تصرف
خود درآوردند وعلما وجه مجاهدین وخاندان اعظام سیادت
وروسان برای هریک خانواده علیحده علیحده جاگیر بحسب
لیاقت مقرر فرمودند بیان حالات سادات ان
ودیهات ملک کوهات به تفصیل ذیل چنانچه سیا وبندی یکی
وکمال خیل ومنده خیل وشادی خیل وکدا خیل ومرچونکی و
وخرماتو وکوت وبلی زنک ودبه جبنه وسورکل وجنی و
وگمر وبند وبر وجبی وتوغ علیا وتوغ سفلیا این جمیع -

marfat.com
Marfat.com

سالکنان بیست و یک دیهات بعضی از قوم نیازی و بعضی از
قوم آوانزی میباشند بزرگان ما این چنین بیان میکردند که نوشته
شده

بر آنکه زبدة السالکین و عمدة العارفین غوث زمان
حضرت حاجی بهادر صاحب کوهاتی قدس الله سره العزیز همیشه
براه کوته دره تنگه آمد و رفت میکردند و دران ایام بران راه
آبادانی نبود بلکه بران راه کوته خطره جان رونده میبود از آن
باعث باجازت قوم حاجی خیل و قوم مردو خیل جد بزرگوار ما
دو عالویان صد خانها از ملک پنجاب طلبانیده نصف در
موضع جبه و نصف در موضع بر انداخت تا که بر راهی کوته
آبادانی شود از آن ایام این هر دو ده آباد اند و بران هر دو
دیهات سوای چوب لنگر دیگر هیچ بیگار و چکار بر آنها
نبود چوب سوختنی ما آوردند چون که قوم دولت خیل بر قوم
برمزانی غالب شدند در عملداری عالیجاه رفیع الجایگاه مهربان
دوستان اسمعیل خان هر دو دیهات را ضبط نموده نقود و کلنک
بر آنها مقرر ساخت از آن ایام سید خیل اولاد حضرت حاجی بهادر
صاحب کوهاتی شده است

در بیان احوال ساکنان
ده توغ و ده شیخان و ده میر احمد خیل از بزرگان ما این چنین نو

ست

marfat.com
Marfat.com

ست سال [illegible] توقف از میرا توقف و [illegible] افغان شیخان سلسله
بلوسیه از [illegible] شیخان و این میراحمدخیل از بالا میراحمدخیل
آمده در کولات سکونت پذیر شده اند [illegible] سخن راست
و درست میباشد

بیان احوال [illegible] ده سوماری

در کتاب تواریخ مسطور است که سا[illegible] ده سوماری جمیع
و نیدار و [illegible] میبودند از آنوز سطه [illegible] نز ملقب بشیخ
گردیدند [illegible] عوام الناس [illegible] را شیخ میگفتند و بطور همسایه
[illegible] حضرت شیخ اسمعیل صاحب رحمة الله علیه بود و باش
می نمودند و آنحضرت اولاد نداشتند مردمان سوماری اگرچه
دعوی ولدیت آنجناب میکنند دعوی اوشان خلاف است
چراکه [illegible] کتب تواریخ مطالعه کرده شدند ذکر اوشان به نظر
نیامده البته اولاد [illegible] آنحضرت میباشند بر قول [illegible]
اعتبار و یقین نباید کرد که دروغ از خود اختراع نموده اند فقط

بیان احوال شیخ محمد یوسف صاحب رحمة الله
علیه که در [illegible] طرف شمال قریه شیرکوت مدفون اند و آن
[illegible] معلی القاب اولاد خواجه احرار صاحب رحمة الله
علیه میباشند و آنحضرت بموجب سیاحی در ملک [illegible] آمده

بیان شیخ
اسمعیل
[illegible] اولاد
[illegible] زیارت
سوماری [illegible]
[illegible]

این مرقد
در ضلع [illegible]
در علاقه
[illegible]

Marfat.com

و در این دیار سکونت پذیر شدند و بعد از مضی مدتی مدید آنجناب
فیض مآب در این ملک انتقال نمودند و در جلی مدفون گردیدند
و یک مرید صادق آنحضرت بر سر مرقد منورش بماند و بعد از مضی
مدتی مدید قوم افغانی زنرا در حباله نکاح خود در آورده و از بطن آن زن
افغانه اولاد پیدا شد این قوم شیخان زیر دامن کوه در بلوچیه
سکونت دارند اولاد آن مرید صادق که کار مجاوری آنحضرت
میکردند میباشند و شیخ محمد یوسف رحمة الله علیه شادی نه
کرده بودند مجرد بودند اولاد از شکم کجا پیدا شد اگرچه افغان
میگویند که مایان اولاد شیخ محمد یوسف رحمة الله علیه میباشیم
قول اوشان قابل سماعت نیست برزبان آنها اعتبار و یقین
نباید کرد دعوی کذبست چونکه ملک پیاله در تصرف خانصاحب
والاشان بابو خان نواسه خانصاحب مهربان معز والله خان
گردید در آن زمان حد قوم بابری تا به کناره دریای اتک بود و در
آنوقت عالیجاه رفیع الجایگاه منبع الجود والاحسان خانصاحب
خان شیر خان ابن سکندر خان حاکم کوهات بود قضا کار در
اتفاق راهی خوشحال گرد در میان تلکن و کمک کاروان سوداگران برده
سنه محمد خان بنگش داد و بلا نمودند داد رسی ایشان نکردند
شده مستغیثان بملازمت بادشاه هند استغاثه نمودند از آن

باعث ملاذمان

marfat.com
Marfat.com

باعث ملازمان شاهی نزد خان صاحب آمده اول از وران خواستند
از ورزوران نمیدهید نقصان بجام شاهی بدهید خانصاحب گفت
در علاقه من واردات نشده در علاقه خطک کاروان زده
شده آدمان سرکار بجای موقع رفته کوائف دریافت نمودند
ساکنان آنجای گفتند این ملک بنگش است مایان بطور
[illegible]یه میباشیم در اصل خطک ایم دو سه کرت آدمان
بادشاه می آمدند و باز میرفتند القصه از زبان خان [illegible]ت
برآمده بود که ملک من نیست بباعث کذب و شرمنده که
ابن نامه نوشته حواله ملازمان شاهی نمودند و آن آدمان سرکار
در تیری بخدمت عالیجاه معلی جایگاه مشفق مهربان خانصاحب
خوشحال خان رفتند ابن نامه بوی داده نقصان از وی وصول
نموده حواله مدعیان کردند از آن زمانه از طرف بنگش خارج
گردید چونکه اسمعیل خان و شهبولی خان خوانین کوهات
از دست خویشان خود تنگ آمده با مرلا [illegible] جهت امداد نزد
خانصاحب والاشان محمد افضل خان در تیری رفته بودند [illegible]
از کوهات داده مرخص فرمودند با امداد قوم خطک برسند
ایالت نشسته بودند اسمعیل خان در وجه کوهات قریه لاچی [illegible]

Marfat.com

بخشیده بودند و بعد از مضی مدتی چند قوم خټک غوریزی و
در ملک و خدرخیل ماین هر سه دیهات بزور در تصرف خود
در آورده بودند و خانصاحب والاشان نصر الله خان بن حاجی محمد خان
دولت خیل در وجه کوتک قریه رییس عالیجاه رفیع الجاه یکاه
والاشان خانصاحب خوشحال خان را بخشیده بودند که او را
بر سر ایالت کوهات نشانده بودند

بیان قوم پیرخیل

بیان احوال قوم پیرخیل سه طائفه اند
چنانچه یکی را ... خیل گویند و دویم را خلیل خیل خوانند و سویم را آفریدی
خیل گویند این هر سه قوم مشهور اند بدانکه ایشان سه
برادران بودند یک در ملک غریبه سکونت پذیر گردیدند و دویم
در قریه شنوا سکونت پذیر گردیدند و سوم در کوهات در زمین جهار
باغ سکونت پذیرفت و واضح باد که پیرشاه مست بن پیرشاه
حسن بودند و پیرشاه حسن آوال پیرخیل گشته اند بدانکه
پیر عمر همراه قوم نیاشی از قریه بلند خیل که جیده در کوهات آمده
بر کناره ناله جوکیان که زیر دامن غوندی ملاچلاک علیه الرحمت سکو
نت پذیر گردیدند و در آن وقت حصه ایشان جا تقسیم کرده بودند
ند و حد شرقی از غوندی ملاچلاک تا بدامن بالا بنار و حد غربی ایشان
تا به غوندی ... و از طرف قبله تا به مسجد خانصاحب اسمعیل خان ... حد

marfat.com
Marfat.com

رحمة الله علیه نقل کرده شده بیان احوال اولاد شیخ
نیک بخت صاحب رحمة الله علیه که در ملک سند خاص در
موضع تانک سکونت پذیر اند — شجرهٔ عالیه شیخ [illegible]
بن شیخ [illegible] بن شیخ کل [illegible] بن شیخ منصور بن شیخ
نیکبخت بن شیخ [illegible] بن شیخ کلار الدین بن شیخ علاء الدین
بن شیخ خواجک بن شیخ [illegible] بن شیخ محمد [illegible]
بن شیخ [illegible] بن شیخ [illegible] بن شیخ [illegible] بن شیخ
ادریس بن شیخ [illegible] بن شیخ [illegible] بن شیخ [illegible]

بیان ملکان [illegible] موضع [illegible] خیل که بر [illegible] واقع ست
معتبر [illegible] نامور میباشند ملک وزیر خان [illegible] ملک امیر خان
و ملک [illegible] و ملک [illegible] و ملک [illegible] و ملک قلاء الدین
و ملک غلام محی الدین و ملک جمال الدین و ملک [illegible] اند

بیان احوال [illegible] حضرت شاه عبد الله [illegible]
رحمة الله علیه که زیر دامن کوه [illegible] بطرف جنوب بر لب [illegible]
[illegible] میشود خصوصاً در موضع شاپور واقع ست
بودند که همراه سلطان محمود غزنوی انار الله برهانه هزار نفر سید و هزار طالب علم
برای [illegible] غزا [illegible] آمده بودند در [illegible] همراه [illegible] نموده
بودند تمامی شهید شده افتاده اند در عملداری [illegible]

بیان شاه عبد الله [illegible]

روزی سرافراز نام نجار ساکنه کرٹی موزرخان بخدمت عالیجاه
معلی جایگاه مظهر الطاف بیکران خانصاحب زبردست خان
آمده التماس نمود که من بخانه خود می آمدیم چونکه نزدیک
به کناره ناله کلان رسیدم ناگاه پای نرگاو در زمین فرو رفت
و بزور تمام پای نرگاو کشیدم سوراخ نمودار شد در وی که نظر
کردیم قبر بود که میتش در کفن نو بخواب است که یک تار
او ضایع نشده بود خانصاحب برخاسته و آمده آنجای را ملاحظه
فرموده مزار شریف پخته نمودند و تا [illegible] ندیدیم و در آنحضرت را
سرفراز [illegible] میکردند بودند

بیان احوال پیمانه شاپور جد بزرگوار بابایان

حضرت محمد گل صاحب رحمة الله علیه در لمعات مسطور نموده اند که
روزی صاحبزاده میان برکت الله بنوری ساکنه کرٹی موزرخان
نزد این فقیر بمعه جرگه معتبرین آمده التماس نمودند که صاحبزاده
صاحب عیال دارست و جای مدد معاش ندارند و ندرا [illegible]
صاحبزاده [illegible] شود از اوسط شما را تکلیف داده میشود که برای بنده
نورزی پیمانه شاپور بصاحبزاده عنایت کرده شود بامر لاچاری [illegible]
پیمانه شاپور بمعه اقرارنامه صاحبزاده را بخشیده شد که پیر [illegible] و
جد بزرگوار بابایان بودند محروم نداشتن مناسبت نداشت

از آن ایام

بیان پیمانه شاپور

احوال قاضیان

از قدیم الایام بهانه شاپور بنوریان صاحبزاده کان میگرفتند اول اولاد حضرت
... بهادر صاحب گرفتن بهانه شاپور و کلنگ صاحب و بونیر و
... و کاشتکار این شهر جات نیز مریدان جد بزرگوار مایان بودند
... و شکرانه ایشان اولاد حضرت حاجی بهادر صاحب میگرفتند بعد از
... مفتی محمد مرید جد بزرگوار مایان او اولاد حضرت نور صاحب رحمة الله
علیه را ... مواضع بخشیده بودند
در بیان احوال قاضیان
... بدانکه از اجداد بزرگوار مایان حضرت محمد نور صاحب رحمة الله
علیه نواسه حضرت حاجی بهادر صاحب قدس الله سره العزیز منقول
است که حافظ محمد یوسف که همراه قاضی محمد رشید مفتی بود جد بزرگوار
مایان از شهر لاهور برای امامت خود آورده بودند و کتب صحاح ...
میکردند و قاضی عزیز الله از ملک ... همراه قوم ... و در این
... آمده بود و اولادش امامت قوم ... خیل و جمعلی خیل میکردند نمودند
... نسبش معلوم نشد که از کدام فرقه میباشد و قاضی حسام الدین را
... رفیع الجایگاه مهربان قدردان خان صاحب عظمت خان از شهر
لاهور در ... آورده ... و مشار الیه از قوم ... بودند و قاضی
... دین ... قاضی کاسمدین و قاضی حسام الدین و قاضی طاهر دین
... از قدیم الایام ملایان قوم ... و قوم الله داد ... بودند
... قوم تاجک خیل میباشند و منصب قضای از خاندان سلا...
... حقیر یافته اند و ملا یار محمد والد ملا فیض الله و ملا نعیم الله از قوم نجاران

Marfat.com

منصور خیل بودند و قاضی محمد شریف از ملک پنجاب از جنگ
سیال کوچیده در کوہات آمده در میان قوم بنگش [illegible] سکونت
پذیر گردیدند از قدیم الایام در خاندان ایشان قضای بود [illegible]
واسطه قضای قوم بنگش [illegible] و قوم اللہ دادی در اینجا میبردند
و قاضی محمد شریف را دو پسران بودند ملا محمد اسلم و ملا محمد امین
و محمد اسلم را دو پسران بودند ملا معصوم و ملا شیر محمد و اولاد
ملا معصوم در کوہات اند و اولاد ملا شیر محمد در موضع کرم سکو
نت دارند و ملا محمد امین لاخلف بود اولاد ندارد —

بیان احوال واعظان کوہات بزرگان [illegible]
[illegible] کتاب نوشته اند که محمد عظیم واعظ از شهر [illegible]
[illegible] تنگدستی در عملداری سردار شکور خان [illegible] در کوہات
آمده سکونت پذیر گردید و از قوم بافندگان بود [illegible] خوب
[illegible] در کسب بافندگی میلند الاعتبار باشد
در یافت باید و محمد عظیم را سه پسران بودند محمد اعظم و محمد [illegible]
و محمد سعید و محمد اعظم را دو پسران بودند محمد اکرم و محمد اسلم
و محمد [illegible] را یک پسر بود [illegible] و محمد سعید را دو پسران بودند
محمد امین و محمد صدیق و محمد امین را نیز دو پسران بودند از

بطن دختر

بیان واعظان
لوہات مشہور
بافندگان اند
یعنی جولاہان اند

marfat.com
Marfat.com

شجرهٔ عالیه مولانا حضرت بنوری صاحب بن سید محمد اسمٰعیل بن
سید بابا ہو بن سید حاجی محمد یوسف بن سید محمد یعقوب بن
سید محمد حسین بن سید دولت شاه بن سید محمد افضل بن سید محمد سعید
بن سید قلندر شاه بن سید محمد زاہد (سکندر شاه) اولاد سید محمد علی شاه بن
سید محمد اسمٰعیل بن سید محمد ابراہیم که وی برادر خورد امام موسی
علی بودند بن امام حسن عسکری بن امام موسی کاظم بن امام
جعفر صادق صاحب بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین صاحب
بن امام حسین شہید کربلا بن امیر المومنین حضرت مرتضی علی
ابن حضرت ابی طالب رضی الله عنه   شجرهٔ عالیه سید
محمد اسحاق صاحب رحمة الله علیه بدانکه بباعث عداوت معودان
از ملک بخارا تشریف کوچیده در ملک خراسان تشریف فرما شده
در کوہستان سکونت پذیر شدند و بعد از مضی مدت مدید زنی از
قوم افغانان شیرانی در حباله نکاح خود آوردند و از بطن آن زن
سید حبیب شاه سید ملک زکریا متولد شده بود و بعد از تولد ایشان
ہفت سال آنحضرت والا شان زنده بودند بسال ہشتم
سید محمد اسحاق صاحب رحلت نمود و بباعث امر لاچاری مادر سید
حبیب یک افغانی مفلس شیرانی شوهر رفته و بعد از مضی
... ماه آن مرد که دولت مند و صاحب عزت گردید از آن

واسطه اسمش بختیار نهادند از آن روز نامش بختیار مشهور شد
سید حبیب بن سید محمد اسحاق بن سید محمد جعفر بن سید
محمد عیسی بن سید محی الدین بن سید محمد شاه بن سید محمد نور
بن سید محمد جمال بن سید محمد ایوب بن سید ابو علی بن سید
محمد امین بن امام علی اصغر بن امام زین العابدین بن امام
حسین ابن امیر المومنین حضرت مرتضی علی بن ابی طالب
رضی الله عنه   شجره عالیه مادر حضرت عیسی علیه السلام
بی بی مریم بنت عمران بن ماتان بن الیادر بن کادر بن
یهود بن اسود بن امین بن یسین بن صادق بن عادق
بن عادو بن مادو بن یاقم بن یالم بن اسود بن اکود بن
زرباد بن کرباد بن قباد بن اکاد به بیست واسطه
نسبش بحضرت سلیمان ابن حضرت داود علیه السلام
اتصال می یابد   شجره عالیه سید نعمان رحمة الله علیه که
در ملک افغانان به پیر ونکر مشهور اند بدانکه سید نعمان
بن لقمان بن سید بابا عمر شیر بن سید بابا ابو الخیر بن سید
ابو یوسف بن سید ابو نصر بن سید ابو فضل بن سید ابو الفوارض
بن سید محمد شاه بن سید محمود شاه بن سید تاج الدین بن سید

شاهزاده

marfat.com
Marfat.com

شاہزادہ ملک اصفہان بن سید کمال شاہ بن سید جلال شاہ بن
سید محمد سعید بن سید محمد حمید بن سید اسعد الله عابد بن
سید فخر الاسلام بن سید عبد السلام بن امام فضیل بن امام
موسی کاظم بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام زین
العابدین بن امام حسین بن امیر المؤمنین حضرت مرتضی علی
بن حضرت ابی طالب رضی الله عنه — شجرہ عالیہ
اخون درویزہ بابا بن اخون گدی بن شیخ سعدی بن
شیخ سندی بن شاہ جی بن شاہ متی بن شاہ درغان بن
شاہ جان بن شاہ ہیکل بن شاہ میکل بن ملک مازوخان
بن ملک مازوخان بن ملک ماندوخان بن ملک کاندوخان

شجرہ مادرش بی بی بصری بنت ملک مازوخان

بن ملک مازوخان بن ملک داودخان بن ملک نادرخان
بن ملک بابوخان بن ملک تابوخان بن سلطان خواجہ
بن سلطان تورجہ بن سلطان تومنہ بن سلطان بومنہ
بن سلطان بہرام بن سلطان کہرام بن سلطان کیجہ بن سلطان
جیجہ بن سلطان ہند بن سلطان کند بن سلطان جرجیس
بن سلطان خرخیس بن سلطان جارودی بن سلطان کہارودی
بن سلطان تموس بن سلطان شموس بن سلطان سکندر

marfat.com
Marfat.com

فصل قوتس برادر آخون گدا بابا را یک پسر بود آخون درویزه بابا علیه رحمة و آخون درویزه بابا را ۳ پسران بودند آخون عبدالله و آخون کریمداد و آخون پیر محمد و آخون پیر محمد را ۳ پسران بودند آخون سلطان محمد و آخون محمد ابراهیم و آخون محمد منصور و آخون سلطان محمد را دو فرزند بودند آخون عبدالرحمن و آخون شاهزمان و آخون عبدالرحمن را چهار پسران بودند آخون محمد غوث و آخون فردوس محمد و آخون محمد شریف و آخون محمد شفیع و آخون محمد غوث را ۳ فرزند بودند اولیا بابا - و شیخ احمد بابا و محمد حسین بابا و محمد اولیا بابا را ۳ پسران بودند محمد قریش و زین العابدین و سید گل نور و آخون محمد قریش را چهار پسران بودند آخون گل محمد و آخون مصطفی و آخون محمود و آخون ولی الله

شجرۂ عالیه سلطان سکندر ذوالقرنین بن روح بن موح بن افطر بن امطر بن ثوبان بن جوبان بن تارخ بن سارخ بن سوید بن کوید بن ارش بن مارش بن خضر بن ماسلخ بن یافث بن حضرت نوح علیه السلام

شجرۂ عالیه سید غلام رسول بن سید سید علی شاه بن سید آمیر محمد بن سید عبدالرسول بن سید وجه الدین بن سید شرف الدین بن سید شمس الدین بن

سید یحیی دهابر

Marfat.com

سید یحیی عرف ابشیر بن سید نورالدین حسینی بن سید علاوالدین بن
سید کمال الدین بن سید سیف الدین بن سید شهاب
الدین بن سید ابوصالح نصیر بن سید تاج الدین بن سید
عبدالرزاق بن شیخ عبدالقادر جیلانی قدس الله سره العزیز

بیان اقوام سادات افغان بدانکه سید محمد
از عداوت حجاج ابن یوسف از ملک خود گریخته در کوهستان
میان افغانان کرلانی و کاکریها و شیرانی سکونت پذیرفته بودند
تو خود میدانی که مردم افغان جاهل مطلق و کوته اندیش باشند
روزی از آن افغانان رنجیده خاطر شده عازم دیگر طرف
شده از آنجا روانه گردید پس هر سه اقوام هر چند عذر و معذرت
بسیار نمودند آنصاحب والاشان قبول نمیکردند ناچار
شفقه فیما بین خود ها این صلاح کردند هر یک قوم دختر خود را
سید صاحب را بدهید تا که آنحضرت نزد ما پایان بیاید آخر الامر
هر سه قوم دختران خود را بآنجناب بخشیدند بود از آن
در میان آنجا معطل شدند واضح باد که از بطن زوجه کاکری
سید مشوانی بن و از بطن زوجه کرلانی سید گردیزی و
و از بطن زوجه شیرانی سید وهنی متولد شده اند زیرا که
افغانان این هر سه اقوام سید زاده گان کاکری باشند
شجره عالیه سید محمد بن سید غوری بن سید شوری بن

احوال اقوام سادات عداوت حجاج بن یوسف از فرود گریخته

Marfat.com

سید عمر شاه بن سید اکبر شاه بن سید قاآن بن سید
عاآن بن سید قابین بن سید تابین بن سید رجال
بن سید کمال بن سید اسمعیل بن امام جعفر صادق
بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین بن امام حسین بن
امیر المؤمنین حضرت مرتضی علی بن ابی طالب رضی الله عنه

در بحث اول من خلق من المخلوق واول من البشر آدم
علیه السلام واول من الخرج من صلب حضرت آدم یوم المیثاق محمد
علیه السلام واول من حجام هو آدم علیه السلام واول قسم الکذب عزازیل
علیه لعنة واول من اذان بلال حبشی واول من قتل ظلما هابیل واول
غزا محمد علیه السلام واول من علم حکمت لقمان واول من آلات سماع
حکیم فیثاغورس واول من غزا علی فرس المقداد واول من خطب
معاویه اول من زین تبع علیه السلام واول من استخرج در من البحر سلیمان
علیه السلام واول من اتخذ القواریر سلیمان علیه السلام واول من اتخذ
المنجنیق والطبول نمرود بن کنعان واول جبل علی وجه الارض ابو القبیس
واول حجر وضع علی وجه الارض حجر الاسود واول شجر بنت علی
وجهها هو العجوة واول عین جرت علی وجها عین الطیبه واول من
خط بالقلم ادریس علیه السلام واول من اتخذ السفینة نوح علیه السلام
واول تکلم بالعربیة اسماعیل علیه السلام واول من اضاف للناس
ابراهیم علیه السلام واول من تعمیر بیت المقدس داود علیه السلام واول

من آمن

marfat.com
Marfat.com

منهم من الرجال محمد علیه السلام و ابابکر صدیق رض و اول من اظهر الاسلام
عمر رض و اول و اول من تزوج الشادی بنت رسول الله عثمان رض
و اول اسلم من الصبیان علی ارم الله وجه و اول من اسلم من النساء
بی بی خدیجة الکبرا رض و اول من اسلم من الموالی زید ابن حارث
و اول من وفات من ازواج محمد علیه السلام زینب و اول ما شیء
خلقه الله تعالی نور محمد علیه السلام و اول بیت وضع للناس بیت خانه کعبه و
اول من بنی الکعبة آدم علیه السلام و اول من الانبیاء آدم و آخرهم
محمد علیه السلام و اول نبی من بنی اسرائیل موسی و آخرهم عیسی علیه السلام
و اول من استعمال الکتک سنکسته ترک بن یافث و اول اختراع
کسب الخیاطی ادریس علیه السلام بدانکه حضرت
آدم علیه السلام کسب انلری ونکاری و باغبانی و زمینداری یعنی
کشتکاری و خیاطی و حجامی و کاغذی و دیگر بها کرده اند و بعد از
آنحضرت کسب خیاطی ~~کرده اند~~ ادریس ابن شیث علیه السلام
کسب خیاطی کرده اند و یوشع علیه السلام کسب موچیکری کرده
اند و نوح علیه السلام کسب نجاری کرده اند و ابراهیم علیه السلام
کسب بزازی میکردند و داود علیه السلام کسب حدادی
کردند و سلیمان علیه السلام کسب پیمانه بافی میکردند و
حضرت ذکریا علیه السلام کسب نجاری میکردند و محمد علیه السلام

Marfat.com
Marfat.com

کسب اشبانی میکردند و شعیب علیه السلام کسب اشبانی می
آوردند و ابوبکر صدیق رض کسب بزازی میکردند و عمر فاروق کسب
موزه گری میکردند و عثمان رض کسب تجارت میکردند و مرتضی
علی کسب فقرها میکردند و حضرت عباس رض کسب
عطاری میکردند و سلمان فارسی کسب حجامی میکردند از شرح
مشکات شریف نقل کرده شد در نظام التواریخ مسطور
است که یازده نفر سلاطین نامشتم هزار و چهار صد و پنجاه سال در
جهان فانی بادشاهی کرده اند اول سلطان کیومرث دوم سلطان
هوشنگ و سوم سلطان طهمورث چهارم سلطان جمشید پنجم
سلطان ضحاک و ششم سلطان فریدون و هفتم سلطان افراسیاب
هشتم سلطان نوذر نهم سلطان منوچهر دهم سلطان برزو فرزند
سلطان طهماسب بن سلطان منوچهر و یازدهم سلطان گشتاسب
چونکه پیش از کار کردن مزدور را مزدوری میدهند آنرا بزبان
یونانی گشتاسب گویند در تواریخ مسطور است که
بانی بیت المقدس حضرت داود علیه السلام است
وتمام آن سلیمان علیه السلام است صد هزار نفر سنگ
تراشها و پنجاه هزار نفر مزدوران از معادن سنگها می آوردند
و هشتاد هزار تبرداران و بیلداران بودند و شش هزار نفر
اوستادان کار آموز دیوار میساختند و قبه اش زرین تیار کرده

اند و سقف

marfat.com
Marfat.com

اند و سقف مسجد بیت الله شریف بیاقوت و صحن آن
را به فیروزه و سنگ موسی و سنگ مرمر مرصع نموده اند و منبر آن
از سنگ مرمر تیار کرده اند که در روی زمین مثال آن نخواهد بود

بسم الله الرحمن الرحیم یا فتاح

حمد متوافر خالق بی نیاز را سزاوار است که هژده هزار عالم را از
کتم عدم بلفظ کن در عرصهٔ ظهور آورده و نعمت متکاثره ذاتی
را لائق است که این جمله موجودات را باعث وجود ذی الجود
آنحضرت جلوهٔ ظهور یافته و آیهٔ لولاک لما خلقت الافلاک
بآن شاهد است و علی آله و اصحابه و سلم بعده میگوید اضعف
عباد الله فدوی ناشناس هیچمدان غلام محمد خان ملتانی که این
بنده را حسب التقدیر و مشیت ازلی اتفاق قیام بضلع کولات
شده بود لهذا سطری چند از حالات آن ملک که بکتب معتبره
در نظر آمده و آنچه بزبان معتبران صاحب اعتبار شنیده بقید
کلک بریده زبان آورده تا که از این عاصی در این دیار یادگار ماند
و استعمال کنندگان این نحیف را بدعای خیر یاد کرده باشند
واضح باد که تمن تلکشات معروف بلوچستان حدود
قدیم هندوستان متعلقهٔ صوبهٔ ملتان واقع باقلیم سوم عرضاً
کروه و طولاً سی کروه بجنوب شمیرشاه ور واقع است

و تغیر فصول و مواسم بنظر بود و قرب خط استوا قریب
به تغیرات فصول دیار هند متعلقات دهلی میباشد اما بباعث
تغیرات عارضی کوهستانی اگرچه لمیناً موسم سرمای اینجا
شدتی قلیل از سرمای هند دارد آری استمرار ایام موسم
سرمای این دیار طولی از سرمای هند است که بدیار هندستان
متعلقه اضلاع صوبه دهلی موسم گرما سه ماهی جیته و
واساڑ و ساون است و موسم خریف سه ماه اند
بهادون و اسوج و کاتک و موسم سرما مگهر و پوه و ماگن
و موسم ربیع سه ماه اند پهاگن و چیت و بیساکهه
و اینجا هم همین مواسم اند همین شهور شمسی تصور
میکنند لیکن تغیر قلیل واقع میشود که ابتدای ربیعه هند از ماه
پهاگن است و ابتدای ربیعه اینجا بار و شگوفهای گلها و ریاحین
بانتهای ماه چیت بلکه در ابتدای ماه بیساکهه ظاهر میشوند و
ابتدای سرمای هند از ماه کاتک است و انتهای آن بماه پوه
پس اگرچه ابتدای سرمای اینجای از ماه کاتک میباشد لیکن
انتهای آن تا آخر ماه پهاگن بلکه تا ماه چیت می شود چنانچه
۱۵ ماه فروری سنه ۱۸۵۰ ع مطابق ۱۸۰۱ ماه پهاگن خاصه در
شهر کوتلت اتفاق قیام لشکر بایان شده بود بچشم خود معاینه
کردیم

marfat.com

Marfat.com

ادوم که در آن ایام برف می بارید و گرمای اینجای (کوهات) از گرمای هند
کمتر است هم امتداداً و هم استداداً چنانچه شب اینجای
دائمه سرد میباشند اگرچه روزانه گرما سخت می شود مگر هوای
گرم کم می وزد و باد و باران در این نواحی مثل هندستان
خصوصاً بموسم برشگال نمی بارد بلکه گاه گاه بموسم گرما
بوقت ظهر گرد و غبار برخاسته باران می بارد و در رفع
بموسم سرما سحاب کم و بیش تقاطر میکنند و بلکه در
موسم برشگال نیز بارش بخوبی می بارد و در دیار
هند از تغیر فصلی لحوق عوارضات تپ و غیره بیماری ها بماه
بماه دون می شود و در این دیار بماه آسو و در آن ممالک
چند روز تپ آمده بعد از آن رفع میگردد و در اینجا تا بموسم
سرما تکلیف بیماری میکشند و بنای زراعت اینجای
بر آب باره که از اطراف ملک تیرا می آید اراضیات
را سیراب میکنند و نصف اراضیات با آب چشمه‌ها
سیراب می شوند و تمامی زمینات این مملکت قابل
زراعت است مگر زمین که آب چشمه میرسد
در آن نباتات ربیع و هم خریفی کاشت میکنند و در
زمین که آب باره میرسد آن اراضی مخصوص برای باجره

Marfat.com

و ماش و پنبه و کنجد و نخود و کتان است اگر سرگین در
آراضیات انداخته باشند بر هر فصل زمین را آماده کنند
و هر دو فصل متواتر و علی الدوام می توانند کاشت و اگر
سرگین نه اندازند یک فصل می کارند و برای دیگر فصل او
را مهلت میدهند و اشیای خریفی اینجای — شالی
و پنبه و جوار و باجره و ماش و کنجد و تماکو و لوبیا است
و اشیای ربیع گندم و جو و پیاز و سیر و کشنیز و
بادیان و شرشف و خربوزه و تربوزه و خیار و بادرنگ
و بادنجان و شلغم و ترب و زردک و شملیت وغیره
ترکاری می کارند اگرچه نخود و موتهه هم درین زمین خواهد
شد لیکن نخود و موتهه درین سرزمین کاشته ندیدیم
و میوه جات اینجای الوچه و شفتالو و سیب و انار
و بهی و زردالو و ناشپاتی و انبه و انجیر و انگور شش
قسم میباشد و میوه های هند شریفه و امرود و سنگتره
و فالسه و جامن وغیره درین ملک نمیباشند و
و گلاب و ریحان و داودی و نرگس و چنبیلی را ابد
گلهای عجیبه بوهای نه عنبری بوقی است مردمان این دیار
برای زیبایش در دستارها و عمامجات خود میدهند و

[illegible]

کان نمک

marfat.com
Marfat.com

کان نمک در ضلع کوهات خاص در ملک خطک سه
جا بر آمده اند یکی در بهادر خیل و دوم در نری و سوم در قریه
اسماعیل خیل است گویند که قبل از عملداری انگریز این معادن
را قوم خطک پوشیده داشته بودند هر سه معادن
نمک بسیار آمدنی دارند در علاقه نواب صاحب والاشان
نواب خواجه محمد خان میباشند و مبلغان آمدنی آن هر سه جا
نواب صاحب خطک میگیرند باعث آمدنی آنها صاحب
دولت و عزت اند که لنگرش جاری است در این
ملک کوهات بسخاوت و شجاعت نواب مشهور اند
غریب نوازند سائلان ازدحام در نزد نواب صاحب می آیند خالی نمی روند

اول در [illegible] حصه [illegible]
سوم اسماعیل خیل

راویان اخبار و ناقلان روزگار چنین روایت کرده اند
که قبل از ورود معرکه اهل اسلام اندرین دیار افغانان قوم
راجگان هنود سکونت پذیر بودند و اندران ایام بسبب
نشیب زمین اینجای تمام آب بود ازان واسطه راجگان
بر بلندیها یعنی بر سر کوه ها خانها ساخته بودند و باش میکردند
باعث کثرت آب و شدة خلاف پایین بحال سکونت
نبود — و در ابتدا راجه سرکپ و راجه دهربیت هر دو برادران

Marfat.com

راجه الود

حقیقی بودند در عهد راجه رسالو و راجه عاد و راجه ثمود این
هر دو برادران حقیقی بودند و رانی کوکلان زوجه راجه ثمود بود -
تا الحال خانه آنها بر سر کوه های ثمور موجود هست نهایت
هوادار جائیست که دل انسان خورسند میکرد و آن کوه -
های ثمور بجانب شمال قریه ممزی واقع هست و راجه
جودا همشیره زاده راجه ثمود بودند و جای سکونت راجه جودا
درمیان دره راه پت در درمیان ده زرغون خیل و ده [illegible]
واقع هست که بسند البته مشهور هست که سواری بر
گاومیش میکرد و همراه رانی کوکلان یارانه در دشت
درمیان دره آمد و رفت میکرد و روزی راجه جودا را
همراه رانی خود خوابیده دید بسیار بر هر دو قاهر ناراز شده بود و
راجه هودی و راجه پیچ مند هر دو برادران بودند و راجه الود
راجه رسالو هر دو برادران بودند و راجه کوهات و راجه بلات
هر دو برادران بودند و خانه راجه بلات بر سر کوه که بجانب
مغرب شهر کوهات واقع هست تا الحال بنای او موجود و
در بسیار بلند بود
انصار
خانه راجه کوهات بجای قلعه بود جای او را ویران کرده اند

و قلعه ساخته بودند

Marfat.com

پوشیده که بیست و یک [illegible] در علاقه الغ یورت [illegible] پایه
تخت فیض [illegible] سان والاشان خان صاحب چنگیز خان است
بنجوای پادشاهی [illegible] نموده اند مشار الیه خانی بود فرخنده
آثار و سلطانی معدلت شعار دین مسلمانی را بر دیگر ادیان
مرجح داشته و تخم محبت در سینه ارباب [illegible] کاشتی
سیزده سال سلطنت نموده و موزخه ۸ ذوالحجه ۶۳۹
[illegible] الذات از کمین گاه [illegible] و بیک ناکاه
تیر اجل از شصت قضا بانداخت ۲ کیوک خان بن
قاآن دو سال سلطنت نموده ۳ منکو خان بن تولی خان
هشت سال والی مملکت بود و در زمان خان صاحب
والاشان هلاکو خان بر زمین ایران توجه نموده ۴ قوبیلا قاآن
بن تولی خان و در زمان پادشاهی خود بنای خان
بالیق در ختای [illegible] نموده و در آن مربع نهادند و طول
هر دیوار آن شش فرسنگ بود و فرمان نفاذ یافت
که از بند بندستان جوی بغایت بزرگ ببرید حسب
الحکم آن پادشاه جوی کلان بریدند و آب دریا در میان
آوردند که مردمان در کشتی سوار شده و بازار رفته و اقمشه
و نفایس [illegible] خریده در خدمت خان بالیق خان حاضر می آوردند
و از اطراف و جوانب آن جوی بیا برده بودند
بریدند جوی [illegible] گذر آب فرات [illegible] پادشاه [illegible] تجیات

Marfat.com

بقول مورخان سی و پنج سال [illegible] سلطنت قیام نموده

عمر او هفتاد و چهار سال بود که تخته تابوت بعوض تخت

[illegible] بیافت و از این عالم فانی رحلت [illegible] و دیدار [illegible]

[illegible] به پرویز از این زمانه چه خورد بر و بپرس که کسری [illegible]

[illegible] رفت و کی ممالک بدیگران بگذاشت دگر [illegible] خزانه [illegible]

۵ تیمور قاآن بن جیم کیم بن قوبیلا قاآن [illegible] سال در جهان

فانی سلطنت کرده بودند ۶ توشلا [illegible] بن [illegible]

خان [illegible] سال بخوبی حکمرانی نموده بودند ۷ [illegible] بن [illegible]

یکسال در دور فانی سلطنت نموده بودند ۸ [illegible] خان بن [illegible]

خان دو سال در جهان فانی حکمرانی کرده بودند ۹ [illegible] بن

خان چهار سال سلطنت نموده ۱۰ توقتمور خان بن [illegible]

عالم [illegible] شش سال حکمرانی کرده بودند ۱۱ [illegible]

قاآن هشت سال سلطنت بخوبی مرانجام نموده ۱۲ [illegible] خان

تیمور خان [illegible] سال حکمرانی کرده بودند ۱۳ ایلچی خان بن تیمور قاآن

که در زمان حضرت صاحبقران والاشان [illegible] آمر

تیمور گورکان بود که در ملازمت آنحضرت بهره اندوز [illegible] بوده

بودند ۱۵ والتای خان ۱۶ [illegible] خان بن [illegible] تیمور خان

۱۷ — آدای خان بن ارکتمور ۱۸ جوجی خان بن چنگیز [illegible]

ایالت خوارزم و دشت قبچاق و والان و [illegible] و

روس [illegible] تفویض نموده و [illegible] سال سلطنت کرده جوجی [illegible]

شش ماه قبل از [illegible]

marfat.com
Marfat.com

۱۵	محرم	در سنه ۸۴۱ هجری	مرزا سلطان حسین ولادت یافته بود
۱۸	شوال	سنه ۱۱ سال	حکومته نوشروان عبدالرحمن ابن عوف
۱۵	جمادی الاخر	سنه ۹ هجری	ابوالطفیل بن ابو عامر قرشی
۱۵	شوال	سنه ۵ هجری	عبدالله بن زبیر
۱۵	رمضان	سنه ۳ هجری	امام حسن مجتبی رضا
۱۸	ذوالحجه	در سنه ۴ سال	پیش از عام فیل آمیر حمزه
۱۲	رجب	سنه سال	پیش از عام فیل حضرت عباس
۱۸	شعبان	سنه ۶ سال	پیش از عام فیل عمرو ابن ابی العاص
۱۲	محرم	سنه ۶۳۱ هجری	امام محی دین یحیی
۱۵	شعبان	سنه ۲ هجری	روزه فرض شده بود
۱۵	رمضان	سنه ۱ هجری	جهاد فرض شده بود
۱۵	شعبان	در سنه ۵ هجری	آیت تیمم نازل شده بود
۱۵	ذی القعده	در سنه ۹ هجری	حج فرض شده بود
۱۵	شعبان	در سنه ۸	هجری آیت حرام شدن خمر نازل شده بود

Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	ولادت
۲۷	نمبر	در سنہ ۱۹۰۲ء	فرزند غلام شاہ ولد نادر شاہ
۱۵	اکتوبر	در سنہ ۱۹۰۲ء	فرزند اکرم شاہ ولد یوسف شاہ اکرم خیل
۲۵	مئی	در سنہ ۱۹۰۲ء	جعفر شاہ ولد سرور شاہ نواسہ زمان شاہ
۸	فروری	در سنہ ۱۸۸۸ء	افتاب شاہ ولد میاں نسیم شاہ
۵	مارچ	در سنہ ۱۹۰۳ء	یوم پنجشنبہ غفور شاہ ولد اللہ شاہ نواسہ میاں نور اللہ
۱	جون	در سنہ ۱۹۰۲ء	ولد اودل نواسہ خلاص زمیندار
۲۵	جنوری	در سنہ ۱۸۸۶ء	کرم شاہ ولد فرمان شاہ نواسہ میاں عطار شاہ
۱۱	جون	در سنہ ۱۸۸۷ء	نعیم شاہ ولد فرمان شاہ نواسہ میاں عطار شاہ
۸	شوال	در سنہ ۱۳۰۷ھ	یوم اتوار جوڑا فرزندان رستم خان ولد نواب نکش
۱۱	جنوری	در سنہ ۱۹۰۴ء	جعفر شاہ ولد مبارک شاہ نواسہ بابو شاہ اکرم خیل
۱۸	مارچ	در سنہ ۱۹۰۵ء	آبرو اللہ ولد حمید اللہ ولد سریع اللہ
۱۴	ربیع الآخر	در سنہ ۷۷۹ ہجری	مرزا شاہرخ
۵	رجب	در سنہ ۵۳۹ ہجری	شیخ شہاب الدین سہروردی
۱۱	شوال	در سنہ ۴۵۰ ہجری	امام محمد غزالی

marfat.com

Marfat.com

ولادت	سنہ	ماہ	تاریخ
اکبر شاہ ولد سرور شاہ ولد زمان شاہ	سنہ ۱۸۹۶ء	جولائی	۲۱
ولد سعد شاہ از بطن زوجہ اکرم خیل	سنہ ۱۸۹۹ء	فروری	۳
عزیز ولد محبوب ولد یعقوب	سنہ ۱۸۹۹ء	اپریل	۱۲
فرزند سرور شاہ ولد زمان شاہ اصغر شاہ	سنہ ۱۹۰۲ء	[مارچ]	۲۶
عین اللہ ولد ربیع اللہ ولد جبار اللہ	سنہ ۱۸۹۹ء	دسمبر	۲۵
یوم شنبہ عبد الجبار ولد عبد الغفار ولد عبد الرحمن حجام	سنہ ۱۹۰۱ء	نومبر	۸
فرزند آفتاب شاہ سنگر والہ	سنہ ۱۸۸۸ء	فروری	۸
[illegible] شاہ ولد سرور شاہ	در سنہ ۱۹۰۳ء	جون	۱۱
یوم اتوار فرزند بادر شاہ اکرم خیل	در سنہ ۱۹۰۴ء	اپریل	۱۵
صاحب شاہ نواسہ میاں انور شاہ	در سنہ ۱۸۸۵ء	دسمبر	۵
خضر شاہ ولد حضرت شاہ نواسہ میاں مبارک شاہ	در سنہ ۱۸۸۵ء	دسمبر	۱۲
دلاور شاہ نواسہ میاں انور شاہ	در سنہ ۱۸۹۰ء	اگست	۲۱
نصیر شاہ نواسہ میاں انور شاہ	در سنہ ۱۸۹۵ء	اپریل	۲۵
یوم جمعہ نواسہ میاں نادر شاہ	در سنہ ۱۹۰۰ء	مارچ	۱
یوم جمعہ فرزند لعل شاہ نواسہ عطار شاہ	در سنہ ۱۹۰۰ء	مارچ	۲۵

Marfat.com

۱	دسمبر	در سنہ ۱۸۸۴ء	فضل شاہ ولد حضرت شاہ
۵	دسمبر	در سنہ ۱۸۸۴ء	صاحب شاہ ولد سردار شاہ
۱۱	جون	در سنہ ۱۸۸۲ء	کریم شاہ ولد فرمان شاہ
۱۸	جون	در سنہ ۱۸۸۲ء	محمد شاہ ولد یوسف شاہ
۳	دسمبر	در سنہ ۱۸۸۳ء	بشیر والہ ولد قدرت الہ
۱۷	اکتوبر	در سنہ ۱۸۸۳ء	عطاء الہ ولد ربیع الہ ولد جبار الہ
۲۷	مئی	در سنہ ۱۸۸۵ء	رحیم شاہ ولد اسلم شاہ ولد غفار شاہ
۲۰	مئی	در سنہ ۱۸۹۴ء	عبدالکریم ولد محمد جان بافندہ
۱۷	ستمبر	در سنہ ۱۸۹۴ء	طاہر شاہ ولد غلام شاہ ولد نادر شاہ
۲۵	ستمبر	در سنہ ۱۸۹۱ء	طیب شاہ ولد غلام شاہ ولد نادر شاہ
۱۱	جولائی	در سنہ ۱۸۹۵ء	سکندر ولد جوشن ولد عمر والہ
۲۷	دسمبر	در سنہ ۱۸۹۶ء	فرزند اللہ شاہ ولد میاں نور الہ غفور حنف
۱	جنوری	در سنہ ۱۸۹۷ء	فرزند غلام شاہ ولد نادر شاہ
۱۲	اپریل	در سنہ ۱۸۹۷ء	یعقوب ولد محبوب ولد محمد امین حجام

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	ولادت
۲۸	جمادی الثانی	در سنہ ۱۲۹۲ ہجری	محمد عظیم خان
۵	رمضان	در سنہ ۱۲۹۳ ہجری	غلام حسین خان
۲۵	شوال	در سنہ ۱۲۹۴ ہجری	محمد ایوب خان ولد ماز گل خان
۲۱	رمضان	در سنہ ۱۲۹۸	عبدالرحمن خان
۱۳	ذی الحجہ	در سنہ ۱۲۹۸ ہجری	محمد ابراہیم خان
۱۱	ذی القعدہ	در سنہ ۱۲۹۹ ہجری	محمد اسماعیل خان
۲۵	رمضان	در سنہ ۱۳۰۰ ہجری	محمد یونس خان
۱۵	صفر	در سنہ ۱۳۰۱ ہجری	محمد یعقوب خان
۱۸	رجب	در سنہ ۱۲۵۶ ہجری	شادولی خان خٹک
۶	ذی الحجہ	در سنہ ۱۲۵۸ ہجری	شیر علی خان خٹک
۱۱	رمضان	در سنہ ۱۲۲۱ ہجری	شاہ داد خان والد شادولی خان سکنہ جھتو خٹک
۱۵	شعبان	در سنہ ۱۲۸۵ ہجری	ولی محمد خان ولد علیار خان مرحوم خیل
۱۸	صفر	در سنہ ۱۲۸۳ ہجری	سلطان محمد خان ولد محمد اکرم خان مرحوم خیل
۱۵	شوال	در سنہ ۱۲۸۶ ہجری	محمد زمان خان ولد محمد اکرم خان مرحوم خیل

Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	ولادت
۶	رجب	در سنہ ۱۲۶۰ ہجری	علیار خان ولد غلام حیدر خان مرحوم خیر
۳	محرم	در سنہ ۱۲۶۱ ہجری	میر عالم خان ولد غلام حیدر خان مرحوم خیر
۲۰	ربیع الاول	در سنہ ۱۲۶۴ ہجری	محمد اکرم خان ولد غلام حیدر خان مرحوم خیر
۱۱	جمادی الاول	در سنہ ۱۲۷۰ ہجری	غلام محمد خان ولد غلام حیدر خان مرحوم خیر
۱۵	شعبان	در سنہ ۱۲۷۵ ہجری	وزیر خان ولد غلام حیدر خان مرحوم خیر
۲۳	سفر	در سنہ ۱۲۵۶ ہجری	عثمان خان ولد محمد امین خان مرحوم خیر
۱۱	شوال	در سنہ ۱۲۶۰ ہجری	محمد سعید خان ولد محمد امین خان مرحوم خیر
۱۰	ذی الحجہ	در سنہ ۱۲۶۲ ہجری	محمد اکبر خان ولد محمد امین خان مرحوم خیر
۱	سفر	در سنہ ۱۲۵۷ ہجری	بازگل خان ولد مظفر خان مرحوم خیر
	محرم	در سنہ ۱۲۶۸ ہجری	غلام سرور خان ولد مظفر خان مرحوم خیر
۱۱	شوال	در سنہ ۱۲۸۲ ہجری	فقیر محمد خان ولد مظفر خان مرحوم خیر
۵	شعبان	در سنہ ۱۲۸۶ ہجری	محمد ناصر خان ولد مظفر خان مرحوم خیر
	شعبان	در سنہ ۱۲۸۶ ہجری	محمد نصیر خان ولد مظفر خان مرحوم خیر
۱	سفر	در سنہ ۱۲۸۸ ہجری	غلام محمد خان
۲۵	جمادی الثانی	در سنہ ۱۲۹۲ ہجری	محمد عالم خان ولد غلام سرور خان مرحوم خیر

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	ولادت
۱۵	رمضان	در سنہ ۱۲۴۱ ہجری	نوزرب بادر شیر خان بنگش
۱۳	شوال	بر سنہ ۱۲۵۵ ہجری	عطا محمد خان ولد شیر علی خان
۱۲	ربیع الاول	در سنہ ۱۲۰۱ ہجری	غلام حیدر خان ہنگو مرحوم خٹک
۱۸	ذی الحجہ	در سنہ ۱۲۱۷ ہجری	محمد امین خان ہنگو مرحوم خٹک
۱۱	صفر	در سنہ ۱۲۱۸ ہجری	مظفر خان ہنگو مرحوم خٹک
۱۵	شوال	در سنہ ۱۲۲۴ ہجری	محمد عظیم خان ہنگو مرحوم خٹک
۱۲	ربیع الاول	در سنہ ۱۲۵۷ ہجری	مظفر خان ولد خواجہ محمد خان خٹک
۱۵	ربیع الثانی	در سنہ ۱۲۵۸ ہجری	محمد ظفر خان ولد خواجہ محمد خان خٹک
۱۷	جمادی الاول	در سنہ ۱۲۶۱ ہجری	محمد اکبر خان ولد خواجہ محمد خان خٹک
۲۵	جمادی الثانی	در سنہ ۱۲۶۸	محمد غفور خان ولد خواجہ محمد خان خٹک
۱	شعبان	در سنہ ۱۲۷۰	تاج محمد خان ولد خواجہ محمد خان خٹک
۲۵	شوال	در سنہ ۱۲۷۵	محمد عظیم خان نبیرہ اسپین خان ولد خواجہ محمد خان خٹک
۱۵	ذی القعدہ	در سنہ ۱۲۶۸	عبدالرحیم خٹک
۱۱	ذی الحجہ	در سنہ ۱۲۷۵	عبدالجبار خان ولد مظفر خان بن نوزرب خٹک
۵	صفر	در سنہ ۱۲۷۲	امیر خان ولد مظفر خان ولد نوزرب خٹک

۱۳ شوال در سنہ ۱۳۰۱ [illegible] فوت شد

marfat.com
Marfat.com

۱۲	ربیع الاول	در سنہ ۷۰۰ ہجری	سلطان ویس خان
۱۷	ذوالحجہ	در سنہ ۸۰۰ ہجری	سلطان حسین مرزا
۱۵	سعبان	در سنہ ۵۸۰ ہجری	سلطان شمس الدین
۱۱	ربیع الثانی	در سنہ ۸۵۶ ہجری	امیر علی شیر خان
۱۸	صفر	در سنہ ہجری	سلطان شجاع ملک
۱۲	جمادی الاول	در سنہ ۸۰۹ ہجری	سلطان احمد بیگ ملوک سمرقند
۱۵	شعبان	در سنہ ۹۷۵ ہجری	سلطان سلیم شاہ
۲۲	ربیع الاول	در سنہ ۸۱۶ ہجری	سلطان ابو سعید خان
۱۴	ذوالقاعدہ	در سنہ ۹۱۳ ہجری	سلطان ہمایوں بن محمد بابر
۱۱	صفر	در سنہ ۹۵۰ ہجری	محمد اکبر بادشاہ بن ہمایوں
۷	ربیع الاول	در سنہ ۹۷۷ ہجری	سلطان محمد جہانگیر بن محمد اکبر
۳	ربیع الاول	در سنہ ۱۰۰۰ ہجری	سلطان شاہجہاں بن جہانگیر
۱۲	ربیع الاول	در سنہ ۱۲۲۴ ہجری	نواب خواجہ محمود خان حلت

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماہ	سن	ولادت
1	محرم	در سنہ ۱۰۱۷ ہجری	حضرت حاجی بہادر صاحب کوہاٹی
11	صفر	در سنہ ۱۰۳۶ ہجری	میاں محمد یوسف ابن حاجی بہادر کوہاٹی
1	ربیع الاول	در سنہ ۱۰۳۷ ہجری	میاں محمد قاسم ابن حاجی بہادر کوہاٹی
5	جمادی الاول	در سنہ ۱۱۶۵ ہجری	میاں محمد نور ابن محمد قاسم ابن حاجی بہادر کوہاٹی
14	رجب	در سنہ ۱۱۳۹ ہجری	میاں محمد گل ابن محمد نور بن محمد قاسم
15	شعبان	در سنہ ۱۱۹۱ ہجری	میاں صاحب شاہ ابن محمد گل بن محمد نور
5	محرم	در سنہ ۱۰۵۰ ہجری	میاں حاجی عمر ابن حاجی بہادر کوہاٹی
17	صفر	در سنہ ۱۰۴۵ ہجری	محمد عثمان ابن حاجی بہادر کوہاٹی
15	شوال	در سنہ ۱۱۵۰ ہجری	میاں محمد یعقوب ابن حاجی بہادر کوہاٹی
11	شعبان	در سنہ ۱۱۶۹ ہجری	میاں میراں شاہ ابن صاحب شاہ ابن محمد گل
10	رجب	در سنہ ۱۲۰۳ ہجری	غلام علی شاہ ابن میراں شاہ بن صاحب شاہ
12	شعبان	در سنہ ۱۲۳۵ ہجری	محمد یوسف شاہ ابن میراں شاہ بن صاحب شاہ
15	رمضان	در سنہ ۱۲۶۵ ہجری	فقیر عبداللہ شاہ ابن فقیر غلام علی شاہ بن میراں شاہ
1	ذوالقعدہ	در سنہ ۴۸۵ ہجری	امیر چنگیز خان ابن امیر منگیز خاں

دائرہ شدہ تواریخ کو محمود شوکت ولد غفور شاہ نے مسخ کیا۔ جب کہ دوران تالیف
کتاب حاجی بہادر اسکا مطالعہ کیا۔
دراصل یہ تاریخیں ۱۰ ہجری درج تھیں
جنکو ۱۱ بنایا۔

سید مسعود علی شاہ ابن سید سکندر شاہ

[illegible]

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	ولادت
۱۹	شعبان	در سنہ ۲۱۲ ہجری	حضرت امام محمد نقی ابن رضا امام محمد تقی
۱۷	رمضان	در سنہ ۲۵۵ ہجری	حضرت امام محمد مہدی آخر زماں رضہ
۱۴	سفر	در سنہ ۱۹۴ ہجری	حضرت شیخ محمد عربے
۱۵	محرم	در سنہ ۵۳۷ ہجری	حضرت خواجہ معین الدین چشتی
۹	رمضان	در سنہ ۵۶۰ ہجری	حضرت شیخ محی الدین عربے
۱۵	رجب	در سنہ ۵۳۸ ہجری	حضرت شیخ شہاب الدین سہروردے
۱۸	ذوالحجہ	در سنہ ۵۰ ہجری	حضرت امام محمد غزالے
۱۵	رمضان	در سنہ ۷۱۱ ہجری	حضرت شیخ بہاؤالدین نقشبند
۱۵	جمادی الاول	در سنہ ۵۰۱ ہجری	حضرت میران محی الدین
۱۵	جمادی الاول	در سنہ ۸۰ ہجری	حضرت امام اعظم رحمۃ
۱۸	ربیع الاول	در سنہ ۱۵۰ ہجری	حضرت امام شافعی رحمۃ
۱۵	شوال	در سنہ ۹۵ ہجری	حضرت امام مالک رحمۃ
۱	رجب	در سنہ ۱۶۵ ہجری	حضرت امام احمد رحمۃ
۱۱	سفر	در سنہ ۸۷۵ ہجری	حضرت بنور صاحب ان سادر کو لے

marfat.com
Marfat.com

ولادت

تاریخ	ماه	سنه	ولادت
۵	شعبان	در سنه ۷۳۵ هجری	امیر تیمور گورگان بن امیر طراغان
۸	محرم	در سنه ۸۸۷ هجری	بابر مرزا ابن عمر شیخ مرزا
۱۵	ربیع الثانی	در سنه ۷۷۸ هجری	شاہرخ مرزا
۱۴	جمادی الاخری	در سنه ۸۴۱ هجری	ابراہیم مرزا ابن شاہرخ مرزا
۱۵	محرم	در سنه ۸۴۱ هجری	سلطان حسین مرزا
۱۴	رجب	در سنه ۸۹۱ هجری	سلطان اسمٰعیل
۲۱	ذی الحجه	در سنه ۹۱۹ هجری	سلطان طہماسپ
۱۱	شعبان	در سنه ۹۲۱ هجری	سلطان القاسب
۲۵	رمضان	در سنه ۹۲۳ هجری	سلطان سیم سام بن القاسب
۱۵	ربیع الثانی	در سنه ۷۷۸ هجری	سلطان معز الدین
۱۴	شوال	در سنه ۹۰۰ هجری	سلطان محمد زمان بن بدیع الزمان
۱۵	ربیع الثانی	در سنه ۶۰۱ هجری	سلطان ارغون خان
۱۱	ذی الحجه	در سنه ۶۳۱ هجری	سلطان غزنخان بن ارغونخان
۱۹	شوال	در سنه ۶۰۶ هجری	سلطان یعقوب بیگ ملوک عراق

Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	ولادت
۱۱	ربیع الاول	در سنہ ۳۰ ہجری	سلطان محمود غزنوی
۵	ربیع الثانی	در سنہ ۸۰۰ ہجری	سلطان بہلول غزنوی
۱۲	رجب	در سنہ ۹۰۰ ہجری	سلطان سکندر ابن بہلول
۲۱	شعبان	در سنہ ۹۰۸ ہجری	سلطان ابراہیم بن سکندر غزنوی
۱۱	ربیع الثانی	در سنہ ۹۰۰ ہجری	سلطان ہمایوں
۱۵	رمضان	در سنہ ۸۰۹ ہجری	سلطان احمد شاہ ملوک سمرقند
۱۱	صفر	در سنہ ۵۰ ہجری	سلطان محمد شاہ ایرانی
۵	رجب	در سنہ ۱۰۲۶ ہجری	سلطان احمد شاہ ایرانی
۲۵	شوال	در سنہ ۱۱۰۰ ہجری	سلطان نادر شاہ ایرانی
۱۵	ربیع الثانی	در سنہ ۱۰۰۰ ہجری	سلطان شاہجہان
۲۱	شوال	در سنہ ۱۰۲۹ ہجری	سلطان اورنگ زیب بن شاہجہان
۱۱	جمادی الاول	در سنہ ۹۰۰ ہجری	سلطان محمود ثانی
۱۱	جمادی الثانی	در سنہ ۱۰۴۴ ہجری / در سنہ ۱۰۵۰	سلطان بہادر شاہ دہلی بن اورنگزیب
۲۵	ذی الحجہ	در سنہ ۸۰۵ ہجری	مرزا جہاندار شاہ
۱۵	ربیع الاول	در سنہ ۹۰۰ ہجری	سلطان کامران
۲۱	صفر	در سنہ ۱۰۰ ہجری	سلطان قطب الدین

marfat.com

Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	ولادت
۱۵	شوال	در سنہ ہجری	عبداللہ ابن زبیر قریشی
۱۵	رمضان	در سنہ ۳ ہجری	امیر المومنین امام حسن ابن مرتضیٰ
۱	شعبان	در سنہ ۴ ہجری	امیر المومنین امام حسین ابن مرتضیٰ
۱۵	رمضان	در سنہ ۳ ہجری	امیر المومنین امام حسن مجتبیٰ
۵	شعبان	در سنہ ہجری	امیر المومنین عبداللہ الحسین
۱۸	ذی الحجہ	در سنہ ۲	قبل از عام فیل حضرت امیر حمزہ
۱۲	رجب	در سنہ ۳	قبل از عام فیل حضرت عباس
۱۹	شعبان	در سنہ ۶	قبل از عام فیل عمرو ابن العاص
۱۱	ربیع الاول	در سنہ ۲۳۲ ہجری	حضرت امام حسن عسکری بن رض علی نقی
۹	صفر	در سنہ ۱۲۱ ہجری	حضرت امام موسیٰ کاظم رض بن جعفر صادق
۱۲	ذی القاعدہ	در سنہ ۱۵۱ ہجری	حضرت امام علی موسیٰ رضا رض بن [illegible]
۶	صفر	در سنہ ۵۶ ہجری	حضرت امام محمد باقر بن زین العابدین
۱۵	شعبان	در سنہ ۳۸ ہجری	حضرت امام زین العابدین رض بن حسین
۱۱	ربیع الاول	در سنہ ۸۳ ہجری	حضرت امام جعفر صادق رض بن محمد باقر
۱۴	محرم	در سنہ ۶ ۳۱ ہجری	حضرت امام محی الدین یحییٰ رض
۱۵	رجب	در سنہ ۱۹۵ ہجری	حضرت امام محمد تقی رض بن امام موسیٰ رضا

Marfat.com

تاریخ	ماه	سنه	ولادت
۱۲	ربیع الاول	در سنه ۴۲	در حکومت نوشیروان حضرت محمد رسول الله
۱۳	ربیع الاول	در سنه ۲۵	در حکومت نوشیروان امیر المومنین ابابکر صدیق
۱۵	ذی القعده	در سنه ۳۵	در حکومت نوشیروان امیر المومنین عمر خطاب
۱۸	ذی الحجه	در سنه ۵۰	در حکومت نوشیروان امیر المومنین عثمان
۲۱	رمضان	در سنه ۲۶	در حکومت نوشیروان امیر المومنین علی
۱۵	شعبان	در سنه ۲	وحی دختر سرور عالم بی بی فاطمه
۱۶	جمادی الاول	در سنه ۳	وحی دختر آنحضرت بی بی زینب
۱۷	جمادی الثانی	در سنه ۴	وحی دختر آنحضرت ام کلثوم بی بی رقیه
۱۵	ربیع الاول	در سنه ۸	وحی فرزند آنحضرت ابراهیم
۱۱	صفر	در سنه ۵	وحی فرزند آنحضرت طیب
۲۱	محرم	در سنه ۶	وحی فرزند آنحضرت طاهر
۱۸	رجب	در سنه ۷	وحی فرزند آنحضرت قاسم
۱۹	شوال	در سنه ۱۱	در حکومت نوشیروان عبدالرحمن ابن عوف
۱۵	جمادی الاول	در سنه ۹۰ هجری	ابوفضیل ابن ابوعاس قریشی

marfat.com
Marfat.com

امجد علیشاه	
واجد علیشاه	

سلاطین حیدر آباد

نظام الملک	۱۷۱۸
ناصر جنگ خان	۱۷۴۰
مظفر جنگ خان	۱۷۵۷
نظام علی خان	۱۷۶۳
سکندر جاه	۱۸۱۳

راجکان مرہٹہ دکن

سیواجی	۱۶۵۱
سنبھاجی	۱۶۸۰
رام جی	۱۶۸۹
ساہو جی	۱۷۰۷
وسواس ناتھ	۱۷۱۲
باجی راؤ	۱۷۲۰
بالاجی راؤ	۱۷۴۰
راجہ رام جی	۱۷۵۰
مادھو راؤ	۱۷۶۱
رگناتھ راؤ	۱۷۷۳
نراین جی	۱۷۷۲
سباداراجی	۱۷۷۸
جیوا راؤ	۱۷۹۵
پرتاب سنگھ	۱۸۱۸
پرتاب سنگھ	۱۸۲۳

۷ راجکان گوالیار لودند

رانا جی	۱۷۱۶
جیاجی	۱۷۵۰
جنکوجی	۱۰۰۰
مادھو جی	۱۷۶۱
دولت راؤ	۱۷۹۹
جنکو جی	۱۸۲۰
جیاجی	۱۸۵۳

۷ راجکان اندور

ملہر راؤ	۱۷۲۸
علی راؤ	:۲
ملیا راؤ	.۶

تکاوجی

Marfat.com

۷ نفر افغانان در هندستان سلطنت نموده اند

شیرشاه	۱۵۴۲
سلیم شاه	۱۵۴۵
فیروزشاه	۱۵۵۳
محمدشاه	۱۵۵۳
سکندرشاه	۱۵۵۴

۱۵ نفر مغلون بار دیگر در هند بادشاهی کرده اند

همایون شاه	۱۵۴۵
اکبرشاه	۱۵۵۶
جهانگیرشاه	۱۶۰۵
شاهجهان	۱۶۲۸
اورنگ زیب	۱۶۵۸
رشاه	۱۷۰۷
جهاندارشاه	۱۷۱۲
فرخ سیر	۱۷۱۳
رفیع الدرجات	۱۷۱۷
محمدشاه	۱۷۱۸
احمدشاه	۱۷۴۷
عالمگیر ثانی	۱۷۵۳
شاه عالم	۱۷۶۱
اکبر ثانی	۱۸۰۶
بهادرشاه	۱۸۵۰

۱۱ نفر در اوده حکومت کرده اند

سعادت علی خان	نواب وزیر
سعادت جنگ خان	نواب وزیر
شجاع الدوله	۱۷۶۶
آصف الدوله	۱۷۷۵
سعادت علی خان	۱۷۹۸
غازی الدین	۱۸۴۵
نصیرالدین حیدر	۱۸۲۷
محمدعلی شاه	

marfat.com
Marfat.com

جلال الدین	۱۲۸۷
علاء الدین	۱۲۹۵
عمر الدین	۱۳۱۶
مبارک شاه	۱۳۱۷

سوم کرت ترک تغلق سلاطین در هند بادشاهی کرده اند

غیاث الدین	۱۳۲۱
محمد شاه	۱۳۲۵
فیروز شاه	۱۳۵۱
غیاث الدین ثانی	۱۳۸۸
ابوبکر شاه	۱۳۸۹
ناصر الدین ثانی	۱۳۹۰
همایون شاه	۱۳۹۴
محمود شاه	۱۳۹۵

۴ نفر سادات در هند بادشاهی کرده اند

سید خضر شاه	۱۴۱۴
سید مبارک شاه	۱۴۲۱
سید محمد شاه	۱۴۳۵
سید علاء الدین	۱۴۴۵

۵ نفر لودی افغان در هند بادشاهی کرده اند

بهلول	۱۴۵۰
سکندر	۱۴۸۷
ابراهیم	۱۵۱۷

۶ نفر سلاطین مغل در هند بادشاهی کرده اند

بابر شاه	۱۵۲۶
همایون شاه	۱۵۳۰
اکبر شاه	۱۵۵۶
شاهجهان	۱۶۲۸
جهانگیر شاه	۱۶۰۵
بهادر شاه	۱۷۰۷

Marfat.com

سلاطین اهل اسلام
غزنویه

نام	سنه جلوس
سبکتکین	۹۷۷
اسمعیل	۹۹۷
محمود	۹۹۸
محمد	۱۰۳۰
مسعود	۱۰۳۱
داوٗد	۱۰۴۱
مسعود ثانی	۱۰۴۹
حسن علی	۱۰۵۰
عبدالرشید	۱۰۵۱
فرخ زاد	۱۰۵۲
ابراهیم	۱۰۵۸
مسعود سوم	۱۰۹۸
ارسلان	۱۱۱۸
بهرام	۱۱۲۱
خسرو	۱۱۵۲
خسرو ملک	۱۱۶۰

دهلی که سلاطین اترکی در هند بادشاهی کرده اند

قطب الدین ایبک	۱۱۹۳
ارام شاه	۱۲۱۰
التمش	۱۲۱۱
رکن الدین فیروزشاه	۱۲۳۶
رضیه بیگم	۱۲۳۷
بیرام شاه	۱۲۴۰
مسعود شاه	۱۲۴۱
ناصر الدین شاه	۱۲۴۶
غیاث الدین بلبن	۱۲۶۶
کیقباد شاه	۱۲۸۶

بار دیگر ترک خلجی سلاطین در هند بادشاهی کرده اند

این کتاب سید سلامت علی شاه [illegible]

marfat.com
Marfat.com

در سنہ ۲۵ ہجری	امام علی نقی ابن امام محمد تقی رض	۹۱	سال
در سنہ ۲۶۰ ہجری	امام حسن عسکری ابن امام علی نقی رض	۷۵	سال
در سنہ ۱۰۱ ہجری	امام محمد ابن امام جعفر صادق رض	۶۰	سال
در سنہ ۸۱ ہجری	ابو بردہ ابن ابو موسیٰ اشعری	۹۰	سال
در سنہ ۶۵ ہجری	کعب ابن لوئی قرشی	۱۰۰	سال
در سنہ ۶۱ ہجری	جعفر ابن سلیمان	۸۰	سال
در سنہ ۷۰ ہجری	نعمان ابن عامر	۱۰۰	سال

Marfat.com

بیان تذکرہ معراج نامہ شرح صاحب پیر الفقر باللہ رسالت

۲۵	رجب	در سنہ ۱۲۱ ہجری	نصیر شاہ ابن منیر شاہ بادشاہ شام	۱۰۱	سال
۱۰	شعبان	در سنہ ۱۱۸ ہجری	غلام احمد ابن غلام محمد حاکم مدینہ	۹۵	سال
	ربیع الاول	در سنہ ۱۲۵ ہجری	امام اعظم ابو کوفی رحمۃ اللہ علیہ	۸۵	سال
۷	رجب	در سنہ ۴۵ ہجری	امام ابو یوسف رحمۃ اللہ علیہ	۶۵	سال
۲۱	صفر	در سنہ ۱۸۳ ہجری	امام مالک رحمۃ اللہ علیہ	۸۵	سال
۱۱	ربیع الآخر	در سنہ ۱۸۵ ہجری	امام احمد رحمۃ اللہ علیہ	۷۵	سال
۱۵	شعبان	در سنہ ۲۴۱ ہجری	امام شافعی رحمۃ اللہ علیہ	۹۵	سال
۸	جمادی الآخر	در سنہ ۱۸۷ ہجری	امام محمد شیبانی رحمۃ اللہ علیہ	۸۵	سال
۱۵	رمضان	در سنہ ۲۴۱ ہجری	امام ابو حنیفہ رحمۃ اللہ علیہ	۸۵	سال
۲۵	ربیع الاول	در سنہ ۵۰ ہجری	امام حسن ابن مرتضیٰ علی رضی	۶۵	سال
۱۰	محرم	در سنہ ۶۱ ہجری	امام حسین ابن مرتضیٰ علی رضی	۶۱	سال
۹	شعبان	در سنہ ۹۵ ہجری	امام زین العابدین ابن امام حسین حسن	۷۰	سال
۱۵	رجب	در سنہ ۱۱۷ ہجری	امام محمد باقر ابن ~~محمد امام احمد باقر~~ زین العابدین	۶۱	سال
۲۱	شعبان	در سنہ ۱۴۸ ہجری	امام جعفر ابن امام محمد باقر رضی	۶۵	سال
۱۵	صفر	در سنہ ۱۸۳ ہجری	امام موسیٰ کاظم ابن امام جعفر رضی	۵۱	سال
۸	شوال	در سنہ ۲۰۳ ہجری	امام علی موسیٰ رضا ابن امام موسیٰ کاظم رضی	۵۰	سال
۳	رجب	در سنہ ۲۵۴ ہجری	امام تقی ابن امام موسیٰ کاظم رضا	۵۵	سال

Marfat.com

تاریخ	ماه	سنه	اسماء	فوت عمر	
۱۸	شعبان	در سنه ۴۱ ہجری	عثمان ابن ابو طلحه اعرابی	۶۵	سالم
۱۲	محرم	در سنه ۹ ہجری	اکاذ ابن معاذ قریش	۵۵	سالم
۱۵	ربیع الاول	در سنه ۵۲ ہجری	زعب ابن کعب اسلمی قریشی	۷۵	
۲۱	ربیع الآخر	در سنه ۵۸ ہجری	عقبه ابن سقبه اعرابی	۷۵	سالم
۱۸	شوال	در سنه ۶ ہجری	امیر حمزه ابن عبد المطلب	۶۵	سالم
۱۵	شعبان	در سنه ۷۰ ہجری	بیمان برادر زاده سلطان نجاشی	۶۵	سالم
۱۹	رجب	در سنه ۵۴ ہجری	اسامه ابن اکامه انصاری	۷۵	سالم
۲۵	شعبان	در سنه ۵۵ ہجری	ثومان ابن اومان انصاری	۸۵	سالم
	رمضان	در سنه ۱۳ ہجری	ابو آسار ابن ابو اکار حبشی	۸۰	سالم
۱۸	صفر	در سنه ۱۸ ہجری	یسار ابن یسار حبشی	۱۰۰	سالم
۱۸	ذی الحجه	در سنه ۱۵ ہجری	ہلال ابن یسار حبشی	۸۰	سالم
۴	ذوالقعده	در سنه ۵۰ ہجری	ابوبکر ابن عبدالله انصاری	۶۵	سالم
۱۶	[illegible]	در سنه ۵۷ ہجری	محمد ابن عبدالرحمن قریشی	۶۵	سالم
۱۸	شوال	در سنه ۹۰ ہجری	نجاشی بادشاه حبش	۱۰۱	سالم
۱۵	جمادی الاول	در سنه ۳۰ ہجری	اقوقش بادشاه سکندریه	۱۰۰	سالم
۲۱	ربیع الاول	در سنه ۱۱ ہجری	مراد شاه ابن سلطان خان بادشاه روم	۱۰۰	سالم

در شام فوت

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماه	سنه	وفات	عمر
۲۵	شوال	در سنه ۱۲ ہجری	حذیفه ابن عذیفه انصاری	۷۱ ساله
۱۱	ربیع الاول	در سنه ۳۶ ہجری	صفوان و سعید و سبقی فرزندان عذیفه در غزوه صفین شہید شده بودند	
۱۸	جمادی الاخر	در سنه ۴۱ ہجری	بلال ابن جیب انصاری بزده غزا مجمعه در نوزدهم غزا شہید گردید ۶۵ ساله	
۱۵	رجب	در سنه ۱۸ ہجری	ابوجهد ابن ابوجبید انصاری	۵۵ ساله
۱۸	ذوالقعده	در سنه ۵۸ ہجری	اوس ابن جوس انصاری	۸۱ ساله
۱۵	شعبان	در سنه ۱۰۱ ہجری	ابوطفیل ابن ابونبیل اعرابی	۸۰ ساله
۲۵	ربیع الاول	در سنه ۵۴ ہجری	براء ابن عزاه انصاری	۹۱ ساله
۱۵	رمضان	در سنه ۴۱ ہجری	اشعث ابن جعث انصاری	۱۰۱ ساله
۱۸	شوال	در سنه ۸۴ ہجری	ابوسفیان ابن ابوعیان قریشی	۱۱۱ ساله
۲۵	صفر	در سنه ۱۷ ہجری	یزید ابن ابوسفیان قریشی	۸۵ ساله
۱۷	ربیع الاول	در سنه ۶۵ ہجری	معاویه ابن ابوسفیان قریشی	۹۵ ساله
۲۵	محرم	در سنه ۵۱ ہجری	خالد ابن ولید قریشی	۹۰ ساله
۱۵	شوال	در سنه ۱۱ ہجری	ابوطالب ابن عبدالمطلب	۱۰۱ ساله
۱۲	ربیع الاول	در سنه ہجری	ابوسلمه ابن ابوکلمه قریشی	۹۵ ساله
۲۵	رجب	در سنه ۳۵ ہجری	حضرت عباس ابن عبدالمطلب	۹۸ ساله

Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	فوت	عمر
۱۵	شوال	در سنہ ۵۴ ہجری	اسامہ ابن اسامہ قریشی	۸۵ سال
۱۱	ربیع الاول	در سنہ ۶۵ ہجری	ابوعبداللہ ابن ابوعبادالہ انصاری	۹۵ سال
۱۲	رمضان	در سنہ ۵۰ ہجری	حسان ابن عباس قریشی	۹۸ سال
۱۰	شوال	در سنہ ۵۴ ہجری	عیس ابن قیس انصاری	۱۰۰ سال
۱۵	ربیع الاخر	در سنہ ۶۵ ہجری	رقیب ابن حبیب قریشی	۹۵ سال
۱۷	جمادی الاخر	در سنہ ۶۷ ہجری	ابوسعید ابن ولید انصاری	۱۰۰ سال
۱۱	شوال	در سنہ ۶۰ ہجری	ابوریحانہ ابن ~~[illegible]~~ ابوجابانہ انصاری	۹۵ سال
۲۵	صفر	در سنہ ۵۵ ہجری	ابولبابہ ابن ابولبابہ قریشی	۸۵ سال
۱۸	رجب	در سنہ ۵۸ ہجری	ابولیس ابن ابوقیس انصاری	۹۵ سال
ان	و حضرت مرتضی	و کعب و زید و ابابکر صدیق	و کید و عبید	
۱۷	شوال	در سنہ ۵۱ ہجری	عمرو ابن ابی العاص	۶۵ سال
۱	ذوالقعدہ	در سنہ ۱۲ ہجری	عبداللہ ابن عبداللہ انصاری	۸۵ سال
۲۵	محرم	در سنہ ۳۲ ہجری	عبداللہ ابن زید قریشی	۶۵ سال
۱۸	شعبان	در سنہ ۶۳ ہجری	حبیب ابن عبداللہ قیسی	۶۱ سال

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	اسماء فوت	عمر	
۱۵	شعبان	در ۱۵ ہجری	عبداللہ ابن رحمت اللہ قریشی	۸۰	سال
۱۸	رمضان	در ۵ ہجری	ارقم ابن ارقم یہودی	۹۵	سال
۱۲	ربیع الاول	در ۱۳ ہجری	بشیر ابن نظر یہودی	۹۸	"
۲۰	ربیع الآخر	در ۳۲ ہجری	سعداللہ ابن فیض اللہ اعرابی	۸۵	
۲۸	صفر	در ۵ ہجری	ابو سلمہ ابن ابو الکلام برادر امیر حمزہ	۴۵	"
۲۱	ربیع الآخر	در ۵۴ ہجری	ابو طیب ابن عبدالعزیز قریشی	۱۲۱	"
۱۵	رجب	در ۱۲ ہجری	معب ابن کعب قریشی	۹۵	"
۱۱	شعبان	در ۶۳ ہجری	عبداللہ ابن حذافہ یہودی	۶۵	سال
۱۵	شوال	در ۶۵ ہجری	اشجع ابن اجلع اعرابی	۹۱	
۲۸	رمضان	در ۳۵ ہجری	حاطب ابن حاطب انصاری	۹۵	سال
۱۸	شوال	در ۵۴ ہجری	عروہ ابن مسعود قریشی	۶۵	سال
۱۵	رمضان	در ۵۱ ہجری	ابو جریر ابن کبیر قریشی	۸۵	سال
۱۲	صفر	در ۹۱ ہجری	ابو حمزہ ابن ابو قمزہ انصاری	۹۰	سال
۱۸	شعبان	در ۵ ہجری	واثلہ ابن ناصلہ یہودی	۸۰	سال
۱۵	شوال	در ۳۵ ہجری	سلمان فارسی ابن عبدالرحمن فارسی	۱۵۰	"
۱۱	ربیع الاول	در ۵ ہجری	عبداللہ ابن عثمان ابن عفان	۵۵	سال
۱۲	ربیع الآخر	در ۸ ہجری	ابو سلمہ ابن ابو اسد مخزومی	۶۵	سال

Marfat.com

	ماه	سنه	وفات	عمر	
	صفر	در سنه ۹۱ ہجری	ابوحمزہ بن انس انصاری	۸۵	سال
۱۱	ربیع الاول	در سنه ۳۱ ہجری	عبداللہ ابن مسعود قریشی	۶۸	سال
	ماہ ربیع الآخر	در سنه ۴۳ ہجری	ابوعبد ابن ابوکعب انصاری	۸۵	سال
	شعبان	در سنه ۵۸ ہجری	ابوعقبہ ابن سقبہ یہودی	۶۵	سال
	جمادی الاول	در سنه ۵۷ ہجری	ایمن ابن خمس یہودی	۹۱	سال
	شعبان	در سنه ۳۱ ہجری	اشلع ابن اجلع یہودی	۷۵	سال
۱۷	رمضان	در سنه ۳۲ ہجری	ابوذر ابن غفار قریشی	۹۵	سال
۱۸	رجب	در سنه ۵۵ ہجری	ثوبان ابن اومان یہودی	۸۵	سال
۱۰	ذوالقعدہ	در سنه ۱۳ ہجری	ابوسلمہ ابن ابوجبلہ یہودی	۵۵	سال
۱۲	شعبان	در سنه ۴۸ ہجری	ابوخیرہ ابن ابوبشیر قریشی	۶۵	سال
۲۵	رمضان	در سنه ۳۱ ہجری	زبیر ابن عوام قریشی	۹۵	سال
۱	ربیع الاول	در سنه ۵۱ ہجری	خالد ابن زید قریشی	۶۵	سال
۲۱	جمادی الآخر	در سنه ۳۵ ہجری	طلحہ ابن زبیر قریشی	۷۵	سال
۱۰	شعبان	در سنه ۵۰ ہجری	شرجیل ابن مربار یہودی	۸۵	سال
۱۲	ربیع الاول	در سنه ۱۲ ہجری	عبداللہ ابن عزیز اللہ انصاری	۹۱	سال
۱۸	شوال	در سنه ۴۳ ہجری	عثمان ابن ابی عاص قریشی	۸۵	سال

marfat.com

Marfat.com

۱	ذوالقعده	سنہ ۷ ہجری	بی بی میمونه دختر حارث را حضرت نکاح کرده بودند	
۱۵	محرم	سنہ ۸ ہجری	ام حبیبه دختر ابوسفیان آنحضرت نکاح کرده بودند	
۱۶	رمضان	سنہ ۹ ہجری	زینب دختر خزیمه آنحضرت نکاح کرده بودند	
۱۳	شعبان	سنہ ۱۰ ہجری	زینب دختر عامر آنحضرت نکاح کرده بودند	
۱۵	شوال	سنہ ۲۰ ہجری	بی بی اسود دختر شجاع را نکاح نموده بودند	
۱۵	رمضان	سنہ ۱۱ ہجری	بی بی خدیجه حرم آنحضرت بدار البقا رحلت فرموده بودند	۹۱ ساله
۱۲	ربیع الاول	سنہ ۱۲ ہجری	آنحضرت بدار البقا رحلت فرموده بودند	۶۳ ساله
۱۳	جمادی الاول	سنہ ۱۸ ہجری	زینب دختر خزیمه بدار البقا کوچیده بود	۸۵ ساله
۲۵	جمادی الآخر	سنہ ۵۸ ہجری	ام سلمه دختر ابی امیه فوت گردید	۸۱ ساله
۱۵	رجب	سنہ ۲۱ ہجری	زینب دختر جحش فوت گردید	۷۵ ساله
۱۱	ذوالقعده	سنہ ۸۶ ہجری	جویریه دختر حارث فوت گردید	۸۱ ساله
۱۵	ذوالحجه	سنہ ۴۵ ہجری	ام حبیبه دختر ابوسفیان فوت گردید	۷۵ ساله
۱۵	محرم	سنہ ۵۵ ہجری	ابو صفیه میمون فوت گردید	۸۱ ساله
۱۶	شعبان	سنہ ۳۸ ہجری	میمونه دختر حارث فوت گردید	۶۵ ساله
۱۸	شوال	سنہ ۵۳ ہجری	اسوده دختر ضامره فوت گردید	۶۶ ساله

marfat.com
Marfat.com

۱۱	شوال	سنہ ۱ ہجری	آیتِ فرض شدن زکوت نازل شده بود
۱۲	ربیع الاول	سنہ ۱۱	نماز ۵ وقتہ فرض شده بود
۵	سفر	سنہ ۱۴	ہجرت آن حضرت شده بود
۲۵	رمضان	در سال چہل	حضرت جبرائیل بر آن صاحب وحی آورده بودند
۱۵	رمضان	در سال ۲	ہجرت نماز عیدین فرض شده بودند
۱	محرم	در سنہ ۲۵ ہجری	سپارہای فرقان حمید جمع شده بودند
۱۵	رمضان	سنہ ۱۱ ہجری	بی بی عائشہ را نکاح کرده بودند
۱۱	شوال	سنہ ۹ ہجری	بی بی خدیجۃ الکبرا را نکاح کرده بودند
۱۵	رجب	سنہ ۸ ہجری	شادی بی بی فاطمۃ الزہرا شده بود
۱۵	سفر	سنہ ۱ ہجری	شادی بی بی زینب ہمراہ حضرت عثمان شده بود
۱۱	شوال	سنہ ۳ ہجری	شادی بی بی ام کلثوم ہمراہ حضرت عثمان شده بود
۱۸	شوال	سنہ ۴ ہجری	انحضرت بی بی ام سلمہ را نکاح کرده بودند
۲۱	ربیع الاخر	سنہ ۳ ہجری	بی بی حفصہ را آن حضرت نکاح کرده بودند دختر حضرت عمر بود
۱۷	شعبان	سنہ ۵ ہجری	بی بی جویریہ دختر حارث را حضرت نکاح نموده بودند
۱۵	سفر	سنہ ۶ ہجری	بی بی زینب دختر جحش را انحضرت نکاح کرده بودند

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماه	سنه	فوت	اعداد عمر	
۱۲	ربیع الاول	در سنه ۶۳ هجری	ابابکر صدیق رحلت فرموده بودند	۶۱	ساله
۱۵	رجب	در سنه ۱۳ هجری	ثابت بن قیس انصاری رحلت نموده بود	۶۵	ساله
۱۸	جمادی الاول	در سنه ۱۱۱ هجری	حضرت مرتضی رحلت نموده بودند	۸۱	ساله
۲۵	شوال	در سنه ۵۱ هجری	خالد بن زید رحلت نموده بودند انصاری	۶۱	ساله
۱۵	ذوالقعده	در سنه ۳۳ هجری	عمر خطاب رحلت فرموده بودند	۸۵	ساله
۱۱	جمادی الآخر	در سنه ۱۰۱ هجری	خواجه حسن بصری رحلت فرموده بودند	۸۱	ساله
۲۵	ربیع الآخر	در سنه ۳۸ هجری	عبدالله بن سعد رحلت نموده بودند	۸۵	ساله
۱۵	محرم	در سنه ۳۲ هجری	عبدالله بن زید انصاری فوت شده بودند	صد	ساله
۱۱	جمادی الاول	در سنه ۳۵ هجری	حذیفه بن یمان قریشی فوت گردیده بود	۸۰	ساله
۱۵	ربیع الاول	در سنه ۱۲ هجری	یمان والد حذیفه قریشی فوت شده بودند	۹۵	ساله
۱۳	جمادی الاول	در سنه ۴۱ هجری	حمزه بن عبدالمطلب فوت شده بودند	۵۱	ساله
۸	محرم	در سنه ۶۱ هجری	عمرو بن امیه ضمری قریشی فوت شده بود	۶۵	ساله
۱۸	ذوالحجه	در سنه ۱۸ هجری	معاذ بن جبل در شام فوت شده بود	۴۵	ساله
۱۵	محرم	در سنه ۱۹ هجری	بشیر بن ابوسفیان قریشی فوت شده بود	۶۵	ساله
۲۵	صفر	در سنه ۲۷ هجری	عبدالرحمن بن عوف انصاری فوت گردید	۶۵	ساله
۲۱	جمادی الآخر	در سنه ۴۱ هجری	مسعود بن جبیر انصاری فوت شده بود	۹۵	ساله

این همه اصحاب آنحضرت بودند

Marfat.com

۱۵	رمضان	سنہ ۵۸ ہجری	زینب دختر عامر رحلت نمودہ بود	۷۱ سالہ
۲۵	ربیع الآخر	سنہ ۴۶ ہجری	حفصہ دختر عمر خطاب رحلت نمودہ بود	۶۵ سالہ
۱۱	ربیع الاول	سنہ ۳۰ ہجری	بی بی زینب دختر محمد رحلت فرمودہ بودند	۴۵ سالہ
۱۵	جمادی الاول	سنہ ۹۷ ہجری	ام کلثوم دختر محمد رحلت فرمودہ بودند	۴۸ سالہ
۱۲	جمادی الآخر	سنہ ۶ ہجری	فاطمہ دختر اسد مادر مرتضیٰ رحلت نمودند	صد سالہ
۱۵	شوال	سنہ ۵۴ ہجری	اسودہ دختر شجاع حرم فوت شدہ بود	۶۱ سالہ
۱۱	جمادی الآخر	سنہ ۶ ہجری	ام رومان دختر عامر مادر عائشہ فوت گردید	صد سالہ
۱۵	جمادی الاول	سنہ	بعمر ۶ سالگی مادرش بی بی آمنہ فوت شدہ بودند	۶۵ سالہ
۳	ربیع الاول	سنہ ۸ ہجری	ثوبیہ خدمتگار ابولہب آنحضرت را شیر دادہ بود فوت گردید	۹۵ سالہ
۱۱	صفر	سنہ ۷ ہجری	طیب فرزند آنحضرت رحلت نمودہ بودند	۳ سالہ
۸	رجب	سنہ ۸ ہجری	قاسم فرزند آنحضرت رحلت نمودہ بودند	۵ سالہ
۱۲	شوال	سنہ ۹ ہجری	ابراہیم فرزند آنحضرت رحلت نمودہ بودند	۸ ماہ
۱۵	صفر	سنہ ۳۰ / ۵۸ ہجری	سعد ابن ابی العاص فوت شدہ بود	۶۲ سالہ
۱۴	شوال	سنہ ۳۶ ہجری	زبیر ابن عوام رحلت نمودہ بودند	۷۵ سالہ
۱۸	شعبان	سنہ ۵۱ ہجری	عباد ابن بشیر فوت شدہ بودند	۵۵ سالہ
۱۱	رجب	سنہ ۵ ہجری	مالک ابن عوف قرشی رحلت شدہ بودند	۹۵ سالہ

[illegible] پسران آنحضرت بودند

marfat.com
Marfat.com

تاریخ	ماه	سنه	وفات	عمر
۱۸	ربیع الآخر	در سنه ۱۷ هجری	اشعث ابن هارون انصاری	۶۵ سال
۲۱	ربیع الاول	در سنه ۶۸ هجری	عادی ابن حاتم طائی	۱۲۱ سال
۱۵	ربیع الآخر	در سنه ۵۱ هجری	ولید ابن عقبه قریش	۹۵ سال
۱۸	جمادی الاول	در سنه ۵۰ هجری	عباس ابن مرداس انصاری	۹۳ سال
۱۵	شوال	در سنه ۴۱ هجری	اسود ابن سریع قریش	۸۵ سال
۱۸	جمادی الاول	در سنه ۴۵ هجری	نافع ابن ربیع انصاری	۹۵ سال
۲۱	جمادی الآخر	در سنه ۱۷ هجری	ولید ابن عقبه قریش	۹۱ سال
۲۵	رجب	در سنه ۷۵ هجری	قیس ابن عبدالله اعرابی	۹۵ سال
۱۵	شعبان	در سنه ۴۸ هجری	جادی ابن عروه قریش	۱۸۱ سال
۱۸	ذوالحجه	در سنه ۵۵ هجری	ارقم ابن حلیم اعرابی	۶۵ سال
۲۱	شوال	در سنه ۶۳ هجری	بلال ابن رباح حبشی	۸۵ سال
۱۱	ذوالقعده	در سنه ۶۰ هجری	الثوم ابن کلثوم حبشی	۸۲ سال
۲۱	ذوالحجه	در سنه ۷ هجری	اوس ابن اکوس قریش انصاری	۹۰ سال
۱۸	محرم	در سنه ۷۵ هجری	سعد ابن سعد انصاری	۹۵ "
۱۳	صفر	در سنه ۷۸ هجری	حمید ابن الید قریش	۷۵ "

Marfat.com

تاریخ	ماہ	سنہ	فوتیدگی	اعداد	سال
۱۵	شعبان	در سنہ ۴۵ ہجری	ضحاک بن ابوسفیان	۸۵	سالہ
۲۱	جمادی الآخر	در سنہ ۳۶ ہجری	طلحہ برادرزادہ ابابکر …	۶۱	سالہ
۱۱	محرم	در سنہ ۴۸ ہجری	ذکوان بن عبداللہ انصاری	۷۰	سالہ
۱۵	جمادی الاول	در سنہ ۳۵ ہجری	حنظلہ بن ربیع قریش	۱۹۵	سالہ
۱۱	ربیع الآخر	در سنہ ۵۸ ہجری	سعید بن ابی العاص قریش	۶۵	سالہ
۱۲	ذوالقعدہ	در سنہ ۱۸ ہجری	ابوعبیدہ بن جراح قریش	۹۱	سالہ
۱۱	ربیع الاول	در سنہ ۴۵ ہجری	زید بن ثابت قریش	۹۱	سالہ
۲۸	ربیع الآخر	در سنہ ۱۵ ہجری	شرحبیل بن حسن انصاری	۹۵	سالہ
۱۵	رجب	در سنہ ۱۱ ہجری	خالد ابن مغیرا قریش	۹۰	سالہ
۲۵	شعبان	در سنہ ۸۱ ہجری	محمد ابن مسلمہ قریش	۶۵	سالہ
۱۵	صفر	در سنہ ۵۱ ہجری	مغیرہ ابن شعبہ قریش	۷۷	سالہ
۱۵	ذوالحجہ	در سنہ ۳۱ ہجری	امیہ ابن اصالت قریش	۱۵۰	سالہ
۱۲	ربیع الاول	در سنہ ۳۵ ہجری	حسان ابن ثابت قریش	۸۰	سالہ
۲۵	ذوالحجہ	در سنہ ۷۵ ہجری	کعب ابن مالک انصاری	۷۵	سالہ
۱۵	شوال	در سنہ ۱۱۱ ہجری	حضرت علی ابن ابی طالب	۷۹	سالہ
۱۱	ربیع الاول	در سنہ ۷۵ ہجری	ایمن ابن خزیمہ قریش	۷۵	سالہ

[illegible]

marfat.com
Marfat.com

ننگا وجی	۱۷۹۵	محمد شاہ ثانی	۱۴۶۳
جونت راؤ	۱۷۹۸	محمود شاہ ثانی	۱۴۸۲
ملہر راؤ	۱۸۱۱	احمد شاہ ثانی	۱۵۱۸
سایاجی راؤ	۱۸۱۵	علاء الدین سوم	۱۵۲۰
۹ سلاطین گل برگہ والہ اند		ولی اللہ	۱۵۲۳
علاء الدین	۱۳۴۷	کلیم اللہ	۱۵۴۶
محمد شاہ	۱۳۵۸	جمال الدین	۱۵۴۹
مجاہد شاہ	۱۳۷۵	۱ سلاطین بیجا پور عادل شاہیہ	
داؤد شاہ	۱۳۷۸	محمد یوسف عادل	۱۴۸۹
محمود شاہ	۱۳۸۰	اسمٰعیل	۱۵۱۰
غیاث الدین	۱۳۹۷	ابراہیم	۱۵۳۴
شرف الدین	۱۳۹۸	علی شاہ	۱۵۵۷
فیروز شاہ ـ	۱۳۹۹	ابراہیم ثانی	۱۵۷۹
احمد شاہ ـ	۱۴۲۲	محمد شاہ	۱۶۲۶
علاء الدین ثانی	۱۴۳۵	محمد علی عادل	۱۶۶۰
ہمایون شاہ	۱۴۵۷	احمد علی	۱۶۷۱
نظام الدین	۱۴۶۱	۱۰ نظام شاہی احمد نگر این اند	

Marfat.com

نظام شاہ	۱۴۹۰
برہان شاہ	۱۵۰۰
حسین شاہ	۱۵۵۳
مرتضٰی شاہ	۱۵۶۵
میران حسین	۱۵۸۶
سبحان شاہ	۱۵۸۹
ابراہیم شاہ	۱۵۹۴
بہادر شاہ	۱۵۹۶
محمد شاہ	۱۶۰۰
احمد شاہ	۱۶۰۳

قطب شاہی گولکنڈہ والے

قطب علی شاہ	۱۵۰۷
جمشید شاہ	۱۵۴۸
سبحان شاہ	۱۵۴۹
ابراہیم شاہ	۱۵۵۰
محمد شاہ	۱۵۸۰
ابوالحسن	۱۶۷۲
غلام حسین	۱۶۷۵
عظیم شاہ	۱۶۸۰
محمد ابراہیم شاہ	۱۶۸۰

کریم شاہ	۱۴۸۰

شرقی سلاطین اجودھ

جہان شاہ	۱۳۹۴
مبارک شاہ	۱۳۹۹
ابراہیم شاہ	۱۴۰۱
محمود شاہ	۱۴۴۰
احمد شاہ	۱۴۴۵
محمد شاہ	۱۴۵۷
حسین شاہ	۱۴۵۹
محسن شاہ	۱۴۶۲
سبحان شاہ	۱۴۷۱

سلاطین پورب بنگالہ

فخرالدین	۱۳[illegible]
علاءالدین	۱۳۴۰
جمال الدین	۱۳۴۳
حاجی عباس	۱۳۴۶

سکندر شاہ

ملک سید ... موضع ... تحصیل ...

marfat.com
Marfat.com

را دو پسران بودند یکی بلغار بود که شهر بلغار منسوب باوست
و دیگری برطاس که (نام او بود) سمور و سنجاب از آنجا بدست آورده بودند
و از پوست آنها طبوسات ترتیب داده (بودند) و بزعم بعضی
اهل تواریخ رومیان و یونانیان نیز از اولاد کماری یافث
اند و یاجوج و ماجوج نیز از اولاد کماری اند بنجم منشیع بن
یافث که ماجوج اولاد اوست و در بعضی تواریخ مسطور است
چون که از اقلیم هفتم بلندی بجای رسی که شش ماه (منزل آنجا) روز بوده
باشد و شش ماه شب و از آنجا نزدیک است بسد سکندر
که یاجوج و ماجوج را در میان (آن) دره کوه محبوس کرده (اند) که از آنجا
خود بیشتر رفتن نمی توانند و خراجی از ایشان نمی توانند چون که
سوداگران بجانب چین میروند و ... خراج میگیرند
صورت یاجوج و ماجوج مانند آدمی است و ... عادت
دام و دد ... دارند و بغیر صید کردن ... نمی شوند و یکدیگر را
گرفته خراب میکنند و جوع قویتر و خون ضعیفتر می خورند
و رنگ ایشان بسیار سفید مانند برف میباشد و بینی ندارند
و چشمهای ایشان خورد اند و بغیر زلف سر بر وجود موی ندارند
و درازی قامت ایشان چهار بلشت است و عمر ایشان از
سایر بنی آدم درازتر است و بطرف شمال میباشند

سرما و برف

Marfat.com

بیان چنگیز خان است

فوت شده بود نقل از تواریخ دهلی نموده شد

بیان احوالات

خوانین چنگیز خانی که از آبا و اجداد و اولاد و احفاد آو شان حکمرانی اراده می آمدند
می آمدند را و بیان آثار و مورخان روزگار رشید بنر کلک گوهر سلک
را در میدان قرطاس جولان نمیدند وارد نموده شد که جمیع خانان بلاد مشرق و
مغرب و حاکمان بلاد جنوب و شمال از نسل یافث بن حضرة
نوح علیه السلام اند بدانکه یافث را هفت پسران بوده اند اول
ترک بن یافث که تاج و تخت و خرگاه و بارگاه این جمله که سنجرها
بیان شده اند آمده آن همه مخترعات وی هستند روزی که در شکار
گاه طعام میخوردند ناگاه لقمه از دستش بر زمین شوره افتاد زود
آن لقمه را از زمین نمکین برداشته بخورد آن لقمه او را خوش
آمد از آنروز رسمی نمک در طعام انداختن رواج شده گرفت دویم
روس بن یافث از کمال دانائی ریل سواری و قطار برقی خبر دهنده
و اکنون بوست در بحر میگرد اند و توپ چهم و غیره اسلحه تیار کرده اند
اند سویم چین بن یافث و وی اول کسی است که نقاشی
و مصوری و بافنده گی جامهای ملون ابداع اختراع کرده برفرزندان
خود همه هنرهای را آموخت آموخته و مشک از آهوی صحرای
وی حاصل نموده بود و اکثر حرف و صناعات که تا غایت در
درمیان اهل چین باقی مانده از مخترعات او هستند و چین را
پسر کم بود که بانی ماچین اوست چهارم کماری بن یافث بوده اند

marfat.com
Marfat.com

بودند
بران بازرگان افتاد همدران وقت بمرتبه ولایت رسیده
و شیخ صاحب پرسیدند که از کدام مملکت میباشید گفت
که در فلان مملکت میباشم بعد ازان ارشادنامه تحریر نموده او
را عنایت فرمودند بلکه اجازت هم دادند تا که در ولایت خود رفته
خلائق را بحق تعالی ارشاد کنید روزی که شیخ با اصحاب خود در جای
خود نشسته بودند که بازی پس صعوه میرفت ناگاه نظر شیخ
بران صعوه افتاد همان زمان صعوه برگشته باز را گرفتار نموده
نزد شیخ صاحب حاضر گردانید و روزی نظر شیخ صاحب
در اثنای راه بر سگی دشتی افتاده بود همدران وقت بخشش یافته
بیخبر بود متحیر شد و روی خود را از جانب شهر گردانیده بطرف صحرا
و بگورستان روانه شد و سر خود را بر زمین می مالید آورده اند هرجا
که آن ورفت میکرد قریب پنجاه سگ از گرد او حلقه کردند
و دستان خود را پیش او نهادندی و آواز میکردندی و هیچ
شی نخوردندی در اندک زمان آن سگ بمرد شیخ صاحب
فرمودند که او را دفن نمایند و بر سر قبر او عمارت ساختند و حضرت
شیخ صاحب تربیت از شیخ اسمعیل قصری و از شیخ
عمار یاسر نیز یافته بودند و ایشان هردو مرید شیخ نجیب الدین
عبدالقاهر سهروردی بودند و حضرت شیخ را مریدان
بسیار بودند زیرا که چندین از ایشان یگانه زمان و مقتدای
دوران بودند چنانچه شیخ مجدالدین بغدادی و شیخ سعدالدین
حموی و شیخ رضی الدین علی لالا و شیخ سیف الدین باخرزی

marfat.com
Marfat.com

وبابا جمال الدین خجندی وشیخ نجم الدین رازی قدس الله سره العزیز
وشیخ سیف الدین ابو نصر بن محمد بن ناصر الدین
چون که ناصر الدین وفات یافت جمیع اکابر واصاغر از روی
باطن وظاهر متفق گشته با وی بیعت کردند و وی در آن وقت
پنجاه و دو ساله بودند میگفت که دوکانی که بقال نماز دیگر باز بند
پیداست که چند سود نماید و بظاهر خلیفه عدالت شعار و دیندار
و پسندیده آثار بودند که در ایام اقتدار خویش بقدر امکان رد مظالم
می نمودند و جریان که جمیع اموال دیوانی محبوس بودند آنها را آزاد
فرمودند و بعد از عمر بن عبد العزیز رحمة الله علیه که بحسن سیرت
او بجلس بر مسند خلافت نه نشست بودند بروز جمعه ۱۳ رجب
سنه ۶۲۳ هجری ابو نصر رخت سفر آخرت را از دار فانی بربست
یازده ماه و پانزده روز خلافت نمودند و از علماء کبار که در زمان او بودند
امام الدین ابو القاسم عبد الکریم الرافعی در زمان او بتاریخ
مذکور بجلد برین پیوست و شرح کبیر و شرح صغیر از مؤلفات
آن امام تحریر یافت و امام بوجود بر معارج علم و کمال
و در نظم اشعار شغلی می نمودند این رباعی از اشعار امام است

در جامه صوف گسته زنار چه سود	در صومعه رفته دل بیازار چه سود
زو از ز رکسان راحتی خود میطلبی	یکراحت ودعلم بزرار آزار چه سود

الظاهر بالله ابو منصور محمد بن ناصر الدین و ناصر
را در ایام حیات خود ولی عهد ساخته بودند و شانزده سال بر منابر
بعد از ذکر

marfat.com
Marfat.com

بیان چنگیز خان است

فوت شده بود نقل از تواریخ دهلی محمد شد بیان حالات
خوانین چنگیز خانی که از آبا و اجداد و اولاد و احفاد اوشان حکمرانی ارده می آمدند
می آیند از دیباچهٔ آثار و مسور خان روزگار شنیده شد که کلک گوهر سلک
را در میدان قرطاس جولان میدهد که جمیع خاقانان بلاد مشرق و
مغرب و حاکمان بلاد جنوب و شمال از نسل یافث بن نوح
نوح علیه السلام اند بدانکه یافث را هفت پسران بودند اول
ترک بن یافث که تاج و تخت و خرگاه و بارگاه این جمله که
بیان شده اند آن همه مخترعات وی هستند روزی در شکار
گاه طعام میخوردند ناگاه لقمه از دستش بر زمین شور افتاد از خوردن
لقمه از زمین نمکین بر داشته بخورد از لقمه آن لقمه او را خوش
آمد از آن روز رسم نمک در طعام انداختن رواج شده دوم
روس بن یافث از کمال دانائی ریل سواری و قطار برقی جز دهنده
و اکن بوت در بحر میکردند و توپ و غیره اسلحه تیار کرده اند
اند سوم چین بن یافث و وی اول کسی است که نقاشی
و مصوری و بافنده که جامهای ملون ابداع اختراع کرده بر فرزندان
خود همه [illegible] آموخت [illegible] و مشک از آهوی صحرای
[illegible] حاصل [illegible] بود و اکثر حرف و صناعات که تا غایت در
در میان اهل چین باقی مانده از مخترعات او هستند و چین [illegible] را
پسر [illegible] بوده که بانی ماچین او است چهارم کماری بن یافث بودند

را دو پسران بودند یکی بلغار بود که شهر بلغار منسوب باوست
و دیگری برطاس که هم سمور و سنجاب از آن بدست آورده بودند
و از پوست آنها ملبوسات ترتیب داده اند و بزعم بعضی
اهل تواریخ رومیان و یونانیان نیز از اولاد خزاری [illegible]
اند و یاجوج و ماجوج نیز از اولاد خزاری اند بنجم منشی [illegible]
یافث که ماجوج از اولاد اوست و در بعضی تواریخ مسطور است
چون که از اقلیم هفتم بگذری بجای رسی که شش ماه روز
باشد و شش ماه شب و از آنجا نزدیک است بسد سکندر
که یاجوج و ماجوج را درمیان [illegible] کوه محبوس کرده که [illegible]
خود پیشتر رفتن نمی توانند و خرابی کرد نمی توانند چون که
سوداگران بجانب چین میروند و از آن [illegible] کنند
صورت یاجوج و ماجوج مانند آدم [illegible] عادت
دام [illegible] اند بغیر صید کردن [illegible] دیگر را
گرفته خوراک میکنند وجود قوی تر و خون ضعیفتر می خورند
و رنگ ایشان بسیار سفید مانند برف میباشد و [illegible]
و چشمهای ایشان خورد اند و بغیر زلف سر بر وجود موی ندارند
و در درازی قامت ایشان چهار بلشت است و عمر ایشان از
سایر بنی آدم درازتر است و بطرف شمال میباشند

سرما و برف

marfat.com
Marfat.com

پوشیده که بیست و یک [illegible] در علاقه الغ یورت [illegible] پایگاه
تخت فیض رسان والاشان خان صاحب چنگیز خان است
بنخوانی بادشاهی نموده اند مشارالیه خانی بود فرخنده
آثار و سلطانی معدلت شعار دین مسلمانی را بر دیگر ادیان
مرجح داشتی و تخم محبت در سینه ارباب عرفان کاشتی
سیزده سال سلطنت نموده و در ربع ذوالحجه ٦٣٩
[illegible] الذات از کمین گاه بیرون تاخت و بیک ناگاه
تیر اجل از شصت قضا بانداخت ۲ کیوک خان بن
قاآن دو سال سلطنت نموده ۳ منکو خان بن تولی خان
هشت سال والی مملکت بود و در زمان خان صاحب
والاشان هلاکو خان بر زمین ایران توجه نموده ۴ قبلا قاآن
بن تولی خان و وی در زمان بادشاهی خود بنای خان
بالیق در خطای [illegible] نموده و در آن مربع نهادند و طول
هر دیواری آن شش فرسنگ [illegible] فرمان [illegible] یافته بود
که از بنادر هندوستان جوی بغایت بزرگ ببرید حسب
الحکم آن بادشاه جوی کلان ببریدند و آب دریا در میان شهر
آوردند که هر زمان در کشتی سوار شده ده بار در رفته [illegible]
[illegible] بار هند خریده در خدمت خان بالیق حاضر می آوردند
وند و از اطراف و جوانب آن جو بها برده بودند
ببریدند جو [illegible] از آب فرات [illegible] گذر [illegible] بادشاه [illegible] بحیات

marfat.com
Marfat.com

یقول تیمور خان سی و پنج سال تا آخر سلطنت قیام نموده بودند و
عمر او هفتاد و چهار سال بود که تخته تابوت بعوض تخت
فانی بیافت و از این عالم فانی رحلت نموده [illegible] و [illegible]
[illegible] که پرویز از این زمانه چه خورد برو بپرس که کسری ز روزگار چه برد
[illegible] گرفت ولی ممالک به دیگران بگذاشت [illegible] خزائن [illegible] دیگران [illegible]
۵ تیمور قاآن بن جیم کیم بن قوبیلا قاآن شش سال در جهان
فانی سلطنت کرده بودند ۶ توشلا تیمور قاآن بن [illegible]
خان [illegible] سال بخوبی حکمرانی نموده بودند ۷ [illegible] بن [illegible]
یکسال در دور فانی سلطنت نموده بودند ۸ [illegible] بن [illegible]
خان دو سال در جهان فانی حکمرانی کرده بودند ۹ [illegible] بن [illegible]
خان چهار سال سلطنت نموده ۱۰ توقتمور خان بن تیمور [illegible]
عالم فنا [illegible] شش سال حکمرانی کرده بودند ۱۱ [illegible]
قاآن هشت سال سلطنت بخوبی سرانجام نموده ۱۲ [illegible] تیمور خان [illegible]
تیمور خان [illegible] سال حکمرانی کرده بودند ۱۴ ایلچی خان بن تیمور قاآن
که در زمان حضرت صاحبقران والاشان [illegible] آمیر
تیمور گورکانی بوده که در ملازمت آنحضرت بهره اندوز [illegible] بوده
بوده ۱۵ و النای خان ۱۶ [illegible] آذری خان بن [illegible] تیمور خان
۱۷ آذری خان بن ارکتمور ۱۸ جوجی خان بن چنگیز خان که
ایالت خوارزم و دشت قبچاق و والان و اس و بلغار و
روس [illegible] تفویض نموده و [illegible] سال سلطنت کرده بودند و جوجی [illegible]

شش ماه قبل از [illegible]

marfat.com
Marfat.com

وقد اجمع المشایخ علی انه صحبت سیدنا امیر المؤمنین منه
ولبس الخرقة منه ولا ریب ان هؤلاء الجماهیر من الاول
المشایخ والعلماء اوثق واتقن من عامة المحدثین والفقهاء
فکیف یعتبر قولهم ولا یعتبر هؤلاء الاصدقاء الاتقیاء کانوا جامع
معالی العلم والعمل متبعدین من الزلل والخلل والله اعلم و از
فضیل ابن عیاض رحمة الله علیه منقولست که حسن رحمة الله
علیه بشرف ملازمت صد و سی نفر از اصحابه رسول الله صلی الله
علیه وسلم رسید چنانچه از اکابر تابعین و سادات و مسلمین
است که امام وقت خود بود در علم و زهد و ورع و عبادت و عمر
عزیزش بقول مورخان نود و هشت سال رسیده بود و هم درین
سال یعنی در سنه ۱۱۰ هجری اسد ابن عبد الله که حاکم
خراسان بود غور و غرجستان و جبال نیمروز را فتح نموده بود
هژدهم ماه محرم سنه اربع وعشر ومایة هجری علی
ابن عبد الله ابن عباس رضی الله عنهم وفات یافت و در
تواریخ امام یافعی رحمة الله علیه آورده که علی ابن عبد الله رضی عنه
شب جمعه هفدهم ماه رمضان و وقت سحر همان شب امیر المؤمنین
رضی حضرت علی کرم الله وجهه زخمی کردید و بقول راویان آنکه
در زمان صحبت آنحضرت ولادتش اتفاق افتاد و عبد الله
او را نزد ولایت پناه آورده بود تا که تحنیکش التفات کرد

marfat.com
Marfat.com

۱۲۵۶

و کنیت علی ابن عبد الله نیز ابو الحسن بود و علی از اصغر
اولاد عبد الله ابن عباس رضی بود و احمد قوی قریش می نمود قد
بلند و جسد جسیم و لحیه طویل داشت و پایهای بزرگ و طول
قامتش بمرتبه بود که هرگاه طواف می نمود چنان تصور میشد که
سوار است و مردم پیاده و علی با وجود و فور و درازی تا منکب
عباس و عباس تا منکب عبد الملک بود و اعداد اولاد علی
ابن عبد الله بیست و پنج نفر بودند و مدت حیاتش بقول اراویان
هشتاد سال اول ربیع الاول سنه سبع
و عشر و مایه هجری زید بن علی بن امام حسین بن حضرت علی
بن ابی طالب رضی الله عنهم در کوفه خلیفه گردید و پنجاه هزار
نفر بیعت او نمودند و در خلال آن احوال طائفه از معارف
کوفه که دستی بیعت بآنحضرت والا شان داده بودند از قول
امامتش برگشته بیعت را شکستند و گفتند که امام ما یان
امام جعفر بن محمد صادق است رضی الله عنه و زید آن طائفه را
می طلب ساخت گفت یا قوم رفضتمونی یعنی ای قوم چرا ترک
بیعت من نمودید و راه راست گذاشته براه کج افتادید
بر این سخن اسمی رافضی بر قوم شیعه اطلاق افتاد الغرض
زید در اول ماه صفر سنه اثنی و عشرین و مایه خروج کرد
میان او و یوسف ابن عمر و الثقفی والی کوفه اتفاق محاربه

اعداد

marfat.com
Marfat.com

بودند
بران بازرگان افتاد همدران وقت بمرتبه ولایت رسیده
و شیخ صاحب پرسیدند که از اقوام مملکت میباشید گفت
که در فلان مملکت میباشم بعد از آن ارشاد نامه تحریر نموده او
را عنایت فرمودند بلکه اجازت هم دادند تا که در ولایت خود رفته
خلائق را بحق تعالی ارشاد نماید روزی شیخ با اصحاب خود در جای
خود نشسته بودند که بازی پس صعوه میرفت ناگاه نظر شیخ
بران صعوه افتاد همان زمان صعوه برگشته باز را گرفتار نموده
نزد شیخ صاحب حاضر گردانید و روزی نظری شیخ صاحب
در اثنای راه بر سگی دشتی افتاد همدران وقت بخشش یافتند
بیخبر بود و متحیر شدند و روی خود را از جانب شهر گردانیده بطرف صحرا
و کوهستان روانه شدند و سر خود را بر زمین می مالیدند آورده اند هر جا
که آمد و رفت میکردند قریب پنجاه سگ گرد او حلقه میکردند
و دستان خود را پیش او مینهادندی و آواز میکردندی و هیچ
شی نخوردندی در اندک زمان آن سگ بمرد شیخ صاحب
فرمودند که او را دفن نمایند و بر سر قبر او عمارت ساختند و حفره
شیخ صاحب تربیت از شیخ اسمعیل قیصری و از شیخ
عمار یاسر نیز یافته بودند و ایشان مرید شیخ نجیب الدین
عبد القاهر سهروردی بودند و حضرت شیخ جی را مریدان
بسیار بودند زیرا که چندین از ایشان یگانه زمان و مقتدای
دوران بودند چنانچه شیخ مجد الدین بغدادی و شیخ سعد الدین
حموی و شیخ رضی الدین علی لالا و شیخ سیف الدین باخرزی

Marfat.com
Marfat.com

ودبابا کمال الدین خجندی و شیخ نجم الدین رازی قدس الله سره العزیز
و شیخ سیف الدین ابو نصر بن محمد بن ناصر الدین

چون آنکه ناصر الدین وفات یافت جمیع اکابر و اصاغر از روی
باطن و ظاهر متفق گشته با وی بیعت کردند و وی در آن وقت
پنجاه و دو ساله بودند میگفت که دوکانی که بقال نماز دیگر باز بند
پیداست که چند سود نماید و بظاهر خلیفه عدالت شعار و دیندار
و پسندیده آثار بودند و در ایام اقتدار خویش بقدر امکان رد مظالم
می نمودند و جریان که جمله اموال دیوانی محبوس بودند آنها را آزاد
فرمودند و بعد از عمر بن عبد العزیز رحمة الله علیه که بحسن سیرت
او بجایس بر مسند خلافت نه نشسته بودند بروز جمعه ۱۳ رجب
سنه ۶۲۳ هجری ابو نصر رخت سفر آخرت را از دار فانی بربست
یازده ماه و پانزده روز خلافت نموده بودند و از علمای کبار که در زمان او بودند
امام الدین ابو القاسم بن عبد الکریم الرافعی در زمان او بتاریخ
مذکور بجلد برین پیوست و شرح کبیر و شرح صغیر از مؤلفات
آن امام تحریر یافته و آن امام بوجود بر معارج علم و کمال
در نظم اشعار شغلی می نمودند این رباعی از اشعار امام ثبت افتاده

در جامه صوف گیسه زنار چه سود — در صومعه رفته دل ببازار چه سود
از زر دکسان راحتی خود میطلبی — یکراحت و صد هزار آزار چه سود

الظاهر بالله ابو منصور محمد بن ناصر الدین و ناصر
را در ایام حیات خود ولی عهد ساخته بودند و شانزده سال بر منابر

بعد از ذکر

marfat.com
Marfat.com

اجمع المشایخ علی انه صحبت سیدنا امیر المومنین منه
[لب]س الخرقة منه ولا ریب ان هولاء الجماهیر من الاول
[المشا]یخ والعلماء اوثق واتقن من عامة المحدثین والفقهاء
[...]ف یعتبر قولهم ولا یعتبر هولاء الاصدقاء الاتقیاء کانوا جا
[مع]ین العلم والعمل متبعدین من الزلل والخلل والله اعلم واز
[فض]یل ابن عیاض رحمة الله علیه منقولست که حسن رحمة الله
[ب]شرف ملازمت صد وسی نفر از اصحابه رسول الله صلی الله
[علی]ه وسلم رسید چنانچه از اکابر تابعین وسادات وسلف
[ا]ست که امام وقت خود بود در علم وزهد وورع وعبادت وعمر
[شر]یفش بقول مورخان نود وهشت سال رسیده بود ودرین
[...]ال یعنی در سنه ۱۱۰ هجری اسد ابن عبد الله که حاکم -
[خ]راسان بود غور وغرجستان وجبال نیمروز را فتح نموده بود
هژدهم ماه محرم سنه اربع وعشر ومایة هجری علی
[ا]بن عبد الله ابن عباس رضی الله عنهم وفات یافت ودر
[تا]ریخ امام یافعی رحمة الله علیه آورده که علی ابن عبد الله رضی عنه
[در ش]ب جمعه هفدهم ماه رمضان ووقت سحر همان شب امیر المومنین
[...] حضرت علی کرم الله وجهه زخمی کردید وبقول راویان آنکه
[د]ر زمان صحبت آنحضرت ولادتش اتفاق افتاد وعبد الله
[ا]ورا نزد ولایت پناه آورده بود تا که تحنیکش الثعات کرد

[...]زی قدس الله سره العزیز
[...] محمد بن ناصر الدین
[...]رو اصاغر از روی -
[...]ند ووی در آن وقت
[...]عال نیز دیگر باز بند
[...]لت شعار و دیندار
[...] بقدر امکان رد مظالم
[...]ن بودند آنها را آزاد -
[...]حسن سیرت
[...] جمعه ۱۳ رجب
[...] از دار فانی بربست
[...] ار که در زمان او بودند
[...] زمان او بتاریخ -
[...]صغیر از مولفات
[...] علم وکمال
[...] از اشعار امام شنیده
[...] در این بیاز رمح سود
[...] از زر از زر چه سود
[...] ناصر الدین و تاصر
[...] پانزده سال بر منابر

marfat.com
Marfat.com

وکنیت علی ابن عبدالله نیز ابوالحسن بود و علی از اصغر
اولاد عبدالله ابن عباس رض بود و احسن قوم قریش می نمود قد
بلند و جسد جسیم و لحیه طویل داشت و پاهای بزرگ و طول
قامتش بمرتبه بود که هرگاه طواف می نمود چنان تصور میشد که
سوار است و مردم پیاده و علی با وجود وفور و درازی تا منکب
عباس و عباس تا منکب عبدالملک بود و اعداد اولاد علی
ابن عبدالله بیست و پنج نفر بودند و مدتی حیاتش بقول اکثر راویان
بیست تا و سال   اول ربیع الاول سنه سبع
وعشر ومایه هجری زید بن علی بن امام حسین بن حضرت علی
بن ابی طالب رضی الله عنهم در کوفه خلیفه گردید و پنجاه هزار
نفر بیعت او نمودند و در خلال آن احوال طائفه از معارف
کوفه که دستی بیعت بآنحضرت والاشان داده بودند از قول
امامتش برگشته بیعت را شکستند و گفتند که امام مایان
امام جعفر بن محمد صادق است رضی الله عنه و زید آن طائفه را
می طلبیده خشن گفت یا قوم رفضتمونی یعنی ای قوم چرا ترک
بیعت من نمودید و راه راست گذاشته براه چپ افتادید
بر این سخن اسمی رافضی بر قوم شیعه اطلاق افتاده است القصه
زید در اول ماه صفر سنه اثنی و عشرین ومایه خروج کرد و
میان او و یوسف ابن عمر و الثقفی والی کوفه اتفاق محاربه افتاد

اعداد

marfat.com
Marfat.com

... در صاحب حویلی تا میان شد - حاجی عبدالله بن سلطان -
شاه محمد بن سلطان میر سرور بن سلطان حاجی شاه میران - بن
سلطان محمد زبیر بن سلطان میر کمال بن سلطان میر جمال بن
سلطان ابی الفضل بن سلطان جلال الدین بن سلطان -
سراج الدین بن سلطان عبدالرحمن بن سلطان محمد عمر بن
سلطان محمد حسن بن سلطان محمد حسین بن سلطان
عبدالرؤف بن سلطان برهان الدین بن سلطان میر شعبان بن
سلطان محمد زاهد بن محی الدین اسلطان بن عبدالعزیز - بن
سید محمد اسمعیل صاحب الاخیار بن سید ابراهیم -
بن امام حسن عسکری بن امام محمد تقی بن امام علی نقی بن امام
علی موسی رضا بن امام موسی کاظم بن امام جعفر صادق بن امام
محمد باقر بن امام زین العابدین بن امام حسین بن امیر المؤمنین
حضرت مرتضی علی بن ابی طالب رضی الله عنه ۱۷ ماه رجب
۱۱۹۹ هجری العبد میان باقر شاه و میان غفار شاه و میان
یوسف شاه و میان محمد سعید و حقیر عبدالله شاه جاگیر خندیاله شیر خان
افغان بیست جریب آراضی متصل شاله باغ دوازده چاه در لاهور
بادشاه عطا فرموده بودند در عهد سکهان از دست ما رفته شده ...

marfat.com
Marfat.com

بعمر نود و یکسال ۱۵ شعبان سنه ۶۲ ه هجری از دار فنا بعالم بقا بکمال
شوق انتقال فرمودند شاعر این بیت گفته است

سنینش کامل [illegible] چو خواهی
وفاتش دان ز معشوق الهی

ارباب مورخان در تواریخ نوشته اند حضرت محی الدین را
سیزده فرزندان بودند عبد الرزاق و عبد الوهاب و عبد الله
عبد العزیز و محمد کبیر و عبد الجبار و شرف الدین و سیف الدین
و محمد عیسی و محمد ابراهیم و نصیر الدین و ابو اسحاق و محمد [illegible]
و عبد السلام و حضرت سلیمان شامی رحمة الله علیه در
رساله خود آورده اند که این همه اختراع خلفاء خود ساخته اند که سیزده
را سیزده نفر پسران بودند خلاف است حرف دو پسران بودند نموده بودند
یک در بغداد شریف اولاد حضرت عبد الرزاق با دو شاهی [illegible]
اند و دویم اولاد حضرت عبد الجبار در ملک شام طریقه قادریه [illegible] بودند
اند و هر سال برای حج چند نفر بیشتر سواره پیاده میروند زیرا که در این باب
من بسیار سعی و کوشش نمودیم بنده را بجز این معلوم گردید که دو
پسران داشتند و در اوطان که مردمان [illegible] اولاد [illegible] نمایند
که آنها جمله اولاد خلفاء آنحضرت اند حضرت شجره خود را
به مرید میدهد آن شجره پیر را بنام خود مبدل نموده تکرار کرده اند

نقل شجره حضرت حاجی بهادر صاحب نوشاهی قدس سره [illegible]

بدانکه حاجی عبد الله نقشبندی قدس الله سره العزیز [illegible] بود

marfat.com
Marfat.com